

کانون کارشناسان رسمی دادگستری

شماره دوم
خرداد و تیر ماه سال ۱۴۰۴

خبرنامه داخلی

Official Expert Organization, Tehran

استان تهران

کارشناس؛ امین و معین قاضی



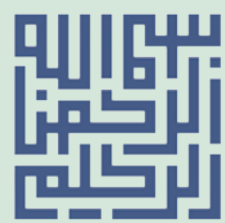
ویژه نامه
همایش بررسی
چالش های امور کارشناسی
و راهکارهای ارتقای
کیفیت آن

رئیس کل دادگستری استان تهران تشریح کرد:

فرصت ها و چالش های نظام کارشناسی انتظارات مردم و دستگاه قضا از کارشناسان

رئیس کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران اعلام کرد:

تحول نظام کارشناسی درگرو همکاری های مشترک



کانون کارشناسان رسمی دادرسی

Official Expert Organization, Tehran

سرمقاله / کارشناس: امین و معین قاضی	۲
ارتقای نظام کارشناسی نیازمند تحول در رفتار سازمانی و فردی است	۴
فرصت‌ها و چالش‌های نظام کارشناسی: انتظارات مردم و دستگاه قضا از کارشناسان	۶
سامانه جامع رتبه‌بندی کارشناسان ایجاد شود	۱۶
الزامات قانونی برای قضات و کارشناسان در امر کارشناسی	۲۰
فراز و نشیب کارشناسی در سه مرحله	۲۴
عوامل موثر در امر قضا و برقراری عدالت	۲۸
ارتباط مستقیم اطلاع دادرسی و تعرفه کارشناسی	۳۰
نقش بی‌شبهه کارشناسان در صدور آرای عادلانه	۳۸
مسامحه: پیش‌تاز تخلفات کارشناسی	۴۲
رفع اطلاع دادرسی در گرو اصلاح شیوه قرارنویسی	۴۶
زوایای پنهان مسامحات کارشناسی	۴۸
لزوم اصلاح روند پرداخت حق الزحمه کارشناسان	۵۴
تحول نظام کارشناسی در گرو همکاری‌های مشترک	۵۶
گروه‌های دوازده گانه کارشناسی	۵۸
مروری بر ساختار قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران	۶۰
ساختار دادگستری استان	۶۲



خبرنامه داخلی کانون
کارشناسان رسمی
دادگستری استان تهران



شماره دوم / ویژه‌نامه همایش
«بررسی چالش‌های امور کارشناسی
و راهکارهای ارتقای کیفیت آن»
خرداد و تیر ۱۴۰۴

صاحب امتیاز: کانون کارشناسان رسمی
دادگستری استان تهران

مدیرمسئول: محمدجواد تیموری

شورای سردبیری: حسین احمدی،
منصور صفرزاده، حامد خانجانی

زیر نظر شورای سیاست‌گذاری

ویراستار ادبی: هانیه نعیمی

طراحی و صفحه‌آرایی: محمد طاهری قزوینی

چاپخانه: آیین چاپ تابان

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه





کارشناس؛ امین و معین قاضی



حسین احمدی

عضو شورای سردبیری
و دبیر اجرایی همایش

عضو از نمایندگان قضات و کارشناسان رسمی، اداره شد.

بخش نخست به موضوع «عوامل مؤثر بر اطاله دادرسی و راهکارهای کاهش آن با تأکید بر نقش قاضی و کارشناس» اختصاص یافت. بخش دوم نیز به «بررسی علل بروز مسامحات و تخلفات پرتکرار در کارشناسی و راهکارهای کاهش آن» پرداخت.

بدون تردید، حضور همزمان مجموعه‌های قضایی و صنفی مذکور، این همایش را به نقطه عطفی در مسیر تعامل و همکاری میان «نهاد قضایی» و «نهاد کارشناسی» بدل ساخت؛ تعاملی که با هدف اصلی کاهش اطاله دادرسی و ارتقای کیفیت کارشناسی شکل گرفت و به عنوان ضرورتی بنیادین در نظام عدالت امروز کشور مطرح شد.

این ویژه‌نامه با انتشار اظهارات ارزنده سخنرانان حاضر در همایش، جهت بهره‌مندی کارشناسان و سروران گرامی دستگاه قضایی، به حضورتان تقدیم می‌گردد.

در جریان این مباحث، دغدغه‌های مشترکی تحت عنوان «اطاله دادرسی» و «نارسانی در قراردادهای کارشناسی صادره توسط برخی قضات» که ممکن است تبعات و آثار سوء آن در جریان رسیدگی به پرونده‌های قضایی مترتب باشد، مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

اطاله دادرسی می‌تواند بستری برای به وجود آمدن مفسده‌انگیزی و آثار منفی در نتایج آرا و احکام قاضی باشد. همانطور که در اظهارات پیشین رئیس کل دادگستری استان تهران، می‌توان به این مورد با اهمیت و ارزشمند اشاره کرد که «سلب اعتماد عمومی به دلیل طولانی شدن دادرسی‌ها، موجب تهدید امنیت قضایی و کاهش اعتماد اجتماعی می‌شود».

از همین رو، نظر به اینکه پایه غالب آرای قضات شریف، شاید بالغ بر ۹۰ درصد آرای قضایی، بر مبنای نظر کارشناسان است، لذا اظهارنظرهای متقن کارشناسان رسمی دادگستری به عنوان عین القضاات و معین القضاات، به طور قطع مقوم احکام قضایی است و در مسیر ارتقای امنیت قضایی و ایجاد اعتماد عمومی شهروندان، نقش

نخستین همایش مشترک علمی، تخصصی و حرفه‌ای قضات عالی‌رتبه دادگستری استان تهران با کارشناسان رسمی دادگستری، با موضوع «بررسی چالش‌های امور کارشناسی و راهکارهای ارتقای کیفیت آن»، در اردیبهشت‌ماه سال ۱۴۰۴ و به میزبانی کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران، در محل ساختمان شماره ۲ واقع در سعادت‌آباد برگزار شد.

این همایش با حضور و پشتیبانی رئیس کل دادگاه‌های عمومی و انقلاب استان تهران و معاونان قضایی وی (در امور نظارت و ارزیابی، امور حقوقی، امور کیفری، امور اجرای احکام مدنی، امور اقتصادی، دادگاه‌های انقلاب، دادگاه‌های خانواده، دادگاه‌های صلح تهران) رؤسای مجتمع‌های قضایی دادگستری استان تهران، ارکان و گروه‌های تخصصی کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران و با همراهی دادستان، دادسرای انتظامی، اعضای حقوقدان و رؤسای شعبات دادگاه‌های انتظامی کانون، در فضایی صمیمانه برگزار گردید.

دانش قضایی و تخصص حرفه‌ای و فرزاندی سخنرانان حاضر در این همایش؛ گامی ستودنی در مسیر غنابخشیدن به چنین همایش‌هایی و با هدف گشایش دریچه‌ای رو به سوی بهبود تعاملات سازنده و اعتلای نظام کارشناسی در کنار نظام قضایی کشور محسوب می‌شود. آیین افتتاحیه همایش مذکور با سخنرانی آقای دکتر القاضی مهر، رئیس کل دادگستری استان تهران و سپس آقای دکتر قربانی، رئیس کل دادگاه‌های عمومی و انقلاب تهران و مراسم اختتامیه نیز با سخنرانی آقای دکتر تیموری، رئیس هیئت مدیره کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران مزین شد.

همایش علمی مزبور در دو بخش تخصصی برگزار شد که در مجموع، شامل ۶ سخنران و دو پنل تخصصی بود؛ هر یک از پنل‌ها با حضور چهار



همایش علمی
مزبور در دو بخش
تخصصی برگزار
شد که در مجموع،
شامل ۶ سخنرانی
و دو پنل تخصصی
بود؛ هر یک از
پنل‌ها با حضور
چهار عضو از
نمایندگان قضات
و کارشناسان
رسمی، اداره شد



امید است این تجربه مشترک، الگویی پایدار برای تعامل سازنده میان نهاد قضایی و نهاد کارشناسی باشد و به عنوان گامی مؤثر در مسیر تحقق عدالت کارآمد و پایدار در کشور تلقی گردد

حرفه‌ای و تخصصی کارشناسان و قضات، و ضرورت استمرار همایش‌های مشترک میان دو نهاد دست‌کم یک‌بار در سال، که عامل مؤثری در جهت تحکیم عدالت، افزایش هم‌افزایی میان دو نهاد و ارتقای اعتماد عمومی نسبت به دستگاه قضایی است.

بدین ترتیب، همایش مزبور صرفاً به طرح مشکل اکتفا نکرد، بلکه زمینه‌ای برای ارائه راه‌حل‌های عملی را فراهم آورد.

ویژه‌نامه حاضر، مجموعه‌ای از سخنان، مباحث و دستاوردهای این همایش است که به‌منظور بهره‌مندی قضات، کارشناسان رسمی دادگستری و دیگر علاقه‌مندان به حوزه دادرسی، گردآوری و منتشر شده است.

امید است این تجربه مشترک، الگویی پایدار برای تعامل سازنده میان نهاد قضایی و نهاد کارشناسی باشد و به عنوان گامی مؤثر در مسیر تحقق عدالت کارآمد و پایدار در کشور تلقی گردد.

آرزوی ما تسهیل رسیدگی به پرونده‌های قضایی و کاهش آلام و رنجوری مردم عزیز میهن‌مان است.

امیدواریم برگزاری موفق اولین همایش مشترک علمی و تخصصی قضات و کارشناسان، که به همت و میزبانی کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران و با حمایت و پشتیبانی رئیس کل محترم دادگستری استان تهران به ثمر همایش؛ در آینده نزدیک دوباره تکرار شود و به عنوان الگویی مستقبل برای نهاد کارشناسی در کشور قرار گیرد.

برجسته و بسزایی را ایفای کند.

اما چه باید کرد تا اطاله دادرسی کاهش یابد؟ به طور خلاصه مجموعه‌ای از عوامل مؤثر در اطاله دادرسی و عناصر کلیدی در بروز چالش‌های کارشناسی که در این همایش تا حدودی به آنها پرداخته شد، به تفکیک مورد بررسی قرار گرفته است که ازجمله آنها می‌توان به عناوین ذیل اشاره کرد:

۱- نقش قاضی، کارشناس، وکیل و اصحاب دعوا؛

۲- ابهام در قراردادهای کارشناسی و ضرورت رفع آن از طریق ارتباط و گفت‌وگوی مستقیم میان قاضی و کارشناس؛

۳- فقدان تشخیص در ارائه مدارک مورد نیاز در پرونده و در نتیجه، نقص مدارک و مستندات پرونده‌ها؛

۴- انتظار تحصیل دلیل از کارشناس؛

۵- طرح درخواست‌های خارج از حدود وظایف قانونی کارشناس؛

۶- عدم تناسب برخی قراردادهای کارشناسی با صلاحیت‌های تخصصی کارشناس یا هیئت کارشناسی؛

۷- نامتناسب بودن اعضای هیئت کارشناسان با موضوع قرار؛

۸- کاستی‌های سیستمی و ساختاری، به‌ویژه ضعف ارتباطات سامانه‌ای و کمبود هماهنگی نهادی؛

در راستای رفع این چالش‌ها، راهکارهای کاربردی مورد تأکید قرار گرفت؛ ازجمله توسعه ارتباطات و پیروپرسی میان دستگاه قضایی و نهاد کارشناسی، ایجاد دسترسی سیستمی کارشناسان به پرونده‌ها، ارتقای آموزش‌های



د

در کانون
کارشناسان رسمی
دادگستری استان
تهران و معاونت
محاکم تهران،
مصمم هستیم
تا پیگیری لازم را
درخصوص نتایج
مربوط به تحولی
که باید در رفتار
سازمانی و رفتار
شخصی ما شکل
بگیرد، انجام
دهیم



رئیس کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران:

ارتقای نظام کارشناسی نیازمند تحول در رفتار سازمانی و فردی است

رئیس کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران گفت: نظام کارشناسی با دو موضوع مهم و مبتلابه «اطاله دادرسی» و «مسامحات و تخلفات مربوط به امور کارشناسی» مواجه است که با توجه به خرد جمعی، درصدد یافتن راهکارهای مناسب برای رفع این دو چالش هستیم. دکتر محمدجواد تیموری، در همایش «رئیس کل، معاونان، مدیران و روسای مجتمع‌های قضایی دادگستری استان تهران با اعضای هیئت مدیره و هیئت رئیسه گروه‌های تخصصی کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران» ضمن عرض خیرمقدم خدمت حضار و تبریک و تهنیت به مناسبت ولادت باسعادت امام رضا علیه السلام و دهه پرفضیلت کرامت، گفت: فرصت بسیار مغتنمی است که امروز در یک مجلس حرفه‌ای و تخصصی، قضات عالی‌مرتبه در کنار کارشناسان دور هم جمع شده‌ایم که مسائل و امور مربوط به نظام قضایی را با هم مرور کنیم و راهکارهای عملی برای ارتقای نظام کارشناسی را با اتکا به خرد جمعی تحصیل کنیم. وی ادامه داد: این همایش از چند جنبه ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که به صورت اختصار و فهرست‌وار به این ویژگی‌ها اشاره می‌کنم.

استان تهران در نظام قضایی ارائه می‌دهد، سرآمد تمام خدمات استان‌های دیگر است. حدود ۳۰ درصد از جمعیت کشور در استان تهران و بالغ بر ۸۰ درصد فعالیت‌های اقتصادی، در استان تهران شکل می‌گیرد. اغلب پرونده‌های

تیموری در تشریح این ویژگی‌ها بیان کرد: ویژگی اول، «برگزارکنندگان» این مراسم است. نهاد «دادگستری» به ویژه دادگستری استان تهران، با قریب به یک قرن تجربه، یکی از برگزارکنندگان و بانیان این جلسه است. خدماتی که دادگستری



نظام کارشناسی
با دو موضوع
مهم و مبتلابه
«اطاله دادرسی»
و «مسامحات و
تخلفات مربوط به
امور کارشناسی»
مواجه است که
با توجه به خرد
جمعی، درصدد
یافتن راهکارهای
مناسب برای این
دو چالش هستیم

این مقام مسئول با اشاره به دو موضوع مبتلابه و مهم که به طور تخصصی در این همایش مورد بررسی قرار می‌گیرد، اظهار داشت: طی جلساتی با حضور آقای دکتر قربانی معاونت امور محاکم و معاونان وی، دو موضوع «اطاله دادرسی» و «مسامحات و تخلفات مربوط به امور کارشناسی» به عنوان موضوعات دارای رتبه اول برای طرح در این جلسه انتخاب شد. تیموری، ویژگی چهارم این همایش را مربوط به «حوزه قلمرو» آن دانست و بیان کرد: در این جلسه ما به طور تخصصی، ویژه و کاربردی، به مسائلی می‌پردازیم که در محکمه و در فرآیند بررسی پرونده با آنها مواجه هستیم. همچنین از نظریه پردازی، تدوین استراتژی و مسائلی که خارج از حوزه میدان عمل قضایی است، پرهیز می‌کنیم و به طور تخصصی به مسائل کاربردی می‌پردازیم.

وی یادآور شد: ویژگی پنجم این جلسه، «انتظارات از همایش» است. با عنایتی که دادگستری استان تهران به ویژه جناب آقایان القاصی، مهر و قربانی و بقیه معاونین و همکاران وی دارند، امیدواریم که این همایش به تغییر و تحولی مثبت منجر شود که این تغییر و تحول، در عرصه سازمانی و فردی (در بخش نظام نامه ها و بخشنامه های عملی)، در دادگستری و همچنین در کانون، به ارتقای نظام کارشناسی کمک بکند.

تیموری درباره ویژگی ششم این همایش گفت: «تکرارپذیری» ویژگی ششم این همایش است. تکرارپذیری این همایش وابسته به میزان مفیدبودن و تأثیرگذاری این همایش است. از یک سو اگر مقامات قضایی، قضات و سرپرست های مجتمع های قضایی و از سوی دیگر، کارشناسان بهره کافی از این همایش را ببرند و این همایش، تأثیر مستقیمی بر ارتقای کارشناسی به دنبال داشته باشد، طبیعتاً مطالبه برای تکرار برگزاری این همایش ها به صورت دوره ای فراهم می‌شود.

وی با بیان اینکه ویژگی هفتم، «پیگیری نتایج مربوط به این همایش» است، خاطرنشان کرد: ما در کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران و نیز معاونت محاکم تهران، مصمم هستیم تا پیگیری لازم را درخصوص نتایج مربوط به تغییر و تحولی که باید در رفتار سازمانی و رفتار شخصی ما شکل بگیرد، انجام دهیم.

ملی در حوزه های اقتصادی، امنیتی و قضایی، که جنبه های ملی و حیثیتی نظام دارد، در دادگستری استان تهران انجام می‌شود. به عبارتی، دادگستری استان تهران، بالاترین رتبه و بالاترین ظرفیت قضایی کشور را هدایت و اداره می‌کند.

وی با اشاره به سوابق و کارآمدی کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران، ادامه داد: این مراسم به میزبانی «کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران» برگزار است. از فعالیت قانونی کارشناسان رسمی دادگستری حدود نه دهه می‌گذرد و از پی این سال ها، کوله بار بسیار باارزشی از تجارب کارشناسی پدید آمده که در کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران به عنوان با سابقه ترین نهاد کارشناسی کشور اندوخته شده است. هم اکنون حدود ۳ هزار و ۷۰۰ کارشناس در ۷۲ رشته تخصصی در کانون رسمی دادگستری استان تهران، خدمات فنی و تخصصی را به ویژه به نظام قضایی و در صدر آن، به دادگستری استان تهران ارائه می‌کنند. تیموری با اعلام اینکه کانون کارشناسان دادگستری استان تهران، اولین کانون تشکیل شده در کشور است، اظهار داشت: باتجربه ترین، نخبه ترین و فرهیخته ترین کارشناسان، به نمایندگی امروز در این مجلس گرد هم آمده اند. از مجموع ۳ هزار و ۷۰۰ کارشناس، مادر حد ظرفیت این سالن، از بزرگان، پیشکسوتان، مدیران قبلی کانون، اعضای شورای عالی، هیئت رئیسه ها و هیئت رئیسه کانون دعوت به عمل آوردیم که دعوت ما را پذیرفتند و در این مجلس باشکوه حضور دارند. رئیس کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران با اشاره به ویژگی های دیگر این همایش، تصریح کرد: ویژگی دوم این مراسم «بی نظیر بودن از نوع برپایی آن» است. این همایش مراسم جنبه تشریفاتی و تبلیغاتی آنچنانی ندارد. موضوع آن، همفکری و توجه به خرد جمعی برای یافتن راهکار برای مسائل مبتلابه و مهم ترین مسائل مربوط به حوزه نظام کارشناسی است.

وی ویژگی سوم این مراسم را فراهم سازی فضایی برای «گفت و گو» دانست و بیان کرد: در این مراسم در دو پنل تخصصی، متخصصان حاضر با ارائه پیشنهاد های سازنده به ما کمک خواهند کرد تا به راهکارهای مناسبی برای حل مسائل موجود برسیم.



رئیس کل دادگستری استان تهران تشریح کرد:

فرصت‌ها و چالش‌های نظام کارشناسی انتظارات مردم و دستگاه قضا از کارشناسان

رئیس کل دادگستری استان تهران با اشاره به نقش خطیر و حساس کارشناسان در صدور حکم عادلانه از سوی نهاد قضایی، به تشریح مسائل و چالش‌های موجود در حوزه کارشناسی پرداخت و خواستار توجه جدی به رفع آنها شد. دکتر علی القاصی‌مهر، در همایش «رئیس کل، معاونان، مدیران و روسای مجتمع‌های قضایی دادگستری استان تهران با اعضای هیئت مدیره و هیئت رئیسه گروه‌های تخصصی قانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران» ادامه داد: به طور قطع این همایش و این جلسه هم‌اندیشی و همفکری بین مسئولان قضایی و اعضای هیئت مدیره قانون کارشناسان، بسیار حائز اهمیت و در عین حال فصل نوین و جدیدی است برای اینکه ما در راستای انجام وظیفه و رسالت مهمی که برعهده داریم، بتوانیم در این مسیر با هم‌افزایی و همفکری در جهت حل مسائل و مشکلات و برون‌رفت از بعضی از آسیب‌های موجود در این حوزه کاری، موفق عمل کنیم و با همدلی و همراهی، حتماً این امر مهم محقق خواهد شد.

نقش و جایگاه حساس نهاد قضایی

وی با تأکید بر اینکه ما در مجموعه دستگاه قضایی، همیشه باید توجه کنیم که از اهمیت کار و مسئولیتی که بر دوش ما گذاشته شده است، غافل نشویم، یادآور شد: کارشناسان رسمی دادگستری، قضات محکمه، ضابطان دادگستری و سایر افراد دخیل در این حوزه، هر کدام بنا به وظایف سازمانی و ماموریتی خود، نقشی را ایفا می‌کنند. ولی باید همیشه این موضوع را به خود یادآوری و توجه کنیم که در این جایگاه و مسئولیتی که داریم، اهمیت و اثرگذاری آن در جامعه و نقشی که در برقراری نظم عمومی و ایجاد امنیت و آرامش در جامعه داریم، تا چه اندازه مهم است.

القاصی‌مهر اضافه کرد: دستگاه قضایی، قوه قضاییه و به تعبیری که مقام معظم رهبری در هفته قوه قضاییه در تیر ماه سال ۱۴۰۳ داشتند، «عدالتخانه» یک مجموعه‌ای است که رسالت و وظیفه بسیار بزرگی را در جامعه و در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی مردم، نظام و حاکمیت ایفا می‌کند. بر اساس قانون اساسی، رسالت قوه قضاییه، احقاق حق و اجرای عدالت است و در پرتو اجرای عدالت است که دیگر استعدادهای انسان‌ها شکوفا می‌شود.

صدور حکم عادلانه، هدف غایی قوه قضاییه

وی با بیان اینکه امروز مسئله امنیت و عدالت به عنوان زیرساخت و زیربنای زندگی فردی و اجتماعی و شکوفا شدن تمام استعدادهای انسان، مسئله مهمی است که اگر به خوبی و به درستی محقق و اجرایی شود، حتماً می‌توانیم به هدف غایی و نهایی دست پیدا کنیم، گفت: در قوه قضاییه معمولاً برون‌داد دستگاه قضایی، صدور حکم عادلانه است؛ یعنی اگر بخواهیم در یک جمله تعریف مختصر و موجزی از قوه قضاییه داشته باشیم، می‌گوییم قوه قضاییه یعنی صدور حکم عادلانه. یعنی مجموعه‌ای که اساس، هدف ایجاد، مأموریت و غایت آن این است که حکم عادلانه در روابط افراد در مقام دادخواهی صادر شود.

به گفته این مقام قضایی، حکم عادلانه‌ای که هدف غایی و نهایی همه ما و مردم و دادخواهان در حوزه‌های مختلف است، یکسری الزامات و ملزوماتی دارد و در این حکم عادلانه بلافاصله ممکن است ذهن ما متوجه شخص قاضی شود. یعنی وقتی از حکم عادلانه سخن می‌گوییم، یعنی حکمی که توسط قاضی صادر شود. ولی باید توجه کنیم که قاضی هم یکی از کسانی است که در صدور و تحقق چنین حکم عادلانه‌ای نقش

دد

تصمیم‌گیری
دقیق، احراز
واقعیت و
تشخیص صحیح
موضوع برای
قضات، در گرو
حضور کارشناس
زبده و صاحب
علم و تجربه در
فرایند دادرسی
است



وقتی روند
کارشناسی ماه‌ها
طول می‌کشد، چه
بسا زمینه فساد
و اعمال نفوذ در
پرونده به وجود
می‌آید. درواقع
فرصتی ایجاد
می‌شود تا طرفین
در فرآیند رسیدگی
دخل و تصرف
کنند



شده است.

وی افزود: پس وقتی می‌گوییم یک دادرسی عادلانه و منصفانه باید به وجود بیاید و طرفین از حق مساوی و به عبارتی، تساوی در سلاح‌ها و بدون تبعیض و از یک ظرفیت برابر در مقام دادرسی برخوردار شوند، اینجاست که باید این ملزومات در این حوزه‌ها فراهم شود.

نقش کارشناسی در صدور حکم

رئیس کل دادگستری استان تهران درخصوص نقش و جایگاه کارشناسی در صدور حکم بیان کرد: همه می‌دانیم اگرچه حوزه کارشناسی در صدور حکم نقشی ندارد، ولی در آن حکمی که قاضی و مقام قضایی انشأ می‌کند، چقدر موثر است. آن حکمی که قاضی انشأ می‌کند، مبتنی بر چه اسناد، چه علوم و فنون و تخصصی است. وی ادامه داد: همه شما در مقام رسیدگی می‌بینید که امروز پیچیدگی‌های فراوانی در حوزه‌های گوناگون وجود دارد و ما با مسائل نوظهور و نوپیدی مواجهیم. درواقع ما در مواجهه با بسیاری از موضوعات متوجه می‌شویم که از مسائل بسیاری کاملاً بی‌اطلاع هستیم. شاید در بعضی از موضوعات، یک بازپرس یا یک قاضی دادگاه حداقل اطلاعاتی را داشته باشد،

دارد.

وی تصریح کرد: درواقع بازیگران و کنشگران فرآیند دادرسی، که باید منتهی به یک حکم عادلانه شود، اشخاص متعدد و گوناگونی هستند که هر کدام به نحوی مکمل همدیگر هستند و در جهت هم‌افزایی و تقویت آن مأموریت اصلی و مهم قرار دارند. هر کدام از این کنشگران و بازیگران صحنه دادرسی و حکم عادلانه در جای خود بسیار مهم و حساس است. قاضی هم که حکم صادر می‌کند، یکی از این افراد است. وقتی ما به میزان تأثیرگذاری هر کدام از این اشخاص متعدد در تصمیم و رأی قاضی می‌نگریم، می‌بینیم که نقش آنها بسیار حساس و مهم است.

کنشگران و بازیگران صحنه دادرسی

القاصی‌مهر با اشاره به بازیگران صحنه دادرسی، گفت: کارشناسان یکی از بازیگران صحنه دادرسی و وکلای دادگستری، یکی دیگر از این کنشگران و بازیگران هستند. ضابطین و کسانی که در مقام کشف جرم و تعقیب و در عین حال جرم‌یابی و کشف ابعاد پدیده مجرمانه برمی‌آیند، هر کدام ذی‌نقش هستند و مأموریت دارند و در منظر قانون هم رسمیت دارند. در عین حال برای آنها حدود صلاحیت‌ها، وظایف و اختیاراتی هم تبیین



ولی در بعضی از موضوعات، حداقل شناخت و اطلاعات را هم نداریم.

پیش شرط صدور حکم عادلانه

القاصی مهر تصریح کرد: امروز مسائلی در حوزه فضای سایبری اتفاق می افتد؛ یا موضوعاتی در حوزه دیجیتال، رمزارزها و حوزه فناوری، که در حال توسعه و گسترش است، رخ می دهد. در بستر این فضا و حوزه، اتفاقات، مسائل و موضوعات مهمی رقم می خورد و بعضاً هستند کسانی که در این بستر و فضا، قربانی اعمال و نیت شوم بعضی از اشخاص قرار می گیرند و ممکن است این افراد در این رهگذر متحمل خسارت ها و هزینه هایی شوند. در این میان هستند کسانی که باتسلط بر حوزه این فنون و شناختی که نسبت به این حوزه دارند، مرتکب کلاهبرداری های اینترنتی و جرائمی می شوند که این موارد مهم جای بررسی دارد.

به گفته این مقام قضایی، یک قاضی که می خواهد در مقام فصل خصومت، رسیدگی و صدور حکم عادلانه قرار گیرد و برای فصل خصومت طرفین، مبنا قرار بگیرد، در اینجا بدون رجوع به صاحب فن و متخصص در این حوزه امکان صدور حکم عادلانه را ندارد. فلذا در اینجا می بینیم که کارشناسان چه نقشی دارند. در راستای تحقق عدالت و اجرای صحیح قانون و آنچه که باید مورد حکم و تصمیم قرار بگیرد تا در نهایت بر اساس آن، امنیت اجتماعی در جامعه برقرار شود، بدون رجوع به این حوزه فنی و تخصصی امکان پذیر نیست.

وی افزود: پس باید به نقش و جایگاه خودمان توجه داشته باشیم که در عرصه عدالت خواهی، عدالت گری و بستر سازی امنیت و آرامش در جامعه می خواهیم ایفای نقش کنیم. لذا باید توجه کنیم که ما در دستگاه قضایی زمانی می توانیم یک دستگاه قضایی پویا، توانمند، کارآمد، عادل و آگاه به همه امور در روابط و دادخواهی مردم را رقم بزنیم که از همه این ظرفیت ها به طور کامل برخوردار باشیم و یکی از آنها کارشناسی است.

این مسئول قضایی ادامه داد: در حوزه وکلا، وقتی که یک وکیل مسلط و متبحر، با دانش و مهارت کافی در عرصه دادرسی حضور پیدا می کند، روند دادرسی را به سوی عدالت، احقاق حق و اجرای درست قانون هدایت می کند. برعکس، اگر آن وکیل، از توانایی و کارآمدی لازم برخوردار نباشد، نمی تواند قاضی را در مسیر کشف حقیقت، اجرای صحیح و درست قانون و استنباط صحیح،

کمک و یاری کند. بنابراین اگر از این ظرفیت ها و به تعبیر شایع، از این بازیگران، به درستی و به خوبی استفاده شود، می توانیم آن عدالت مدنظر را در بین مردم به درستی پیاده و اجرا کنیم.

نقش قضاوتی، دوری و روشنگری کارشناس

القاصی مهر، وظیفه و کاری را که کارشناسان انجام می دهند، بخشی از قضاوت دادگستری دانست و اظهار داشت: به عبارتی، آن دادنامه و حکمی که صادر می شود، پایه و حتی در برخی موارد، مبنای تصمیم گیری در رسیدگی قضایی است که بسیار مهم و حساس است. لذا در اینجا هم خود کارشناسان باید به این مقوله توجه داشته باشند و هم ما در مقام رسیدگی باید به این جایگاه و نقش به خوبی توجه کنیم و آن انتظاراتی که از قاضی و کارشناس وجود دارد، به درستی پیگیری و پیاده شود تا بتواند در این مسیر نتیجه بخش باشد. وی با بیان اینکه کارشناسان از جمله کسانی هستند که حتماً باید اتیان سوگند را به جا بیاورند، افزود: آیا در همه مشاغل این کار لازم است؟ کارشناسان شبیه همان سوگندی را یاد می کنند که قاضی یاد می کند. چون در اینجا نقش کارشناس، نقش قضاوتی، دوری و

د

نیاز است که در زمینه ارجاع کارشناسی، به تخصص کارشناسان توجه شود تا تبعیضی صورت نگیرد و ارجاع به طور عادلانه و متناسب با رشته، تخصص و تجربه کارشناسان توزیع شود



موضوعاتی که محل ابهام، سوال، ایراد و اشکال است.

القاصی مهر در ادامه تصریح کرد: لذا کارشناسان هم مانند پزشکان، وکلا و قضات، کارشناسان ما در سایر علوم ورشته‌ها هم جزو قشر نخبه جامعه هستند؛ حسب موارد که از احترام و اعتبار ویژه‌ای برخوردارند. چون کارشناس در مقام ایفای وظیفه‌ای که دارد، تولید علم و تولید تخصص می‌کند، زوایای مبهم را روشن می‌کند و در نتیجه در مسیر کشف حقیقت قدم برمی‌دارد و کار می‌کند. لذا این قشر از احترام و اعتبار ویژه‌ای برخوردارند. وی افزود: مسئله حسن شهرت، امانت‌داری، متخصص و فنی بودن کارشناسان، ازجمله ارکان مهم این حوزه است. بنابراین وقتی که مسئله کارشناس و کارشناسی به ذهن ما متبادر می‌شود، این عبارات و مفاهیم هم در ذهن ما خطور می‌کند: کسی که امانت‌دار است، کسی که صاحب تخصص، علوم و فنون خاصی است و در نتیجه، این فرد در بین جامعه از حسن شهرت و اعتبار برخوردار است.

انتظارات و توقعات از کارشناسان

رئیس کل دادگستری استان تهران درخصوص

روشنگری است. کارشناس می‌خواهد با علم، فن و نظرش در بین مردم قضاوت کرده و حق و باطل را به دادگاه تصمیم‌گیرنده معرفی کند. لذا مسئله امانت‌داری و صحت عمل در کارشناسان ازجمله مسائل بنیادین و مهمی است که حتماً باید به آن توجه کنیم.

کارشناسان، عصاره علوم و فنون مختلف

به اذعان القاصی‌مهر، نکته مهم در بحث کارشناسی که هم از حیث کمی و هم از حیث کیفی تعیین‌کننده است، این است که در رسیدگی‌ها توجه به علم و دانش کارشناس، بسیار مهم است و اگر بخواهیم تعبیر درستی داشته باشیم، باید بگوییم کارشناسان، عصاره علوم و فنون مختلف هستند.

وی با اشاره به توانمندی بالای کارشناسان تاکید کرد: مجموعه کارشناسان در رشته‌ها و علوم مختلف، صاحب حجم بسیار بالایی از اطلاعات و فنون در رشته‌ها و حوزه‌های مختلف هستند که هر کدام از آنها سال‌های متمادی برای دریافت و کسب این علوم تلاش کرده‌اند و بپای مدارج علمی و کسب تجارب عملی در آن حوزه‌ها، امروز صاحب‌نظر هستند، برای احراز و تشخیص



کارشناس
می‌خواهد با علم،
فن و نظرش در
بین مردم قضاوت
کرده و حق و
باطل را به دادگاه
تصمیم‌گیرنده
معرفی کند.
لذا مسئله
امانت‌داری و
صحت عمل
در کارشناسان
ازجمله مسائل
بنیادین و مهم
است

شروط تضمین صحت عملکرد کارشناسان

القاصی مهر در ادامه اظهارات خود به بیان شروط لازم برای تضمین صحت عملکرد کارشناسان پرداخت و گفت: اگرچه قاضی در تمامی مراحل دادرسی حضور دارد، اما آنچه که علم قاضی را به وجود می آورد و قرائن و شواهدی که برای قاضی را به یک علم نسبی می‌رساند که بتواند تصمیم‌گیری کند، بی‌تردید آن میزان اشراف، دانش، مهارت و تجربه کارشناس است که در نظریه کارشناسی ظهور و بروز پیدا می‌کند.

وی تأکید کرد: پس باید مراقب بود تا اعتماد و اطمینان موجود به نهاد کارشناسی مخدوش نشود. صحت عملکرد کارشناسان، تضمین‌کننده صیانت از احترام و اعتبار خود آنها است. نهاد کارشناسی، یک نهادی است که مردم، نهادهای رسمی و حاکمیتی به آن اعتماد دارند. اگر این اعتماد مخدوش شود، در نهایت نمی‌تواند اثرگذار باشد. پس رمز اعتماد و استمرار اعتماد به این مجموعه، صحت عملکرد آنهاست که بسیار مهم است. بنابراین امانت‌داری، نفوذناپذیری و تسلط و دانش کارشناس یا هیئت کارشناسی، شروط لازم برای تضمین صحت عملکرد در حوزه کارشناسی خواهد بود.

رسمی و در مقام انجام کارشناسی برمی‌آیند، حتماً باید از دانش کافی، تجربه مناسب و متناسب با آن موضوع برخوردار باشند که نظر آنها بتواند فصل خصومت کند و مورد قبول و اعتماد قاضی و طرفین قرار بگیرد. لذا تصمیم‌گیری دقیق، احراز واقعیت و تشخیص صحیح موضوع برای قضات در همه این موارد، در گرو حضور کارشناس زبده و صاحب علم و تجربه در فرآیند دادرسی است.

گستره وسیع نظریه‌های کارشناسی

رئیس کل دادگستری استان تهران با اشاره به حضور کارشناسان در اکثر پرونده‌ها گفت: امروز ما با طیف وسیعی از اظهارنظرهای کارشناسی در رشته‌های مختلف مواجهیم. تنها درصد کمی از پرونده‌ها به کارشناسی ارجاع نمی‌شود و تقریباً هر پرونده‌ای را تورق بزنید، اظهارنظر فنی و کارشناسی در آن موجود است. به طور نمونه، در پرونده‌ای که مربوط به یک حادثه رانندگی است، اولین شخصی که حاضر می‌شود کاردان فنی است. یا در صحنه قتل، اولین فردی که حاضر می‌شود، پلیس است که صحنه را بررسی می‌کند و نظر می‌دهد. در سایر حوزه‌ها هم به همین ترتیب است. در مسائل بسیار ساده و حتی کم‌اهمیت می‌بینیم، برای اینکه با دقت بیشتری تصمیم بگیریم، به کارشناسی رجوع می‌کنیم. فلذا امروز دایره و گستره کارشناسی بسیار وسیع است.

تشکیل بیش از ۳ میلیون پرونده در ۱۴۰۳

وی با اشاره به حجم کثیر پرونده‌ها اظهار داشت: طبق آمار، سال گذشته بیش از ۳ میلیون پرونده در تهران تشکیل شده است. ملاحظه کنید که در چند درصد این پرونده‌ها کارشناس حضور داشته و یا در یک فرآیند، چند مرحله به کارشناسی رجوع شده است. گاهی به یک نفر، سه نفر و هیئت‌های چند نفره ارجاع و نظرات مختلف و گوناگونی هم ارائه شده است. لذا امروز نقش کارشناسان در فرآیند رسیدگی به این حجم بالا از پرونده‌های قضایی بسیار تأثیرگذار است و حضور آنها بسیار توسعه پیدا کرده است.

بی‌دقتی در تنظیم نظریه کارشناسی

القاصی مهر، ضمن تشریح آسیب‌هایی که نهاد کارشناسی را تهدید می‌کند، گفت: یکی از گله‌مندی‌ها و دغدغه‌هایی که حتی ممکن است به نهاد کارشناسی هم آسیب بزند، این است که در بسیاری از موارد کارشناسان در تنظیم نظریه کارشناسی و یا در اعلام نظر خود، دقت

انتظارات از کارشناسان بیان کرد: امروز انتظارات و توقعات زیادی از این قشر و از این مجموعه وجود دارد. وقتی یک موضوعی به صورت رسمی توسط دستگاه عدلیه و مرجع دادگاه، به عنوان جایی که محل تظلم خواهی مردم است، به کارشناس ارجاع می‌شود؛ در اینجا توقعات و انتظارات از این فرد بسیار زیاد است. فلذا کارشناس حتماً باید با دقت فراوان و تلاشی که در ارائه طریق و اعلام نظر دارد، کمترین اشتباه و انحراف را مرتکب شود. چون وقتی قاضی می‌خواهد در مقام فصل خصومت تصمیم بگیرد، آسوده‌خاطر است که به کارشناس رجوع کرده است؛ یعنی کسی که از علم، تخصص و فنون کافی برخوردار است. وی یادآور شد: بنابراین کسانی که در این حوزه قدم برمی‌دارند و در یک رشته و فن، به صورت



امروز ما با
مسائل نوپدیدی
مواجهیم که
هنوز کارشناسی به
اندازه کافی در آن
فنون ورشته‌ها
نداریم. لازم است
که کادر کارشناسی
جامع و کاملی در
مقام پاسخگویی
به نیازها وجود
داشته باشد

فرآیند کارشناسی است که باید این مسئله را مدیریت کنیم.

تعدد مشاغل در بین کارشناسان

وی با تأکید بر اینکه این پدیده باید از بدنه دادرسی ما برچیده شود و باید با این فرهنگ که بسیاری از کارشناسان به آن عادت کرده‌اند، مقابله شود، گفت: یکی از دلایل تأخیر در اعلام نظر کارشناسی این است که بسیاری از کارشناسان ما در مشاغل دیگری مشغول به کار هستند و مسئولیت‌های دیگری هم دارند و در کنار این مشاغل، به کار کارشناسی هم می‌پردازند. این تعدد فعالیت‌ها و مسئولیت‌ها در بین کارشناسان موجب می‌شود که از مسئله مهم دادخواهی در دادگاه غافل بمانیم.

القاصی مهر افزود: ما بخشنامه‌ای را به همه واحدهای قضایی اعلام و بر لزوم رعایت آن تأکید کرده‌ایم. با توجه به اینکه ممکن است قاضی درگیر پرونده‌های مختلفی باشد، روسای مجتمع‌ها و مدیران واحدهای قضایی با پیگیری از طریق سیستم، امکان دسترسی سریع به پرونده‌ها دارند. در این بخشنامه تأکید شده، در پرونده‌هایی که اعلام نظر کارشناسی بیش از سه ماه به طول انجامیده، از کارشناس مربوطه درباره دلیل تأخیر در اعلام نظریه توضیح بخواهند. ممکن است اعلام نظر کارشناسی در اولویت کار آن کارشناس نباشد، که البته باید در اولویت کارهای وی قرار بگیرد، چون در اینجا مسئله حق الناس مطرح است که به دلیل تأخیر در اعلام نظر متوقف شده است.

وی تأکید کرد: دوستان باید این مسئله مهم را رصد و پیگیری کنند و کارشناسان هم عنایت داشته باشند که موکول کردن اعلام نظر به هفته‌ها و ماه‌های بعد، برای آنها به عادت تبدیل نشود و به این باور برسند که حتی یک روز تأخیر، معادل ضایع شدن حق اطراف پرونده است. به عبارتی، با تأخیر در اعلام نظر کارشناسی، عدالت تعطیل و اجرای عدالت دچار وقفه می‌شود. لذا ما باید تلاش کنیم که با تأخیر و کوتاهی در اعلام نظر، اجرای عدالت متوقف و تعطیل نشود. همکاران ما در مجتمع‌های قضایی باید این موضوع را رصد کنند و مجموعه کانون کارشناسان هم باید این مسئله را جدی بگیرند.

آسیب‌های معطل ماندن پرونده‌ها

رئیس کل دادگستری استان تهران با بیان اینکه پرونده‌های بسیار مهمی در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و... ماه‌ها معطل نظر کارشناسی

کافی نمی‌کنند. یعنی نظر مبهم و مجمل است، یا کافی و جامع نیست، یا بعضاً غیرمرتبط با موضوع موردنظر است. در نتیجه در بسیاری از موارد، پرونده دچار اطاله دادرسی می‌شود و لازم است قاضی برای رفع ابهام و بررسی موضوع، مجدداً به کارشناس مراجعه کند.

وی درخصوص انتظارات نهاد قضایی از کارشناسان اظهار داشت: در این راستا انتظاری که همکاران مادر مجموعه قضایی از کارشناسان دارند، این است که در مقام بررسی کارشناسی، نظر جامع و کامل و عاری از ابهام و اجمال ارائه دهند؛ به گونه‌ای که فهم مطلب و موضوع برای قاضی که تخصصی در آن حوزه ندارد، آسان باشد. نظریه کارشناسی باید کاملاً شفاف، روشن و عاری از ابهام و متقن برای آن مقام قضایی باشد که می‌خواهد تصمیم‌گیری کند.

القاصی مهر، با تأکید بر اینکه در مجموعه کارشناسان باید به عنوان یک مسئله اساسی، به این چالش توجه شود، به بیان راهکارهای مقابله با آن پرداخت و گفت: حل این چالش را باید از خودمان مطالبه کنیم و همکاران ما هم اجازه بروز آن را ندهند. با آموزش‌های ضمن کار، با درخواست توضیح، با تذکر دادن به مجموعه کانون کارشناسان و با نظارت جدی در این حوزه، می‌توانیم مسئله را مدیریت کنیم.

تبعات تأخیر در اعلام نظر کارشناسی

وی همچنین با اشاره به یک چالش دیگر در عرصه دادرسی گفت: مسئله دیگری که به عنوان یک چالش مطرح است و موجبات اطاله دادرسی را فراهم می‌کند و در واحدهای قضایی هم مطرح است، مسئله تأخیر در اعلام نظر کارشناسی است. بعضاً شاهدیم که یک پرونده به مدت چندین ماه و حتی یک سال، معطل نظر کارشناسی می‌ماند. باید توجه کرد که آن کارشناس و قاضی که ماموریت این کار را برعهده دارند، به دلیل تأخیر و تعلل در احقاق حق، ضمن اینکه مسئولیت اداری و انتظامی دارند؛ مسئولیت شرعی هم دارند و در پیش خدا مسئول هستند. القاصی مهر، درخصوص تبعات تأخیر در اعلام نظر کارشناسی توضیح داد: یعنی اگر یک شخص می‌توانست در مدت زمان کوتاهی به حقش برسد، به واسطه اینکه نظریه کارشناسی به موقع ارائه و اعلام نشده، احقاق حق او تا مدت‌ها به تأخیر می‌افتد و به همین دلیل، خسارت و زیان سنگینی به این فرد وارد می‌شود. لذا ما مسئولیم و امروز مهمترین مسئله ما در حوزه کارشناسی، تأخیر در اعلام نظرها و طولانی شدن

د

ما همواره بر
دقت، تجربه
و دانش کافی
کارشناسان تمرکز
داریم، ولی در کنار
این موارد باید
تقوا، سلامت،
درستکاری و
امانت‌داری
کارشناسان هم
مورد توجه باشد

مانده‌اند، هشدار داد: این موضوع هم برای کارشناس، هم برای دستگاه عدلیه و دیگر کسانی که در این رهگذر قرار دارند، آسیب‌پذیری به همراه دارد.

وی خاطرنشان کرد: از طرفی باید توجه کنیم، اگر رسیدگی و دادرسی ما به‌موقع انجام شود، می‌توانیم یک دادرسی سالم هم داشته باشیم. اگر موضوع را آسیب‌شناسی و به‌خوبی بررسی کنیم، شاید یکی از علل انحراف در انجام کارشناسی و یا آسیب‌پذیری آن کارشناس، دادگاه، یا شعبه مربوطه و حتی فراهم شدن زمینه بسیاری از لغزش‌ها، برمی‌گردد به اینکه کارشناسی به‌موقع انجام نشده است. به بیان دیگر، وقتی روند کارشناسی ماه‌ها طول می‌کشد، چه بسا زمینه فساد و اعمال نفوذ در پرونده به وجود می‌آید. درواقع فرصتی ایجاد می‌شود تا طرفین در فرآیند رسیدگی دخل و تصرف کنند؛ به طوری که ذهنیت اشتباه برای کارشناس ایجاد و او را دچار مشکلاتی کنند و به این ترتیب موجبات دخالت بعضی از افراد در نظر واقعی کارشناس فراهم شود.

القاصی مهر ادامه داد: بدیهی است که با تأخیر در اعلام نظر کارشناسی ممکن است این فرصت‌ها به وجود بیاید و شخصی با هدف

سودجویی، سعی کند در روند کارشناسی نفوذ کند و یا کارشناس تحت تأثیر بعضی از عوامل، دچار اشتباهاتی شود. بنابراین کارشناسان اگر می‌خواهند یک دادرسی سالم و کارشناسی به دور از مداخله، آسیب و تهدید جانبی داشته باشند، باید سعی کنند در کوتاه‌ترین زمان اعلام نظر کنند و اجازه ندهند خودشان هم گرفتار شوند و بعدها در مقام رسیدگی تحت بعضی از ملاحظات قرار بگیرند. این مسئله مهمی است که نیاز به توجه دارد.

لزوم ارجاع عادلانه کارشناسی

این مقام قضایی، همچنین در ادامه سخنان خود به ضرورت توزیع و ارجاع عادلانه کارشناسی پرداخت و تصریح کرد: ما باید از ظرفیت علمی و فنی همه کسانی که در حوزه کارشناسی کار می‌کنند، استفاده کنیم و آن را انحصاری نکنیم. یعنی فرضاً فقط یک کارشناس مورد قبول قاضی نباشد؛ هرچند که آن کارشناس از مهارت و تسلط کافی برخوردار، قابل اعتماد، نفوذناپذیر و سالم باشد و با دقت بالا اعلام نظر کند.

وی تأکید کرد: ما باید زمینه را به نحوی فراهم کنیم که از تخصص، علم، دانش و تجربه همه کارشناسان در حوزه‌های مختلف استفاده



کنیم تا به نحوی آنها را تقویت و زمینه کسب تجربه برای آنها را فراهم کنیم تا در سال‌های آینده هم بتوانیم بهره کافی را از آنها ببریم.

کمبود کارشناس در رشته‌های نوظهور

این مقام قضایی در عین حال با اشاره به کمبود کارشناس در برخی رشته‌ها بیان کرد: امروز ما با مسائل مهم و نوپیدی مواجهیم که هنوز کارشناس به اندازه کافی در آن فنون و رشته‌ها نداریم و لازم است که کادر کارشناسی جامع و کاملی در مقام پاسخگویی به نیازها وجود داشته باشد.

وی ادامه داد: در حال حاضر ما در ارجاع به بعضی از رشته‌های کارشناسی، با مشکل کمبود کارشناس مواجهیم. در پرونده‌های جدید، نوظهور و نوپدید (مثل رمزارزها، حوزه سایبری یا پرونده‌های کثیرالشاکی) کارشناس دارای پروانه رسمی (فرضا در رشته رمزارز) به اندازه کافی نداریم. هرچند ممکن است در رشته‌های مرتبط به کارشناسانی در حوزه فناوری، دسترسی داشته باشیم، ولی از تخصص واقعی در این حوزه برخوردار نیستند. ممکن است بعضی کارشناسان تجربی، اطلاعاتی به ما بدهند و به سراغ افراد خبره هم برویم، اما اصلاً پروانه کارشناسی ندارند.

شود. ما باید کارشناسان را تربیت کنیم تا تجارب بیشتری در پرونده‌های آتی کسب کنند و توزیع عادلانه در زمینه ارجاع کارشناسی صورت بگیرد؛ نه اینکه ارجاع کارشناسی را انحصاری و فقط به چند کارشناس محدود کنیم.

نقش کانون کارشناسان در توزیع عادلانه کارشناسی

القاصی مهر، درخصوص نقش کانون کارشناسان در ارجاع عادلانه کارشناسی بیان کرد: با توجه به اینکه اکنون در مجموعه کانون کارشناسان ارجاع کارشناسی به صورت سیستمی انجام می‌شود، نیاز است که در این کانون در زمینه ارجاع کارشناسی، به تخصص کارشناسان توجه شود تا تبعیضی صورت نگیرد و ارجاع به طور عادلانه و متناسب با رشته، تخصص و تجربه کارشناسان توزیع شود. در این صورت می‌توانیم در آینده یک نسل کارشناسی توانمندتری را تربیت کنیم، تا اینکه خودمان را فقط به تعداد کمی از کارشناسان محدود کنیم.

وی با اشاره به ضرورت استفاده از ظرفیت تمامی کارشناسان در امر کارشناسی یادآور شد: به هر حال این کارشناسان پس از پذیرش در آزمون‌های اولیه به این حیطه ورود کرده‌اند و صلاحیت‌های عمومی آنها احراز شده است. پس باید تلاش





**اعضای هیئت
مدیره کانون،
همکاران ما
در مجموعه
قضایی و تک تک
کارشناسان باید
نسبت به این
مسئله حساس
باشند. مسئله
سلامت و صحت
عمل کارشناس،
به عنوان پایه
اساسی این حوزه
است**

القاصی مهر تاکید کرد: لذا انتظار ما از دوستان ما در مجموعه کانون کارشناسان، این است که شرایط و فرصتی را به وجود بیاورند که به خصوص در رشته های مورد نیاز جامعه، از افراد صاحب تجربه و فن استفاده شود. باید این افراد را از بین افراد معتمد و مورد قبول در حوزه کارشناسی شناسایی کنیم و امکان دسترسی به آنها فراهم شود.

ضرورت تقویت نهاد کارشناسی

وی همچنین تقویت نهاد کارشناسی را مسئله مهمی برشمرد و گفت: هم به لحاظ کمی، باید تمام رشته ها و نیازهای کارشناسی را تکمیل کنیم و هم به لحاظ کیفی، کارشناسان باید از آموزش و پژوهش های کافی برخوردار باشند. ما باید زمینه آن را در هیئت مدیره و کانون کارشناسان فراهم کنیم که کارشناسان ما به روز، مسلط و مشرف به اطراف موضوع و پرونده باشند.

این مسئول ادامه داد: مسئله بعدی، تقویت نهاد کارشناسی از بُعد سلامت و تهدیدها و آسیب هایی است که ممکن است در حوزه های مالی، اخلاقی و... به وجود بیاید. ما همواره بر دقت، تجربه و دانش کافی کارشناسان توجه و تمرکز داریم، ولی در کنار این موارد باید تقوا، سلامت، درستکاری و امانت داری کارشناسان هم مورد توجه باشد. چون اگر اصول اخلاقی ضعیف باشد، ممکن است ضرر آن کارشناس متخصص بیشتر از کارشناسی باشد که تخصص ندارد.

شرط اعتماد مردم و دستگاه قضا به کارشناسان

وی با بیان اینکه مدعی این سلامت، پاکدستی و امانت داری در حوزه نهاد کارشناسی، باید خود کارشناسان باشند، تشریح کرد: تک تک کارشناسانی که در حین ادای سوگند، شرف و آبروی خود را در گرو می گذارند تا امانت دار باشند، نباید اجازه دهند حتی یک مورد لغزش و آلودگی هایی از این دست در این مجموعه به وجود بیاید. چون در این صورت اعتماد مردم و دستگاه های حاکمیتی قضایی از بین می رود. رئیس کل دادگستری استان تهران تصریح کرد: از آنجایی که کار کارشناسی بسیار حساس و فنی است، فرد برای اینکه بتواند در این کارزار و رقابت موفق باشد، ممکن است به هر حيله و نیرنگی متوسل شود. به همین دلیل کارشناس باید کاملاً مستقل و به دور از هرگونه نفوذ آلودگی، تصمیم شجاعانه و دقیق خود را اعلام کند. به گفته وی، در بعضی از پرونده ها در هیئت

کارشناسی، شائبه هایی درخصوص یک موضوعی وجود دارد. یا به طور کاملاً واضح و روشن می بینیم که نظرات کارشناسی برخلاف واقعیت ها و بدیهیات قضیه است. وقتی یک هیئت کارشناسی پرونده را بررسی می کند، می بینیم اختلاف نظر بسیار زیاد است که این مسئله ممکن است صحت عمل کارشناسان را زیر سوال ببرد. فلذا باید مواظب این مسئله اساسی باشیم.

اعتماد، اصل مهم در حوزه کارشناسی

القاصی مهر با اشاره به یک چالش دیگر در حوزه کارشناسی عنوان کرد: یکی دیگر از چالش های ما در حوزه کارشناسی این است که در بعضی از کارشناسی ها، تحت تاثیر عوامل محیطی، اظهارنظرهایی مطرح می شود که اساس کارشناسی را زیر سوال می برد. به دنبال این موضوع، اعتماد از بین می رود و پرونده دوباره برای کارشناسی ارجاع می شود.

وی تاکید کرد: اعضای هیئت مدیره کانون، همکاران ما در مجموعه قضایی و تک تک کارشناسان باید نسبت به این مسئله حساس باشند. مسئله سلامت و صحت عمل کارشناس، به عنوان پایه اساسی این حوزه است که اگر دچار خدشه و شائبه شود، همه موارد تحت الشعاع قرار می گیرد.

وی افزود: پس ما زمانی اعتبار داریم و ارزش کار ما زمانی است که به ما اعتماد وجود داشته باشد. زیرا اگر ما بهترین نظر را ارائه بدهیم، اما اعتماد به ما وجود نداشته باشد، ارزشی ندارد. چون ممکن است عملکرد بعضی از کارشناسان در اذهان این تصور را ایجاد کند که در حوزه کارشناسی فرد اگر پول بیشتری پرداخت کند، ممکن است موفق شود نظر کارشناس را به نفع خود تغییر دهد و باید با این مسئله مقابله کرد.

پیامد ارجاع غیرضروری به هیئت های کارشناسی

القاصی مهر، چالش دیگر را مربوط به ارجاع کار به هیئت های کارشناسی دانست و گفت: مدیران مجتمع های قضایی باید بر بعضی از پرونده ها اعمال نظارت کنند. شاهدیم که بعضی از پرونده ها ابتدا به کارشناس یک نفره و بعد به هیئت کارشناسان سه نفره ارجاع می شود و به همین ترتیب به هیئت کارشناسان پنج نفره، هفت نفره و بالاتر ابلاغ می شود. در حالی که ما الزامی نداریم تعداد کارشناسان پرونده ها را افزایش دهیم و باید براساس نظر درست کارشناس واحد یا هیئت کارشناسی عمل کنیم.

تعیین منصفانه دستمزد کارشناسی

القاصی، مهر، همچنین با اشاره به انتقادات درخصوص تعرفه و دستمزد کارشناسی گفت: باید این موضوع را نیز مدیریت و تعرفه کارشناسی را رعایت کنیم. در بسیاری از موارد لازم است در تعیین دستمزد کارشناسی انصاف به خرج دهیم و متناسب با میزان زحمت و حجم کار کارشناس، تعرفه تعیین شود.

وی با اشاره به نارضایتی‌ها در این حوزه اظهار داشت: بعضاً گزارشاتی به دست ما می‌رسد مبنی بر اینکه نرخ دستمزدهای کارشناسی غیرمتعارف و کلان است و متناسب با آن حجم کار و زحمت نیست. باید روی این امر نظارت کنیم تا هم زحمت کارشناسان جبران شود و هم اینکه در پرداخت‌ها به نحوی عمل نشود که هزینه بیهایی بر یکی از اصحاب پرونده تحمیل شود. این مورد نیز نیازمند پیگیری و توجه است.

وی افزود: خواهش‌م این است که قضات را در این حوزه توجیه کنیم، نه اینکه پرونده‌ها را به طور مداوم به هیئت‌های کارشناسی ارجاع دهیم. این روند با اساس عدالت و اجرای قانون در تعارض است و موجب اطاله دادرسی، تضییع حقوق افراد به لحاظ طولانی شدن دادرسی، تأخیر و تعلل در رسیدگی و تحمیل هزینه بر اصحاب پرونده می‌شود. این مقام قضایی با بیان اینکه ما مسئولیم و باعث و بانی طولانی شدن رسیدگی‌ها در این موارد هستیم، تأکید کرد: باید این مسئله را مدیریت و بر آن نظارت کنیم. البته اگر در مواردی ابهام وجود دارد، لازم است رفع ابهام را مطالبه کنیم، اما نباید در موارد غیرضروری پرونده‌ها را به هیئت‌های کارشناسی ارجاع دهیم. ارجاعات به هیئت‌های کارشناسی باید متناسب، بر اساس ضرورت و نیاز قضات در احراز واقعیت باشد. باید این مسئله را به طور جدی پیگیری و مدیریت کنیم.

لزوم توسعه ارتباط کانون و مجموعه قضایی

وی در بخش پایانی اظهارات خود، توسعه ارتباط مجموعه کانون کارشناسان و مجموعه قضایی را مسئله مهمی دانست و تأکید کرد: در این راستا بعضی از هماهنگی‌ها نیاز است. در صورت لزوم، هم در خود محاکم در تهران و هم در مجموعه استان‌ها این آمادگی وجود دارد که تعاملات با کانون کارشناسان افزایش یابد و بعضی از مسائل کلی و لازم از سوی هر دو مجموعه دنبال شود. بعضی از موضوعاتی که نیاز به برنامه‌ریزی و برگزاری جلسات مشترک دارد، باید حتماً از سوی هر دو مجموعه مورد مذاکره و پیگیری قرار گیرد تا با هم افزایی، هماهنگی و همراهی بیشتر، بتوانیم موضوعات را به سرانجام برسانیم.

القاصی مهر با یادآوری اینکه ممکن است چالش‌های کارشناسی در مسائل ساختاری، اقتصادی و فرهنگی قابل بررسی و آسیب‌شناسی باشد، ادامه داد: برای بهبود این وضعیت، در جاهایی که نیاز است، باید قوانین را اصلاح کنیم. برای این منظور همکاران ما در حوزه کارشناسی و قضایی می‌توانند در حوزه پیشگام باشند و از طریق ارتباط با کمیسیون قضایی مجلس، می‌توان آن نیازها را رفع کرد. وی در پایان خاطرنشان کرد: امروز مجموعه نهاد کارشناسی، به عنوان یکی از نهادهای وابسته به قوه قضاییه و نهادی که به طور مستقیم در فرآیند دادرسی صاحب نقش و مأموریت است؛ نیازمند برگزاری جلسات، تعاملات و هماهنگی‌های بیشتری بین مجموعه مدیران دو مجموعه است. امیدوارم با همراهی، همفکری و هماهنگی بتوانیم بعضی از آسیب‌ها، مشکلات، موانع و یا مواردی که ممکن است ما را در انجام کارها دچار کم‌کاری و کوتاهی کند، رفع کنیم.



رئیس کل دادگاه‌های عمومی و انقلاب تهران برای بهبود وضعیت ارجاع کارشناسی:

سامانه جامع رتبه‌بندی کارشناسان ایجاد شود



رئیس کل دادگاه‌های عمومی و انقلاب تهران با اشاره به اینکه وجود نقص در سامانه جامع ارجاع کارشناسی، نارضایتی قضات و کارشناسان را به دنبال داشته است، به ارائه یک راهکار برای بهبود وضعیت ارجاع کارشناسی پرداخت و گفت: حل این چالش مستلزم این است که یک سامانه جامع و به‌روزی هم در بحث رتبه‌بندی کارشناسان و هم در بحث مشخصات آنها تعریف و راه‌اندازی شود. دکتر ربیع‌الله قربانی در همایش «رئیس کل، معاونان، مدیران و روسای مجتمع‌های قضایی دادگستری استان تهران با اعضای هیئت مدیره و هیئت رئیسه گروه‌های تخصصی کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران» گفت: این همایش یک فرصتی برای گفت‌وگوی نزدیک میان دورکن کلیدی فرآیند دادرسی یعنی «قضا» و «کارشناسی» است، که هر دو عنصر، دانش و علم خود را در راستای تحقق والاترین ارزش نظام هستی و انسانی و اخلاقی یعنی «عدالت» به کار می‌گیرند. وی با بیان اینکه این دورکن مکمل همدیگر هستند، یادآور شد: قاضی، تکیه‌گاه قانون و داوری است؛ کارشناس هم نماینده دانش، تخصص و علم. آنچه که این دورکن را در جهت اجرای عدالت، به هم پیوند می‌دهد؛ صداقت در داوری، امانت‌داری در اعلام نظر و اخلاص در عمل است. قربانی با تأکید بر اینکه این همایش، یک گفت‌وگوی اداری و تشریفاتی نیست، بلکه یک گام ارزشمندی در مسیر تقویت نهادهای ساز و تقویت زبان مشترک قاضی و کارشناس است، اظهار داشت: نتیجه عملکرد این دورکن اصلی دادرسی، درنهایت به یک رأی متقن، مستدل، عادلانه و به‌موقع منجر می‌شود.



جایگاه کارشناسی
در نظام دادرسی،
به ویژه در بخش
احراز موضوع،
رکن شناختی
عدالت است.
یعنی جایگاه
کارشناس در
فرآیند دادرسی
صرفاً یک
گزارش نویس
نیست، بلکه در
فرآیند دادرسی،
برای کشف
حقیقت با قاضی
شریک است

نقش پررنگ کارشناس در صدور رأی

وی ادامه داد: عصری که ما در آن زندگی می‌کنیم، از لحاظ فنی و تخصصی بسیار پیچیده است؛ لذا پیوند بین این دو مجموعه، یک پیوند راهبردی است و تشریفاتی نیست. هرچند ما اعلام می‌کنیم که بر اساس موازین قانونی، نظر کارشناس باید با اوضاع و احوال قضیه مطابقت داشته باشد و نظریه کارشناسی یک اماره است، اما در عمل و واقعیت، این اعلام نظر کارشناسی برای قاضی حجت حقوقی دارد. لذا جایگاه کارشناسی در نظام دادرسی، به ویژه در بخش احراز موضوع، رکن شناختی عدالت است.

قربانی با اشاره به اهمیت نقش کارشناسان در صدور رأی توضیح داد: جایگاه کارشناس در فرآیند دادرسی صرفاً یک گزارش نویس نیست، بلکه در فرآیند دادرسی، برای کشف حقیقت با قاضی شریک است. پس اگر نظریه کارشناسی از پشتوانه علمی برخوردار نباشد، یا اعلام نظر کارشناس در وضعیت استقلال در اعلام نظر نباشد و یا آن شفافیت را به همراه نداشته باشد؛ قاضی در تارکی اطلاعات ناقص، نمی‌تواند به مقصد یعنی صدور رأی برسد.

این مقام قضایی افزود: هدف از برگزاری این همایش این است که هم همکاران قضایی بیشتر دقت کنند که جایگاه کارشناس در بحث احراز موضوع، به نوعی علم خود قاضی است. از طرفی، قاضی هم جایگاه خودش را بشناسد که در مقام داوری است و نتیجه عملکرد قاضی و کارشناس باید به تحقق عدالت ختم شود. در واقع تکلیف هر کدام متفاوت است و تکلیف واحد نیست، اما هدف واحد است که آن هم تحقق عدالت است.

اصول مهم حاکم بر رفتار قضات و کارشناسان

رئیس کل دادگاه‌های عمومی و انقلاب تهران، همچنین در خصوص مهمترین اصول حاکم بر رفتار قضات و کارشناسان گفت: در ارتباط با این دو عنصر کلیدی و بنیادین در فرآیند دادرسی، یکسری اصولی بر رفتارشان حاکم است که مشترک است؛ این اصول شامل استقلال، عدل‌مداری، علم‌محوری، امانت‌داری، رازداری، شفافیت و مسئولیت‌پذیری است که از مهمترین اصول حاکم بر رفتار قضات و کارشناسان است.

قربانی تصریح کرد: این اصول، هم پایه اخلاقی دارند و هم پایه حرفه‌ای، که رفتار قضات و کارشناس را به سمت اعتماد عمومی و تحقق عدالت هدایت می‌کنند. اگر این اصول به طور کلی در رفتار قاضی و کارشناس وجود داشته باشد، به طور قطع کیفیت فرآیند دادرسی را ارتقا خواهد داد و مردم هم به این سیستم قضایی اعتماد می‌کنند. همکاران قضایی، انتظاراتی از کارشناسان دارند و بالعکس.

لزوم ارائه گزارش‌های شفاف و دقیق کارشناسی

وی در بخش دیگری از سخنان خود بر ضرورت ارائه گزارش‌های شفاف و دقیق از سوی کارشناسان تأکید کرد و گفت: به طور قطع، کارشناسان نقد ابهام در نظریه کارشناسی را در دستورات قضایی مشاهده کرده‌اند. از این رو انتظار می‌رود که کارشناسان با دقت علمی، در زمان مناسب و با مستندات روشن، گزارش خود را ارائه دهند. گزارش کارشناسی نباید برای قاضی ابهام‌آفرین باشد، یا برای قاضی اجمال ایجاد کند؛ یعنی نگاه قاضی را به آن موضوع کارشناسی که ارجاع شده است، با تردید مواجه کند. این روند در گزارش‌های مبهم، مجمل و مبتنی بر حدس و گمان خودش را نشان می‌دهد.

قربانی خاطرنشان کرد: لذا انتظار می‌رود که نظریات کارشناسی بیطرفانه، منسجم و مستند باشد و به نوعی موضوع را برای قاضی تبیین و روشن کند. در واقع نظریات کارشناسی باید چراغ هدایتی برای احراز موضوع باشد؛ چرا که تکلیف نهایی قاضی، انطباق موضوع با حکم است. وی سخت‌ترین بخش فرآیند دادرسی را احراز موضوع دانست و بیان کرد: انطباق موضوع با حکم، که بخش آمانه رأی را نشان می‌دهد، شاید راحت‌ترین بخش بدنه رأی قضایی است که در این بخش، کارشناس باید هماهنگ با قاضی، در کنار قاضی و چراغ هدایتگر قاضی خصوصاً در مسائل تخصصی باشد. لذا کارشناسی باید به نحوی بیان شود که واقعاً قاضی آگاه و مسلط بر موضوع باشد.

انتظارات کارشناسان از نهادهای قضایی

قربانی همچنین با اشاره به انتظارات کارشناسان از نهادهای قضایی تصریح کرد: کارشناسان هم انتظار دارند که ما همکاران قضایی، به صدور قرار کارشناسی فرمی اکتفا نکنیم. تکلیف



مرتبط است. از یک طرف، مجموعه کارشناسی باید نظارت‌پذیر باشند و از طرف دیگر، نهادهای نظارتی باید نقش نظارتی خود را به درستی ایفا کنند و مجموعه کارشناس از سلامت و کارآمدی برخوردار باشد که این روند موجب سلامت و کارآمدی دستگاه قضایی است.

وی افزود: از طرفی هیچ نهاد رسمی به اندازه کانون کارشناسان، از آسیب‌های دستگاه قضایی اطلاع ندارند. آسیب‌هایی که کارشناسان در محافل خصوصی و در بین خودشان مطرح می‌کنند، باید به مدیریت هم انعکاس داده شود تا به چالش‌ها و آسیب‌های مجموعه دستگاه قضایی پی ببرند و در راستای آسیب‌زدایی اقدام کنند. به همین نسبت، کارشناسان هر چه بیشتر در نظام قضایی و برای سیستم قضایی امیدآفرین و اعتمادساز باشند، به نسبت مضاعف، این تأثیر را در بحث ایجاد امید و اعتماد نسبت به نظام اسلامی به همراه خواهد داشت.

لزوم ایجاد کمیته‌های کارشناسی در مجتمع‌های قضایی

وی در بخش پایانی اظهارات خود با اشاره به ضرورت ایجاد کمیته‌های کارشناسی گفت: در راستای بهبود تعامل بین کارشناسان و دستگاه قضا، در سند تحول تأکید شده که کمیته‌های کارشناسی در مجتمع‌های قضایی فعال باشند. ما از لحاظ ساختاری این کمیته‌های کارشناسی را تعریف و به سرپرست مجتمع‌ها اعلام کردیم، ولی متأسفانه در عمل کمتر به آن توجه شده است. از سرپرستان مجتمع‌های قضایی استعفا داریم که در ارتباط با تشکیل این کمیته‌ها حتماً با کانون کارشناسان یک همایش تخصصی در ارتباط با پرونده‌های معوق و شعب نامتعارف برگزار کنند که می‌تواند بسیار راهگشا باشد. قربانی تأکید کرد: بدیهی است که اگر یک کارشناس در موضوعی دچار سردرگمی باشد، هیچ نهادی بهتر از کانون کارشناسان نمی‌تواند دستگیر آن کارشناس باشد و در اعلام نظر، تسریع کند. ما اعلام آمادگی می‌کنیم و متعهد می‌شویم که برگزاری این گونه همایش‌های آموزشی و مشورتی مشترک، در آینده تقویت شود.

راهکار بهبود وضعیت ارجاع کارشناسی

وی همچنین با انتقاد از نقص سامانه جامع

کارشناس باید مشخص شود. وقتی ما موضوع را به صورت کلی به کارشناس ارجاع می‌دهیم، نباید توقع داشته باشیم که مسیر را به طور دقیق برای ما روشن کند. آن بخش مبهم برای قاضی باید مشخص شود و سپس از کارشناس بخواهیم که به طور خاص به آن بخش ورود پیدا کند. وقتی قاضی موضوع را به طور کلی ارجاع دهد، دیگر نباید توقع داشته باشد که یک پاسخ دقیق، روشن، مستند و مستدل دریافت کند.

وی افزود: از طرف دیگر، به گزارش مستدل و علمی باید بها داده شود و در آرا انعکاس پیدا کند. در واقع توجه به نظریه کارشناسی، جایگاه کارشناس را در نظام قضایی و در بین مردم روشن می‌کند که او با چه کیفیتی نقش آفرینی کرده است. از طرفی ما باید فشار را به گونه‌ای برای کارشناس فراهم کنیم که بتواند با استقلال، اعلام نظر کند.

شرط کارآمدی دستگاه قضایی

این مقام مسئول با تأکید بر اینکه مردم کارشناس را از تشکیلات قضایی جدا نمی‌شناسند، اظهار داشت: سلامت در عملکرد مجموعه کارشناسی، مستقیماً به سلامت دستگاه قضایی



در بحث ارجاع
عادلانه کار، بسیاری
از کارشناسان از
وضعیت موجود
ناراضی هستند.
حل این چالش
مستلزم این است
که یک سامانه
جامع و به‌روزی هم
در بحث رتبه‌بندی
کارشناسان و
هم در بحث
مشخصات آنها
تعریف و راه‌اندازی
شود



هم در بحث رتبه‌بندی کارشناسان و هم در بحث مشخصات آنها تعریف و راه‌اندازی شود.

مادر سطح محاکم آمادگی داریم و امیدواریم این دستور رئیس کل عملیاتی شود تا یک پل ارتباطی بین کانون کارشناسان و مجموعه دادگستری باشد.

تحقق عدالت نیازمند پیوند با خرد علمی و تخصص است

قربانی تاکید کرد: عدالت، حاصل همراهی خرد و اقتدار است. در دنیای امروز عدالت تنها با اقتدار قضایی محقق نمی‌شود، بلکه نیازمند پیوند با خرد علمی و تخصص است. قاضی و کارشناس، دو ستون بنای عدالت هستند که اگر یکی خلل پذیرد، عدالت نیز از تعادل می‌افتد.

رئیس کل دادگاه‌های عمومی و انقلاب تهران، در پایان ابراز امیدواری کرد که این همایش نه فقط یک اجتماع برای طرح دغدغه‌های متقابل، بلکه یک سرآغازی برای تحول در همکاری علمی و قضایی در مسیر تحقق دادرسی منصفانه، سریع و موثر باشد.

ارجاع کار به کارشناس گفت: در حال حاضر سامانه جامع ارجاع کارشناسی، ناقص است که نارضایتی قضات و کارشناسان را به دنبال داشته است. اما اینکه ایراد کار کجاست و چگونه باید موضوع را انعکاس دهیم تا معاونت راهبردی روند موجود را اصلاح کند، باز هم مستلزم تشکیل جلسات مشترک است که حتماً این مهم را پیگیری می‌کنیم.

قربانی توضیح داد: در مواردی شاهد نارضایتی قضات هستیم و قاضی عنوان می‌کند که با ارجاع کار به کارشناسی که صاحب تجربه کافی و یا توانمندی لازم نیست، دچار مشکل می‌شود. لذا قاضی به خاطر اینکه با این مسئله مواجه نشود، روی ارجاع کار به کارشناسان معدودی تمرکز می‌کند.

از طرفی هم بحث توزیع و ارجاع عادلانه کار به کارشناسان از سوی قضات مطرح است و شاهدیم که بسیاری از کارشناسان از وضعیت موجود ناراضی هستند.

وی درخصوص راهکار پیشنهادی برای حل این مسئله گفت: حل این چالش مستلزم این است که یک سامانه جامع و به‌روزی

قاضی دادگاه انتظامی کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران تشریح کرد:

الزامات قانونی برای قضات و کارشناسان در امر کارشناسی

قاضی دادگاه انتظامی کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران، با بیان توضیحاتی در دو بخش شامل «نحوه صدور قرار کارشناسی قضات» و همچنین «نحوه رسیدگی‌های کارشناسان»، راهکارهای پیشنهادی خود را برای رفع چالش‌های موجود در این مسیر ارائه کرد.

همکاران قضایی باید چند نکته را مدنظر داشته باشند. اول اینکه در بسیاری از پرونده‌ها اصلاً نیازی به ارجاع به کارشناسی نیست؛ یعنی پرونده به قدری پیچیدگی موضوعی ندارد که قاضی آن را به کارشناس ارجاع بدهد. وی با ارائه مثالی در این زمینه تشریح کرد: به طور مثال فرض کنید بیه نامه‌ای چهار یا پنج فقره پرداخت دارد و قاضی صرفاً با یک استعلام

بایدها و نبایدهای صدور قرار کارشناسی

دکتر احمد قاسمی در همایش «رئیس کل، معاونان، مدیران و روسای مجتمع‌های قضایی دادگستری استان تهران با اعضای هیئت مدیره و هیئت رئیسه گروه‌های تخصصی کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران» با اشاره به ضرورت‌های نحوه صدور قرار کارشناسی از سوی قضات، گفت: در مورد قرارهای کارشناسی،



د

امور قضایی و حقوقی نباید به کارشناسان محول شود و کارشناسان صرفاً باید در امور فنی و موضوعی اظهار نظر کنند. این یکی از اشکالات قرارها است و موجب تخلف برای کارشناسان و اطاله رسیدگی‌ها می‌شود



بعضی از قضات
بر اساس شناخت
فردی خود و بدون
استقرار عملی،
کارشناس را تعیین
می‌کنند. این
باعث می‌شود
تابه یکسری
از کارشناسان
که مراجعه و
رفت و آمد مکرری
به مراجع قضایی
دارند، کار بیشتری
ارجاع شود؛ اما در
مقابل، به بعضی از
کارشناسان صاحب
تخصص کار
کمتری ارجاع شود

صلاحیت را نداشته باشد. پس قاضی باید بداند که کارشناس هر رشته‌ای چه صلاحیت‌هایی دارد و کار را به کارشناسی بدهد که صلاحیت کافی را داشته باشد.

قاسمی با تاکید بر اینکه در قانون اساسی کیفری تاکید شده که قاضی مکلف است کار را به کارشناس صاحب صلاحیت بدهد، اظهار داشت: در مواردی که در یک استان یا شهرستان کارشناس وجود ندارد، قاضی حق ندارد کار را به خبره یا کارشناس به عنوان خبره، محول کند. ارجاع کار به کارشناس خبره تحت عنوان خبره، تخلف است. در قانون هم قید شده که اگر در جایی کارشناس رسمی وجود ندارد، به حوزه مجاور ارجاع شود و اگر نبود، به خبره ارجاع شود.

قاسمی همچنین با اشاره به توزیع ناعادلانه کار به کارشناسان بیان کرد: نکته بعدی در مورد بحث کارشناسی این است که بعضی از قضات بر اساس شناخت فردی خود و بدون استقرار عملی، کارشناس را تعیین می‌کنند. این باعث می‌شود تابه یکسری از کارشناسان که مراجعه و رفت و آمد مکرری به مراجع قضایی دارند، کار بیشتری ارجاع شود؛ اما در مقابل، به بعضی از کارشناسان صاحب تخصص کار کمتری ارجاع شود. به این ترتیب روند رسیدگی به پرونده طولانی خواهد شد، چرا که حجم کار بعضی از کارشناسان به قدری زیاد است که وقت رسیدگی به کارها را ندارند. در این راستا ایجاد سامانه می‌تواند به حل این مسئله بسیار کمک کند.

پرهیز از واگذاری امور قضایی و حقوقی به کارشناس

این قاضی دادگاه انتظامی در ادامه اظهارات خود، خواستار پرهیز قضات از محول کردن امور قضایی و حقوقی به کارشناسان شد و تصریح کرد: بسیاری از قضات، موضوعاتی را که واجد وصف جزایی یا وصف حقوقی هستند، به کارشناس محول می‌کنند. به طور مثال در بحث جعل ما نمی‌توانیم به کارشناس بگوییم که احراز کند آیا جعلی صورت گرفته و جاعل کیست. در واقع لازمه بحث جعل این است که شرط تقلب را احراز کنیم و این برعهده قاضی است؛ کارشناس فقط می‌تواند درباره اصالت سند علم اظهار نظر کند. یا مثلاً در مواردی مانند ارزیابی ادله اثبات دعوا، توجه اتهام، و احراز تقصیر، وقتی پرونده‌های انتظامی مطرح می‌شود، ما این را برای کارشناس تخلف در نظر می‌گیریم؛ به این دلیل که کارشناس در امر قضایی اظهار نظر کرده است، اما از سوی دیگر، کارشناس هم عنوان می‌کند که

و محاسبه ساده می‌تواند رقم پرداختی را احراز کند. چنین پرونده‌ای نیازی به ارجاع به کارشناس حسابداری ندارد. یا فرضاً تحقق شرایط برای اعمال حق فسخ در قراردادهای یک امر قضایی است و نیازی به ارجاع امر به کارشناس قراردادهای یا کارشناس بازرگانی ندارد. به نظر می‌رسد این‌گونه ارجاعات حتی بیشتر موجب اطاله رسیدگی خواهد شد.

وی افزود: نکته دوم در مورد قراردادهای کارشناسی این است که قرارها باید کامل باشند. یعنی نام کارشناس، رشته کارشناسی، مهلت انجام کارشناسی، هزینه کارشناسی و نیز آثار عدم پرداخت هزینه، باید در قرار قید شود و مهم‌تر از همه، مواردی که کارشناس باید اظهار نظر کند. به گفته قاسمی، بسیاری از تخلفاتی که برای کارشناسان اعلام می‌شود، ناشی از این است که کارشناس درباره مواردی اظهار نظر کرده که طرف مقابل ادعا می‌کند خارج از قرار کارشناسی است. اما از آن طرف مشاهده می‌کنیم قاضی در قرار کارشناسی قید کرده که مثلاً در امور حسابداری اظهار نظر کند؛ در حالی که یک قرار کارشناسی کامل، متضمن همه مواردی است که کارشناس باید درباره آنها اظهار نظر کند.

وی تاکید کرد: لذا بهترین شیوه این است که در بندهای مختلف و در قالب سوال، موارد را از کارشناس بپرسیم و کارشناس در فصل‌ها و بندهای مختلف و در قالب پاسخ به سوالات، نظریه کارشناسی را تنظیم کند.

ضرورت‌های واگذاری کار به کارشناس ذیصلاح

وی همچنین توضیحاتی را درباره نحوه تعیین صلاحیت کارشناسان ارائه داد و گفت: ما ۷۲ رشته داریم و کارشناسان بیش از هزار صلاحیت دارند. پیشنهاد می‌کنم که ما یک دفترچه متضمن صلاحیت کارشناسان و رشته‌های کارشناسان را در اختیار همکاران قضایی قرار دهیم؛ چون حدود صلاحیت‌ها برای بسیاری از همکاران در برخی از رشته‌ها مشخص نیست. به طور مثال در رشته حسابداری همه ما حدود صلاحیت‌ها را می‌دانیم، ولی بعضی از تخصص‌ها در صلاحیت رشته‌های خاصی است که همکاران از آن اطلاع ندارند. فرضاً وقتی قاضی موضوع تغییر کاربری اراضی زراعی را ارجاع می‌دهد، به یقین برای جانمایی محل، باید کارشناس تفسیر عکس‌های هوایی را هم ملحق بکند؛ یا وقتی به کارشناس بورس ارجاع می‌دهد، باید توجه کند که کارشناس حسابداری مثلاً ممکن است در مرکز، صلاحیت بورس را دارا باشد، ولی در کانون این



تعیین شده برای کارشناسی است. بیشترین تخلفاتی که برای کارشناسان اعلام می‌شود، این است که در مهلت مقرر مراجعه نکردند، یا ظرف مدت معین اظهارنظر نکردند و در اظهارنظر تاخیر داشته‌اند. قضات باید دقت کنند که کارشناس ظرف مهلت مقرر اظهارنظر بکند، به وی اخطار بکنند و اگر اقدام نکرد، اعلام تخلف بکنند و کارشناسان هم باید به این موضوع بسیار توجه کنند. چرا که یکی از دلایل تأخیر در رسیدگی، بحث تاخیر در اظهارنظر کارشناسی است.

قاسمی همچنین بیان کرد: موضوع بعدی، مباشرت در اجرای قرار کارشناسی است. متأسفانه برخی از کارشناسان، از نمایندگان یا کارشناسان دیگر برای اجرای قرار استفاده می‌کنند، یعنی خودشان بازدید نمی‌کنند، اسناد را در محکمه نمی‌بینند، یا در جلسه‌ای که برای کارشناسی برگزار می‌شود، شرکت نمی‌کنند. این برای کارشناس تخلف است و اگر یک کارشناس در جریان کارشناسی مباشرت نداشته باشد، ما این را برای او مسامحه و سهل‌انگاری در جریان رسیدگی تلقی می‌کنیم. باید همه کارشناسان، حتی اگر هیئت هستند، همه اعضای هیئت

قاضی این درخواست را از او داشته است. وی تأکید کرد: در واقع امور قضایی و حقوقی نباید به کارشناسان محول شود و کارشناسان صرفاً باید در امور فنی و موضوعی اظهارنظر کنند. این یکی از اشکالات قرارها است و موجب تخلف برای کارشناسان و همچنین موجب اطاله در رسیدگی‌ها می‌شود.

الزامات قانونی برای کارشناسان

قاسمی همچنین خواستار توجه کارشناسان به چند موضوع مهم شد و گفت: کارشناسان باید چند نکته را رعایت کنند. نکته اول این است که حتی اگر مرجع قضایی به هر دلیلی اعم از اشکال در سامانه یا هر اشکال دیگری، کاری را به کارشناسان ارجاع کرد که در صلاحیت آنها نبود، نباید کار را بپذیرند و باید حتماً به مرجع قضایی اعلام کنند که صلاحیت این کار را چه از نظر رشته‌ای و چه از نظر میزان صلاحیت ندارند. به عبارتی، ممکن است کارشناس از نظر رشته صلاحیت داشته باشد، ولی میزان صلاحیت را نداشته باشد که در چنین مواردی کارشناس نباید کار را بپذیرد.

وی ادامه داد: نکته دوم در مورد مدت زمان

د

متأسفانه برخی از کارشناسان، از نمایندگان یا کارشناسان دیگر برای اجرای قرار استفاده می‌کنند، یعنی خودشان بازدید نمی‌کنند، اسناد را در محکمه نمی‌بینند، یا در جلسه‌ای که برای کارشناسی برگزار می‌شود، شرکت نمی‌کنند. این برای کارشناس تخلف است



د

بیشتر تخلفاتی که
علیه کارشناسان
اعلام می‌شد،
تاخیر در رسیدگی
یا مسامحه و
سهل انگاری بود.
ما به ندرت شاهد
تخلفات و اعمال
خلاف شئون از
سوی کارشناسان
هستیم

بکند. این نشان دهنده اهمیت امر کارشناسی است که کارشناس باید در جمع‌آوری دلایل له و علیه اطراف طرفین پرونده، بیطرفی کامل داشته باشد. اگر موضوع از موارد جرح است و قبلاً راجع به این موضوع اظهار نظر کرده، حق اظهار نظر ندارد و نباید اظهار نظر کند. کارشناس از هرگونه دریافت وجه یا امتیاز از طرفین باید خودداری کند. این موضوع در ماده ۵۸۸ قانون مجازات اسلامی جرم‌انگاری شده و در بند ۱۲ ماده ۲۶ قانون کانون کارشناسان حداکثر مجازات را برای کارشناسان تعیین کرده‌اند.

وی در پایان با ابراز امیدواری از اینکه برگزاری این‌گونه همایش‌ها برای پیشبرد کیفیت کار کارشناسی موثر واقع شود، خاطرنشان کرد: در طول مدت فعالیت در کانون کارشناسان در کمیسیون ماده ۱۳ و نیز در دادگاه، شاهد تخلفات شدیدی از سوی کارشناسان نبودم. بیشتر تخلفاتی که علیه کارشناسان اعلام می‌شد، تاخیر در رسیدگی یا مسامحه و سهل انگاری بود. ما به ندرت شاهد تخلفات و اعمال خلاف شئون از سوی کارشناسان هستیم. کارشناسان قشر نخبه‌ای هستند که در امر موضوعی قضاوت می‌کنند و از شئون و ویژگی‌های قاضی برخوردارند.

در جلسه کارشناسی حضور داشته باشند و با طرفین، جلسه برگزار کنند. همه اعضای هیئت باید بازدید انجام بدهند و اینکه فقط یک کارشناس بازدید کند و بقیه بگویند ما به او اعتماد داریم، پذیرفته نیست. در امر کارشناسی، کارشناسان باید مباشرت داشته باشند و این کار را به دیگری محول نکنند.

وی با تأکید بر اینکه بسیاری از محدودیت‌هایی که قانون برای قضاوت تعیین کرده، درخصوص کارشناسان هم صدق می‌کند، گفت: کارشناسان باید شئون کارشناسی را رعایت کنند؛ از یک ارتباط نامتعارف با طرف دعوا گرفته، تا دریافت وجه یا امتیاز از یک طرف دعوا.

قاسمی ادامه داد: حتی موارد جرح کارشناسی هم مشابه موارد قضایی است؛ یعنی جایی که قاضی درباره پرونده‌ای به عنوان بازپرس اظهار نظر کرده، دیگر نمی‌تواند در دادگاه نسبت به آن پرونده رأی بدهد و این از موارد جرح موضوع ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی کیفری است؛ در مورد کارشناسان ما دقیقاً همین مورد را داریم. یعنی فرض کنید اگر کارشناس در تأمین دلیل اظهار نظر کرده، دیگر حق ندارد در محکمه اگر به طور اشتباهی کار به او ارجاع شده، اظهار نظر



سرپرست مجتمع دعاوی تجاری و شرکت‌های دانش بنیان و دعاوی داوری مطرح کرد:

فراز و نشیب کارشناسی در سه مرحله

کارشناسان رسمی دادگستری، بازویی توانمند برای دستگاه قضایی

سرپرست مجتمع دعاوی تجاری و شرکت‌های دانش بنیان و دعاوی داوری، با تقسیم‌بندی بحث کارشناسی به سه مرحله «پیش کارشناسی»، «کارشناسی» و «پسا کارشناسی»، بر اهمیت بالای کار کارشناسی تأکید کرد و گفت: نقش کارشناسان دادگستری همانند وکلای دادگستری و قضات، در تحقق عدالت همواره مورد تأکید و بررسی است. دکتر مهدی خسروشاهی در همایش «رئیس کل، معاونان، مدیران و روسای مجتمع‌های قضایی دادگستری استان تهران با اعضای هیئت مدیره و هیئت رئیسه گروه‌های تخصصی کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران» با بیان این مطلب افزود: در بسیاری از موارد، صدور احکام و نظرات قضایی بر پایه گزارشات کارشناسی صورت می‌گیرد. از این رو کارشناسان رسمی دادگستری، نقش بازویی توانمند را برای دستگاه قضایی ایفا می‌کنند. وی اضافه کرد: بدیهی است که آسیب‌شناسی در این حوزه چه از حیث اقدامات قضایی و چه کارشناسی، می‌تواند نقش موثری در بهینه‌سازی فرایندهای دادرسی عادلانه و بهداشت قضایی ایفا کند.

ضرورت‌ها در مرحله پیش کارشناسی

خسروشاهی با تقسیم‌بندی بحث کارشناسی به سه مرحله بیان کرد: بحث کارشناسی را می‌توانیم به سه مرحله شامل «پیش کارشناسی»، «کارشناسی» و «پسا کارشناسی» تقسیم کنیم. در بحث پیش کارشناسی یکی از مهمترین موضوعات، احراز این موضوع است که آیا اساساً ضرورتی بر صدور قرار کارشناسی وجود دارد، یا خیر. طبیعی است، اگر تمامی مستندات که اشخاص و اصحاب دعوا و طرفین دعوا به آن استناد کردند، در پرونده موجود باشد و از سوی دیگر، استماع دقیق اظهارات اصحاب دعوا صورت بگیرد؛ در بسیاری از موارد اصلاً نیازی به صدور قرار کارشناسی نیست. به این ترتیب، اگر قرار کارشناسی بی‌موردی صادر نشود، خود نقش بسیار مهمی در جلوگیری از اطاله دادرسی خواهد داشت.

وی ادامه داد: البته طبیعی است، در بسیاری از موارد که بخشی از آن ناشی از حجم گسترده پرونده‌ها است، ما موضوع را به کارشناس می‌سپاریم. در مواردی که شخص درخصوص مطالبات ادعایی دارد، یا اسناد و مدارکش را ارائه

داده و یا ارائه نداده است. در مواردی که ارائه نداده، ما مکلف نیستیم موضوع را به کارشناس ارائه دهیم تا بررسی کند. چرا که کارشناس وظیفه دارد امور موضوعی را بررسی کند، نه اینکه برای اشخاص کسب دلیل کند. این وظیفه قضات و همکاران قضایی است که در این خصوص اقدام کنند.

خسروشاهی بحث ضرورت یا عدم ضرورت ارجاع امر به کارشناس را امر بسیار مهمی دانست و یادآور شد: بحث کارشناسی و تعاملی که بین همکاران قضایی و کارشناسی وجود دارد، از جنس حق و تکلیف است. یعنی کارشناسان یکسری حقوق و تکالیف دارند و از طرف دیگر همکاران قضایی هم حقوق و تکالیف قانونی خود را دارند.

ارتباط مستقیم قرار کارشناسی با گزارش کارشناس

وی موضوع بعدی را مربوط به صدور قرار کارشناسی دانست و توضیح داد: تعیین دقیق قرار کارشناسی و صدور قرار کارشناسی کامل و جامع، بسیار موثر است در این که نظریه

د

باید به بحث
تداخل صلاحیت
کارشناسان توجه
کنیم. بی‌توجهی
به صلاحیت
کارشناس در
زمان صدور
قرار کارشناسی،
می‌تواند موجب
نقض رأی باشد،
یا حتی منجر به
تخلف انتظامی
برای کارشناس
شود



ممکن است در صلاحیت کارشناسان متعددی باشد.

وی تاکید کرد: لذا انتخاب کارشناس مرتبط با صلاحیت همان موضوع امر بسیار مهمی است و باید به بحث تداخل صلاحیت کارشناسان توجه کنیم. بی توجهی به صلاحیت کارشناس در زمان صدور قرار کارشناسی، می تواند موجب نقض رأی باشد، یا حتی منجر به تخلف انتظامی برای آن کارشناس شود.

وی خواستار تعیین دستمزد متعارف و معقول برای کارشناسان شد و گفت: همکارانی که در مجتمع های قضایی و تخصصی، رسیدگی قضایی انجام می دهند، باید به این نکته توجه داشته باشند.

ضرورت تفکیک جایگاه کارشناسان و قضات

خسروشاهی در ادامه به لزوم تفکیک جایگاه کارشناسان و قضات تاکید کرد و گفت: مسئله دیگر، عدم احاله اظهار نظر قضایی به کارشناسان است. در بسیاری از موارد می بینیم در قرار کارشناسی که صادر می شود، اظهار نظر کارشناس جنبه قضایی دارد؛ در صورتی که

کارشناسی و گزارش کارشناسی هم که واصل می شود، نظریه دقیقی باشد. یعنی هر چه ما دقت بیشتری در صدور قرار کارشناسی داشته باشیم، به همان اندازه می توانیم این انتظار را از کارشناسان هم داشته باشیم که نظریه کارشناسی دقیق و کاملی ارائه بدهند.

سرپرست مجتمع دعوای تجاری و شرکت های دانش بنیان و دعوای داوری تاکید کرد: در واقع عدم صدور قرارهای کارشناسی دقیق و غیرمبهم، می تواند از یکسری آسیب های احتمالی و پرهیز از ارائه نظریات تکمیلی متعدد توسط کارشناسان جلوگیری کند.

لزوم انتخاب کارشناس دارای صلاحیت

خسروشاهی همچنین با انتقاد از عدم ارتباط صلاحیت کارشناسان با موضوع پرونده ها گفت: مسئله دیگری که اکنون متأسفانه در محاکم با آن مواجهیم، بحث بی توجهی به صلاحیت کارشناسان به نسبت موضوع پرونده است. در اینجا بحث تداخل صلاحیت ها هم مطرح است. یعنی در بسیاری از موارد می بینیم موضوعاتی که یک کارشناس نسبت به آن اظهار نظر می کند،



در بسیاری از موارد می بینیم در قرار کارشناسی که صادر می شود، اظهار نظر کارشناس جنبه قضایی دارد؛ در صورتی که وظیفه کارشناس این است که به امور موضوعی پرونده بپردازد؛ نه امور حکمی



وظیفه کارشناس این است که به امور موضوعی پرونده بپردازد؛ نه امور حکمی. وی یادآور شد: پس آنچه کارشناس باید مورد توجه دقیق قرار دهد، بررسی امور موضوعی و اظهارنظر تخصصی و کارشناسی در این زمینه است. در اینجا باز حق و تکلیف بین مقام قضایی و کارشناس مطرح است؛ یعنی قرار باید به درستی صادر شود و البته کارشناسان هم از اظهارنظر قضایی درخصوص موضوعات پرهیز کنند.

لزوم رفع نواقص سیستم ها و سامانه های قضایی

خسروشاهی همچنین با انتقاد از نواقص سامانه های مرتبط با امر کارشناسی اظهار داشت: متأسفانه در سامانه ثنا، متن قرار کارشناسی بعضاً توسط همکاران قضایی درج نمی شود. یعنی یک قرار مفصلی صادر

شده که به صورت تایپی است، اما در سامانه درج نشده و صرفاً ذکر شده است که آقا یا خانم فلانی به عنوان کارشناس در امور مالی اظهارنظر کند. این شخص مکلف است یک بار در مجتمع صرفاً خود قرار را بخواند، در صورتی که اگر این در سامانه ثنا به درستی و به صورت کامل درج شود، این مشکل حل می شود. وی ادامه داد: موردی که در عمل زیاد با آن مواجه می شویم، این است که در بسیاری از موارد قرار کارشناسی صادر و کارشناس به قید قرعه انتخاب می شود؛ اما متأسفانه بعد از اینکه ابلاغ صورت می گیرد، چند روز بعد کارشناس یا یک لایحه می فرستد که در مرخصی به سر می برد و یا عذر قانونی خود را از عدم پذیرش کارشناسی اعلام می کند. متأسفانه این در سیستم درج نمی شود. ما بارها مکاتبه کردیم که اگر یک کارشناس درخصوص



متأسفانه در سامانه ثنا، متن قرار کارشناسی بعضاً توسط همکاران قضایی درج نمی‌شود. یعنی یک قرار مفصلی صادر شده که به صورت تایپی است، اما در سامانه درج نشده و صرفاً ذکر شده است که آقا یا خانم فلانی به عنوان کارشناس در امور مالی اظهار نظر کند

موضوع، باید تعیین مدت صورت بگیرد و از اطاله بیش از اندازه زمان کارشناسی جلوگیری شود.

از سوی دیگر، باید مدت زمان متناسب برای پرونده‌های پیچیده مشخص شود. به طور مثال تعیین مهلت یک‌ماهه برای پرونده‌ای با ابعاد فنی بسیار پیچیده، به طور قطع معقول نخواهد بود.

تناقضات مرحله پسا کارشناسی

خسروشاهی، اولین بحث در مرحله پسا کارشناسی را ابللاغ نظر کارشناسی در اسرع وقت دانست و گفت: بعضاً نظر کارشناسی واصل می‌شود و همکاران عنوان می‌کنند در وقت نظارت به نظر برسد. در حالی که ضرورتی ندارد و این ابللاغ اگر در همان زمان به محض وصول، صورت بگیرد، خود نقش موثری در کاهش اطاله دادرسی دارد. وی با اشاره به لزوم برگزاری جلسات دادرسی با حضور کارشناسان و اصحاب پرونده بیان کرد: در بسیاری از موارد اصحاب پرونده به این امر اعتراض می‌کنند. به طور مثال، یک پرونده تا هیئت ۱۱ نفره کارشناسی پیش رفته، در حالی که اساساً چنین روندی ضرورت ندارد. اگر ابهامی در نظریه کارشناسی وجود دارد، در راستای اجرای ماده ۱۹۹ از قانون آیین دادرسی مدنی، با دعوت از اصحاب پرونده و کارشناسان، می‌توان نسبت به این رفع ابهام اقدام کرد تا در نهایت با استفاده از نظر هیئت کارشناسی، رأی قضایی صادر شود.

موضوع عذری دارد و یا در مرخصی است، بلافاصله این موضوع در سامانه درج شود که آن شخص انتخاب نشود، چون این موضوع باعث اطاله می‌شود. در بعضی از موارد ما نیاز به کارشناسی‌های فوری داریم و استقرا ممکن است این مشکل را ایجاد کند که کارشناسی مدنظر، فرضاً بعد مسافت داشته باشد و امکان حضور نداشته باشد.

چالش‌های مرحله کارشناسی

خسروشاهی در ادامه سخنان خود عنوان کرد: در مرحله دوم که مرحله انجام کارشناسی است، یکی از نکات بسیار مهم، لزوم تعامل کارشناس با مقام قضایی و اخذ ارشادات لازم است. در بسیاری از موارد کارشناس با ابهاماتی در حین مطالعه پرونده مواجه می‌شود، اما این موارد را با همکار قضایی ما درمیان نمی‌گذارد. در حالی که اگر ابهامات را همان لحظه و قبل از اعلام نظر کارشناسی خود مرتفع کند، در مستند بودن و کامل بودن نظر کارشناسی موثر خواهد بود.

وی همچنین به چالش‌های دیگر پیش روی مرحله کارشناسی اشاره کرد و گفت: در بحث کارشناسی، برگزاری جلسات شور مطرح است. در بسیاری از موارد ما هیئت کارشناسی تعیین می‌کنیم. اما درواقع تنها یک نفر از کارشناسان، کار کارشناسی انجام می‌دهد و اعضای دیگر صرفاً آن را امضا می‌کنند که این رویه باید اصلاح شود. این مقام مسئول، بحث «تعیین مدت متعارف» را بحث مهمی در بحث انجام قرار و صدور گزارش کارشناسی برشمرد و تأکید کرد: به فراخور

مرحله درجه بندی کارشناسان

سرپرست مجتمع دعاوی تجاری و شرکت‌های دانش بنیان و دعاوی داوری با تأکید بر اینکه باید امکان ارزیابی کارشناسان توسط مقام قضایی فراهم شود، گفت: امتیازدهی به کارشناسان بعد از هر نظریه کارشناسی که واصل می‌شود، باید مورد توجه قرار گیرد و به تدریج وارد مرحله درجه بندی کارشناسان شویم. وی در پایان خاطرنشان کرد: کارشناسان رسمی دادگستری یکی از ارکان مهم در فرآیند دادرسی هستند و امیدواریم با برگزاری چنین جلسات هم‌اندیشی، نقش موثری در دادرسی عادلانه و بهداشت قضایی و فصل خصومت داشته باشیم.

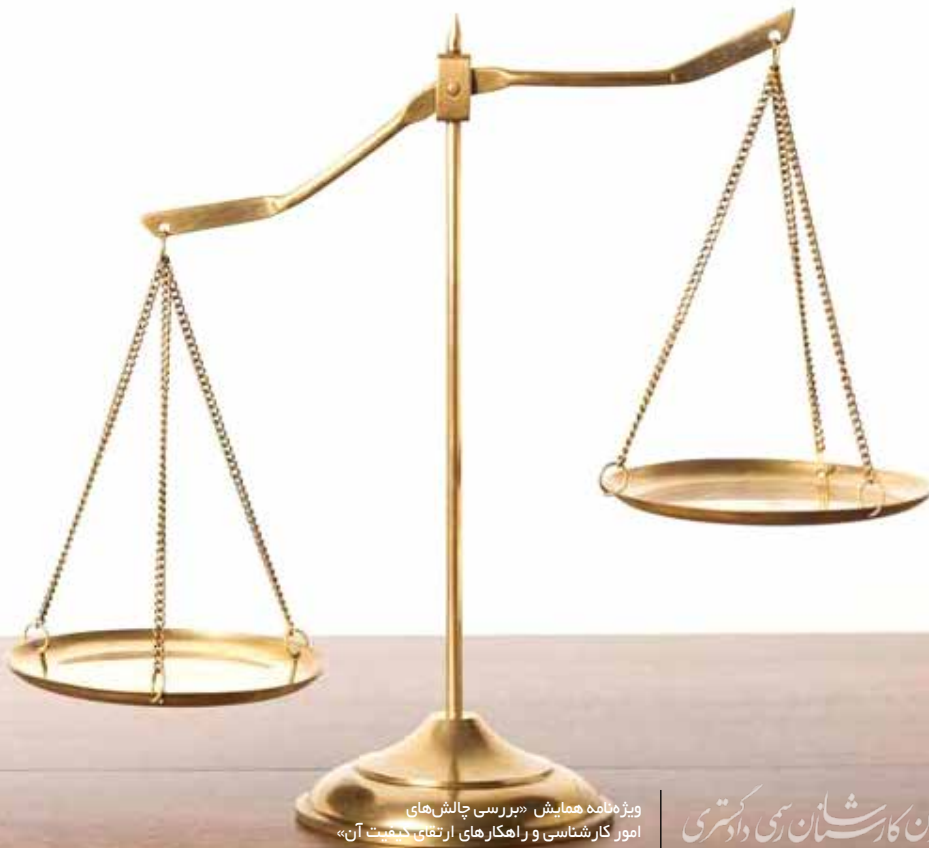
رئیس اسبق شورای عالی کانون کارشناسان بررسی کرد:

عوامل موثر در امر قضا و برقراری عدالت مسئولیت مادام‌العمر، پاشنه آشیل حرفه کارشناسی

رئیس اسبق شورای عالی کانون کارشناسان با تشریح چند عامل اثرگذار در امر قضا و برقراری عدالت، به بیان چالش‌هایی پرداخت که کارشناسان با آنها دست و پنجه نرم می‌کنند. مهندس غلامعلی شهرکی در همایش «رئیس کل، معاونان، مدیران و روسای مجتمع‌های قضایی دادگستری استان تهران با اعضای هیئت مدیره و هیئت رئیسه گروه‌های تخصصی کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران» تاکید کرد: در امر قضا و برقراری عدالت، چند عامل موثر است که یکی از این عوامل، «قوانین و مقررات» است. به گفته وی، در حال حاضر ما در حوزه قوانین و مقررات مرتبط با کارشناسی و مسائل پرونده‌ها، با تضادها و مغایرت‌هایی مواجهیم که البته اخیراً تعدادی رأی وحدت رویه صادر شده و بعضی از مشکلات را حل کرده است.



اکثر قریب به
اتفاق قضات،
انسان‌های شریفی
هستند و ما کمتر
برخورد نامناسبی
را از سوی قضات
شاهد هستیم،
اما در زیرمجموعه
نهادهای قضایی
افرادی وجود دارند
که واقعاً شان
دستگاه قضا را زیر
سوال می‌برند



ویژه‌نامه همایش «بررسی چالش‌های
امور کارشناسی و راهکارهای ارتقای کیفیت آن»

کانون کارشناسان رسمی دادگستری

شماره دوم
خرداد و تیر ماه سال ۱۴۰۴



کارشناسان باید به این باور برسند که نتیجه عملکرد آنها به تنهایی فقط به خودشان صدمه نمی‌زند، بلکه به بخش‌های زیادی از جمله تشکیلات قضا و به نظام مملکت آسیب وارد می‌کند

بتواند قضات را آسوده‌خاطر کند تا بتوانند یک رأی درست و عادلانه صادر کنند.

شهرکی ادامه داد: اگر قاضی به یقین و اطمینان کافی نرسد و رأی صادر کند، ممکن است بخشی از این مشکل ناشی از عملکرد کارشناس باشد. بعضی از کارشناسان متأسفانه به این قضیه توجه نمی‌کنند که قاضی آنها را امین خود قرار داده و باید امانت‌دار خوبی باشند تا قاضی با اطمینان خاطر رأی صادر کند و حقی از کسی ضایع نشود که به دنبال آن، دستگاه قضا به طور کلی زیر سوال برود.

وی تأکید کرد: کارشناسان باید به این باور برسند که نتیجه عملکرد آنها به تنهایی فقط به خودشان صدمه نمی‌زند، بلکه به بخش‌های زیادی از جمله تشکیلات قضا و به نظام مملکت آسیب وارد می‌کند. درواقع نارضایتی مردم از دستگاه قضایی، نارضایتی آنها از نظام را به همراه دارد. لذا حرفه کارشناسی، حرفه بسیار حساس و پراهمیتی است.

شهرکی با بیان اینکه کارشناسان در تمامی کارهای کارشناسی که از سوی دستگاه قضایی ارجاع می‌شود، بدون هیچ چشمداشتی به ارائه خدمت می‌پردازند، به نمونه‌هایی از اثرگذاری آنها در مفاسد اقتصادی پرداخت و گفت: کارشناسان رسمی دادگستری، بدون هیچ ادعا و چشمداشتی پرونده‌های مربوط به مفاسد بزرگ اقتصادی را در اسرع وقت به سرانجام رساندند و این باعث حفظ اعتبار برای دستگاه قضایی شد. درواقع دستگاه قضایی و قضات با توجه به کاری که کارشناسان انجام دادند، این پرونده‌ها را به‌موقع به نتیجه رساندند.

وی در پایان ضمن تقدیر از هیئت مدیره کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران و عوامل برگزاری این همایش و با قدردانی از حضور مقامات قضایی در این نشست تأکید کرد: مطالب خوبی در این نشست مطرح شد که می‌تواند به عنوان چراغ راه کارشناسان باشد.

شهرکی ادامه داد: ما در قانون، بحث «مصونیت» و همچنین «مرور زمان» را قید کرده بودیم که متأسفانه در مجلس شورای اسلامی حذف شد. یعنی کارشناس به ازای حق الزحمه ناچیزی که دریافت می‌کند، باید تا آخر عمر پاسخگو باشد. این به دور از انصاف و عدالت است. ولی با وجود تمام این مسائل ما هیچگاه اعتراض و شکایتی نکردیم، چون در این بین یکسری معذوریت‌هایی وجود دارد.

شهرکی، مسئله بعدی را مربوط به برخورد ناصواب مسئولان و کادر قضایی با کارشناسان دانست و گفت: اکثر قریب به اتفاق قضات، انسان‌های شریفی هستند و ما کمتر برخورد نامناسبی را از سوی قضات شاهد هستیم، اما در زیرمجموعه نهادهای قضایی افرادی وجود دارند که واقعا شأن دستگاه قضا را زیر سوال می‌برند.

وی افزود: وقتی یک کارشناس پیشکسوت، با ابلاغیه‌ای که در دست دارد، برای مطالعه یک پرونده به دادگاه مراجعه می‌کند و پس از طی تشریفات اداری، به مسئول مربوطه مراجعه می‌کند، با بی‌احترامی و برخورد خارج از نزاکت و ادب وی مواجه می‌شود، انگیزه خود را برای کار از دست می‌دهد. مواردی بوده که کارشناس در این موارد به قاضی اجرای احکام، نامه نوشته و درخواست قطع همکاری را مطرح کرده است تا با چنین بی‌احترامی مواجه نشود.

شهرکی همچنین با اشاره به برخوردهای نامناسب ارباب رجوع و طرفین دعاوگفت: در برخی پرونده‌ها که کارشناس ملزم به استماع اظهارات طرفین می‌شود، پس از آنکه طرفین در محل حاضر می‌شوند، بعضی می‌بینیم که کارشان به زدوخورد می‌گشود که در این شرایط امنیت جانی کارشناس هم به خطر می‌افتد.

وی تأکید کرد: همیشه تلاش ما بر این است که در طول کار دستگاه قضا کار نکنیم، یعنی به عنوان بازوی کمکی دستگاه قضا باشیم و گزارش‌هایی را ارائه دهیم که این گزارش‌ها



در پنل «عوامل موثر بر اطاله دادرسی و راهکارهای کاهش آن با تاکید بر نقش قاضی و کارشناس» مطرح شد:

ارتباط مستقیم اطاله دادرسی و تعرفه کارشناسی

کارشناسان مجاز به تاسیس موسسات حقوقی شوند

پنل «عوامل موثر بر اطاله دادرسی و راهکارهای کاهش آن با تاکید بر نقش قاضی و کارشناس» در همایش «رئیس کل، معاونان، مدیران و روسای مجتمع‌های قضایی دادگستری استان تهران با اعضای هیئت مدیره و هیئت رئیسه گروه‌های تخصصی قانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران» برگزار شد. در این پنل دکتر احمد قاسمی، قاضی دادگاه انتظامی قانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران؛ دکتر مهدی خسروشاهی، سرپرست مجتمع دعاوی تجاری و شرکت‌های دانش‌بنیان و دعاوی داوری؛ و غلامعلی شهرکی، رئیس اسبق شورای عالی کارشناسان دادگستری به ایراد سخنرانی پرداختند.

همچنین در پنل مذکور دکتر سیدرضا ملجأ، معاون مجتمع قضایی عدالت؛ دکتر علی حمزه شریفی، سرپرست مجتمع قضایی شهید صدر؛ مهندس غلامرضا شافعی، عضو اسبق هیئت مدیره قانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران؛ و احمد علیجانی، مدیر امور حقوقی قانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران، حضور یافتند و به بررسی عوامل موثر بر اطاله دادرسی و راهکارهای کاهش آن پرداختند. مشروح گزارش این پنل تخصصی را در ادامه می‌خوانید:

د

شریفی: یک موضوعی که منجر به دلخوری بجای بعضی از کارشناسان شده و ناخودآگاه منجر به اطاله دادرسی هم می‌شود، تعرفه پایین کارشناسی است

تعیین نکرده‌اند، یا تعیین آن را به دادورز یا کارمند دفتری سپرده‌اند که در نهایت رقم متناسبی برای امر کارشناسی تعیین نشده است.

آخرین مصوبه ما برای تعیین نرخ دستمزد کارشناسان، به سال ۱۴۰۲ برمی‌گردد که از سوی قوه قضاییه ابلاغ شد و البته یک اصلاحیه بعدی هم دارد. به نظر می‌رسد، این تعیین میزان حداقلی در قرار ارجاع امر به کارشناس، جدا از اینکه باید ابهام نداشته باشد، باید به میزان تعرفه نزدیک باشد و واقعی باشد. اینکه ما همان ابتدای کار حداقل دستمزد را تعیین کنیم و منتظر باشیم تا نظر کارشناس واصل شود و سپس با آن تطبیق بدهیم، فاصله ارقام را بسیار زیاد می‌کند. به طور مثال، می‌بینیم که ابتدا دستمزد چند میلیون تومانی تعیین می‌شود، اما پس از وصول قرار، دستمزد کارشناس طبق تعرفه به ده‌ها میلیون تومان می‌رسد. لذا برای اصحاب دعوا هم که بعضاً جزو عوام هستند، جبران این فاصله سخت است و حتی ممکن است تصورات منفی در آنها نسبت به دستگاه قضایی ایجاد شود.

از این رو پیشنهادم به همکاران قضایی این است که در مقام صدور قرار و تعیین دستمزد، در همان ابتدا حد و حدود تعرفه کارشناسی مشخص شود. مخصوصاً در دعاوی‌ای که مرسوم به دعاوی پولی و بانکی است، مبلغ را طوری تعیین کنند که واقعی باشد و تأکید شود که این مبلغ علی‌الحساب است و اگر مبلغ مازاد هم واریز شود، قبل از اینکه به کارشناس یا کارشناسان پرداخت شود؛ قابل عدول، حصول و کسر است. موضوع دیگر این است که ما در تعیین دستمزد خساست به خرج می‌دهیم. یعنی گاهی بدون اینکه اصحاب دعوا درخواست کاهش دستمزد کارشناسی را به دلیل ناتوانی در پرداخت آن مطرح کنند، و گاهی حتی در پرونده‌هایی که مربوط به اصحاب دعوا یا اشخاص متمول و متمکن یا شرکت‌های مهم هستند، ما باز هم نرخ دستمزد

یکی از مسائلی که همواره در کانون کارشناسان رسمی دادگستری تهران مطرح می‌شود و مراجعات و شکایت‌هایی هم از سوی کارشناسان در این خصوص صورت می‌گیرد، بحث تعیین حق الزحمه حداقلی، حتی کمتر از نرخ تعرفه معمول است. اگرچه در این راستا قضات بر رعایت حقوق مردم تأکید می‌کنند، اما از سوی دیگر، به گفته کارشناسان حق الزحمه‌های کارشناسی به قدری پایین است که حتی هزینه وایاب ذهاب آنها را پوشش نمی‌دهد. به طور نمونه، یکی از کارشناسان معترض بود که قاضی فیلم ۴۰۰ ساعته را جهت مشاهده، تحلیل و ارائه گزارش به وی ارجاع داده و به ازای این کار تنها یک میلیون تومان حق الزحمه تعیین کرده است! حال سوال این است، عوامل مرتبط با حق الزحمه کارشناسی که منجر به اطاله رسیدگی می‌شود، چه مواردی است؟

دکتر علی حمزه شریفی، سرپرست مجتمع قضایی شهید صدر: کارشناسان همواره

همکاری لازم را در مورد بحث حق الزحمه کارشناسی با ما انجام داده‌اند. طی ۲۷ سال اخیر که سابقه فعالیت قضایی دارم، به خاطر ندارم پرونده‌ای را به کارشناسان محول کرده و گفته باشیم که اصحاب پرونده توانایی پرداخت تعرفه و دستمزد را ندارند و کارشناسان با ما همکاری نکرده باشند. منصفانه اگر بگوییم، حتی هیچگاه نیاز نشده در این باره با کانون مکاتبه کنیم که معاضدت کنند.

یک موضوعی که منجر به دلخوری بجای بعضی از کارشناسان شده و ناخودآگاه منجر به اطاله دادرسی هم می‌شود، تعرفه پایین کارشناسی است. این موضوع گاهی منجر می‌شود به اینکه کارشناسان از پذیرفتن کار طفره برونند و بهانه‌هایی همچون دوری مسیر، بیماری یا مشغله بسیار را مطرح کنند، که درواقع ناشی از دستمزد ناکافی است. یعنی شاهدیم که همکاران قضایی یا رقم مناسبی برای پرونده





واقع می‌شود و دستور پرداخت داده می‌شود، اما اصحاب دعوا پرداخت نمی‌کنند. پس اینکه اجازه بدهیم قبل از اینکه الباقی دستمزد کارشناس واصل شود، نظریه کارشناسی ابلاغ شود؛ موجب بی‌انگیزگی کارشناس می‌شود. اگرچه قانون مبهم و مجمل است، ولی ما می‌توانیم مدیریت کنیم. گاهی می‌بینم که در بعضی از نظرات غلط (به‌ویژه در شهرستان‌ها) عنوان می‌کنند که تکلیف ما وصول مبلغ علی‌الحساب بوده و خود کارشناس باید مبلغ باقی‌مانده را مطالبه و اخذ کند. یعنی از کارشناس می‌خواهند که دادخواست بدهد و باقی‌مانده هزینه کارشناسی را دریافت کند. اما کارشناسان این کار را انجام نمی‌دهند و نتیجه چنین رویکردی فقط بی‌انگیزگی آنها خواهد بود.

از این رو پیشنهادم این است که بعد از برگزاری این جلسه مفید و اثرگذار، جلسه تخصصی‌تر و کوچکتری با حضور بعضی از نمایندگان محاکم و اعضای هیئت مدیره کارشناسان برگزار شود و در مورد چنین مباحثی، که موضوع اختلاف و

را کم تعیین می‌کنیم که درست نیست و گلایه اکثر کارشناسان در این زمینه بحق است. البته متأسفانه گاهی بعضی از دادگاه‌ها دستمزدهای نامتناسبی را برای کارشناسان تعیین می‌کنند. طبق بررسی انجام شده، این موضوع حداقل در مجتمع صدر زیاد نبوده و غالب موارد بیشتر به این سمت است که ما تعرفه را رعایت نکردیم، یا بدون اینکه اصحاب دعوا گلایه و تقاضای کاهش تعرفه را مطرح کنند، خودمان مبلغ اولیه را ناکافی تعیین کرده‌ایم که باعث گله‌مندی بجای کارشناسان شده است.

موضوع دیگری هم که بسیار شایع است و در ارجاعات بعدی به کارشناسان، موجب بی‌انگیزگی آنها برای قبول کار می‌شود، بحث نحوه وصول الباقی مبلغ علی‌الحساب تعیین شده است. به طور مثال قراری صادر و ۵ میلیون تومان مبلغ علی‌الحساب تعیین می‌شود، بعد از صدور نظریه می‌بینیم که طبق تعرفه باید ۲۰ میلیون تومان برای تعرفه کارشناسی پرداخت کنند. این مبلغ مورد موافقت مقام قضایی

د

شریفی:
تعیین میزان
حداقلی در قرار
ارجاع امر به
کارشناس، جدا از
اینکه باید ابهام
نداشته باشد، باید
به میزان تعرفه
نزدیک و واقعی
باشد



شافعی:
کارشناس، همکار
و شریک قاضی
است و اگر بتواند
به دقت و صحت
اظهار نظر بکند،
حتما در حصول
نتیجه هم، دقت و
عدل حاکم خواهد
بود. ولی باید به
نحوی عمل کنیم
که کارشناس این
نهاد [نهاد قضایی]
را خانه خودش
بداند، همانطور که
قاضی آنجا را خانه
خودش می‌داند

همین بحث عدم تعیین دستمزد کارشناسی
متناسب با موضوع بود. آقای دکتر شافعی چه
نظری در این باره دارید؟

**مهندس غلامرضا شافعی، عضو اسبق هیئت
مدیره کانون کارشناسان رسمی دادگستری**

استان تهران: پیشنهادی از سوی آقای دکتر
قاسمی مطرح شد، مبنی بر اینکه دفترچه‌ای
تهیه شود و حدود صلاحیت کارشناسان تا جای
ممکن در آن قید شود. با توجه به اینکه ایشان
با مقوله کارشناسان و شکایاتی که از کارشناسان
شده، کاملا آشنا هستند و با توجه به تجاربی که
در طول سال‌های متمادی کسب کرده‌اند، به
نظرم باید پیشنهاد ایشان را جدی بگیریم.

به عقیده من، ارتباط صمیمانه‌ای بین قضات
و کارشناسان باید برقرار باشد. همانطور که
قاضی انتظار دارد، کارشناس گزارش کامل و
دقیق به او تحویل بدهد، قاضی هم باید عزت و
احترام زیادی را برای کارشناس قائل باشد. آقای
مهندس شهرکی اشاره کردند که کارشناسان در
مراجع قضایی مورد احترام واقع نمی‌شوند.
بدیهی است این باعث می‌شود که کارشناس
این نهاد را خانه خودش نداند. کارشناس،
همکار و شریک قاضی است و اگر بتواند به
دقت و صحت اظهار نظر بکند، حتما در حصول
به نتیجه هم، دقت و عدل حاکم خواهد بود.
ولی باید به نحوی عمل کنیم که کارشناس این
نهاد را خانه خودش بداند، همانطور که قاضی
آنجا را خانه خودش می‌داند.

یعنی این نگاه صمیمانه بین
طرفین وجود داشته باشد و این
را القا بکنیم به همکاران خودمان
در مجموعه‌هایی که زیر نظر
نهادهای قضایی هستند.

سهولت دسترسی به سامانه را
حتی‌الامکان برای کارشناسان
فراهم بکنیم. البته تا حدودی
این کار انجام شده و در حال حاضر، اطلاعات
قابل توجهی از طریق سامانه‌ها ارائه می‌شود،
ولی باید اطلاعات پرونده هم تا جایی که مقدور
است، در سامانه وارد شود و کارشناس با یک
کلیک بتواند به اطلاعات دسترسی پیدا کند و لازم



رویه‌های مختلف است، همفکری و بررسی‌های
لازم انجام شود و در نهایت مطالب مطرح‌شده از
طریق رئیس کل محاکم به صورت بخشنامه به
مجمع‌های قضایی ابلاغ شود تا دیدگاه‌ها و
نظرات را به هم نزدیک کنیم و اختلاف نظر زیادی
به وجود نیاید.

**براساس اظهارات دکتر شریفی، یکی
از عوامل اطلاع دادرسی، تعیین
دستمزد کمتر از حداقل تعرفه است.
تعیین تعرفه‌های سنگین چه
برای حق‌الوکاله و چه برای هزینه
کارشناسی، درصد بسیار ناچیزی را به
خود اختصاص می‌دهد. یعنی وقتی
تعیین چنین ارقامی را برای دستمزد
کارشناسان می‌شنویم، تصور می‌کنیم**

که همه هزینه‌های کارشناسی به همین
منوال است؛ در صورتی که ما مراجعات مکرری
به دلیل ناچیز بودن دستمزد کارشناسان داریم.
اخیرا از کارشناسان بسیاری در رشته‌های مختلف
نظرخواهی کردیم و یکی از مواردی که اشاره شد،





ملجاً؛
قرار کارشناسی
که توسط همکار
قضایی صادر
می‌شود، نباید
کلی و مبهم
باشد. در قرار
کارشناسی باید
درخواست دادگاه
از کارشناس، به
وضوح مشخص
شود

نباشد که مسافتی طولانی را تا محل کارشناسی طی کند، چون در این صورت وقت و هزینه زیادی برای رفت و آمد به محل متحمل می‌شود و در نهایت دستمزد ناچیزی دریافت می‌کند. به هر حال بعضی از کارشناسان مابه دستمزد کارشناسی نیاز دارند و این مبلغ باید متناسب با کار و زحمت‌شان باشد.

در اینجا ذکر دو نکته ضروری است؛ اول اینکه دادگستری استان تهران، متولی کارشناسان استان تهران است. متأسفانه ظرف یکی دو سه سال گذشته از طریق تعرفه، ظلمی در حق کارشناسان تهران شده است. قانون هم اجازه نمی‌دهد و به نظر می‌رسد از تعرفه تجاوز شده است. بهتر است در جلسه‌ای با حضور کارشناسان و مسئولان دادگستری استان تهران، این بحث از نظر حقوقی و قانونی مطرح و بررسی شود تا اگر این موضوع درست باشد، در اصلاحیه بعدی اعمال شود.

نکته دوم، کمک به تأسیس موسسات حقوقی کارشناسی است. در ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم، پیش‌بینی شده بود که موسسات حقوقی هم برای حقوقدان‌ها و هم برای کارشناسان ایجاد شود؛ مشابه موسساتی که برای حسابرسان وجود دارد. حسابرسان موسسات حقوقی دارند و لازم نیست که یک کارشناس در امور آنها اظهار نظر بکند؛ در واقع اگر موسسه حقوقی اظهار نظر بکند، معتبرتر است و تداوم بیشتری هم دارد. اگر کارشناس به هر دلیلی دیگر نتواند کار خود را ادامه بدهد و امکان ادامه خدمت برای او فراهم نباشد، در صورتی که موسسه حقوقی وجود داشته باشد، کارش تداوم پیدا می‌کند. این موسسات که قانون اجازه ایجاد آنها را داده بود، از زمان مرحوم شاهرودی به شکل دیگری پیش رفته که البته ایرادی ندارد و موافقیم که ماده ۱۸۷ هم ادامه پیدا کند. ولی تقاضا این است که موسسات حقوقی مرکب از کارشناسان را هم سر و سامان بدهید. به طور مثال، اگر یک کارشناس در حوزه ساختمان، کارشناس دیگر در رشته حسابداری و کارشناس دیگر در صنعت برق فعالیت می‌کنند و این سه نفر می‌خواهند با همدیگر موسسه حقوقی تشکیل بدهند، به قوه قضاییه اجازه داده شده که به آنها اجازه تأسیس

موسسات حقوقی را بدهد. در صورت موافقت با تشکیل موسسات حقوقی، به نحوی این موضوع را ساماندهی کنید که این نوع موسسات حقوقی هم ایجاد شوند و تداوم پیدا کنند.

چه مواردی می‌تواند در کاهش اطلاع دادرسی موثر واقع شود؟

دکتر سیدرضا ملجاً، معاون مجتمع قضایی

عدالت: در این همایش و نشست هم‌اندیشی، قضایی فراهم شد که دست‌اندرکاران قانون کارشناسان، کارشناسان و همکاران قضایی در فضایی خارج از فضای دادگستری که اقتضات خود را دارد، دور هم جمع شوند و حرف‌های همدیگر را بشنوند و اینکه تمرین کنیم تا درصد رفع انتقادات و نقدهایی که نسبت به هم داریم، برپاییم و این اقدام مبارکی است.

درخصوص بحث کارشناسی، همکاران و کارشناسان نکاتی را مطرح کردند. همانطور که آقای دکتر شریفی در مورد تعرفه کارشناسی اشاره کردند، بنده نیز در طول ۲۸ سال خدمت، تاکنون حتی یک مورد شاهد نبودم که با کارشناسان درخصوص هزینه کارشناسی چالش داشته باشیم. نمونه آن، مربوط به پرونده اخیر بود که در آن، تتمه دستمزد کارشناس، مبلغ ۵۰ میلیون تومان بود. وکیل خواهان که باید تتمه را واریز می‌کرد، به من مراجعه و اعلام کرد که موکلش توان پرداخت این مبلغ را ندارد. اگر از ابتدا درخواست می‌شد، ممکن بود از سازوکار کارشناس معاضدت استفاده کنیم، اما عنوان نشده بود. لذا چون حجم کاری که انجام شده بود، نیازمند این بود که تتمه پرداخت شود، در نهایت پیشنهاد دادم که مسئله را با کارشناس در میان بگذارند. کمتر از یک ساعت بعد کارشناس با شعبه تماس گرفت و اعلام کرد که طی صحبتی که با وکیل داشته و موقعیتی که موکلش دارد، توافق کرده‌اند که ۲۰ میلیون تومان از تتمه پرداخت شود. لذا اوضاع بسیار از مواردی می‌توان هزینه کارشناسی را مدیریت کرد. اگر کسی قصد سوءاستفاده نداشته باشد، می‌توان از این سازوکارهای قانونی که برای معاضدت فراهم شده، استفاده کرد؛ یا اینکه



ملجاء:
استدعای من این
است که نظارت
صورت بگیرد تا بعد
از اینکه کارشناسان
دارای پروانه، اگر
به هر دلیلی اعم
از کهولت سن و
بیماری، توانایی کار
کارشناسی را ندارند،
برای مامحرز
شود. چون وقتی
کارشناس را به
صورت سیستمی
انتخاب می‌کنیم،
طبیعتاً شناختی از
اون داریم

حضورى به دادگاه مراجعه کنند. بعضاً ممکن است نیت همکاران این باشد که قرار جامعی هم صادر کند. اما با اطلاعاتی که آن موقع در پرونده ارائه شده و مستنداتی که در پرونده وجود دارد، در بعضی مواقع زوایای پنهان پرونده چندان مشخص نیست و مسئله با تعامل قابل حل است. ارائه نظریه در کارشناسی‌هایی که به طور کلی و مبهم صادر می‌شود، باعث می‌شود که اولاً دادرسی در مسیر مشخص خودش حرکت نکند و باعث سوءاستفاده اصحاب دعوا شود. همچنین در نظریاتی که به صورت مبهم است، بعضاً شاهدیم که نظریه را هر کسی به نفع خودش تفسیر می‌کند. در این راستا نخست، پیشنهادم به همکارانم این است که قرارها کلی و مبهم نباشد. دوم اینکه، کارشناسان سعی کنند در همان ابتدای کار، در راستای رفع این ابهام اقدام کنند.

نکته بعدی در مورد ناهماهنگی میان اعضای هیئت کارشناسی است. مدتی پیش، در یک پرونده‌ای، هیئت کارشناسی سه نفره، درخواست کارشناس معین دادند. کارشناس معین تعیین شد. بعد از اینکه کارشناس معین تعیین شد، قرار کارشناسی اجرا شد، کارشناس معین نظریه خودش را انفرادی ارسال کرده بود، از سوی دیگر هیئت سه نفره نظریه خودش را ارسال کرده بود و ما هرچه سعی می‌کردیم آنها را توجیه کنیم که نظر کارشناسی باید در قالب یک نظر به دادگاه ارائه شود تا قابلیت بهره‌برداری داشته باشد. اما اعضای هیئت با هم اختلاف داشتند و حاضر نبودند با هم همکاری کنند. این یکی از مواردی است که باید سازوکاری درباره آن اندیشیده شود و امیدواریم که در جلسات بعدی که در ادامه این نشست برگزار خواهد شد، بررسی شود. نکته بعدی در مورد ارسال نظریه الکترونیک توسط کارشناسان است که برابر بند ماده ۱۸ دستورالعمل «ساماندهی زمان و فرآیند کارشناسی» هم پیش‌بینی شده است. بعضاً کارشناسان مراجعه می‌کنند و اصرار دارند که

اگر واقعاً توان پرداخت داشته باشد و نخواهد پرداخت کند، بعضاً مسئله قابل حل است و می‌توان آن را مدیریت کرد.

راهکار من در مورد تئمه کارشناسی، این است که به استناد ماده ۲۶۴ قانون آیین دادرسی مدنی دستور وصول هزینه کارشناسی را صادر می‌کنم که دستور قطعی لازم‌الاجرا است؛ به جز خصیصه نکاتی که در اجرای احکام در مورد احکام فقط مختص احکام است، مثل بازداشت؛ بقیه مقرراتی که برای وصول محکوم به داریم، در مورد دستور وصول باقیمانده هزینه کارشناس، می‌تونیم از مقررات اجرای احکام استفاده کنیم. به طور قطع با این ظرفیتی که ماده ۲۶۴ دارد، نیازی نیست که کارشناس برای باقیمانده هزینه کارشناسی خود دادخواست بدهد. اینکه می‌گویم باقیمانده، چون طبیعتاً در ابتدا مبلغ علی‌الحساب تعیین می‌کنیم و پرداخت می‌شود، بعد کارشناسی

انجام می‌شود، معمولاً این مشکل برای بحث تئمه هزینه کارشناسی پیش می‌آید.

از هزینه کارشناسی که عبور کنیم، نکاتی به ذهن می‌رسد که در کاهش اطاله دادرسی و در ارائه به موقع نظریه کارشناس موثر است. اولین نکته‌ای که به ذهن متبادر می‌شود، بحث قرار کارشناسی است که توسط همکار قضایی صادر می‌شود. این قرار

به هیچ عنوان نباید کلی باشد. همانطور که آقای مهندس شافعی اشاره کردند، شاهد بودم در برخی پرونده‌ها که صرفاً همکاران یک اسم را به عنوان کارشناس به دفتر اعلام کرده و قرار کارشناسی سیستمی ثبت شده، بدون اینکه همکار قضایی به کارشناس اعلام کند که دقیقاً چه مواردی مدنظرش است.

در قرار کارشناسی باید درخواست دادگاه از کارشناس، به وضوح مشخص شود. استدعای من از کارشناسان این است که اگر در برخی موارد، با قرار کارشناسی‌ای مواجه می‌شوند که برای آنها ابهام دارد، یا طی لایحه از دادگاه بخواهند که موارد را عنوان کند، یا اینکه به طور





علیجانی:
عوامل متعددی
بر بحث اطاله
دادرسی موثر
هستند. مانند
اصحاب پرونده،
وکلا دادگستری،
عدم ارائه
مستندات در
مهلت قانونی و...
اینکه بگوییم همه
عوامل مفقود
هستند، به جز
کارشناس؛ صحت
ندارد

نظریه خود را به صورت دستی و فیزیکی به دادگاه تحویل بدهند؛ اما واقعا امکان پذیرش نظریه فیزیکی برای ما وجود ندارد. به ویژه در حال حاضر که دادگستری برابر تکالیف قانونی که بر عهده اش گذاشته شده، به سمت رسیدگی های بدون کاغذ (paperless) پیش می رود. لذا اگر نظریه را به صورت فیزیکی و دستی قبول کنیم، بعد بخواهیم به طرفین ابلاغ کنیم، با مشکلات بعدی مواجه خواهیم شد.

گاهی نظرات کارشناسی که به صورت سیستمی ارسال می شود، ناخوانا است یا پیوست های آن خوانا نیست، یا اصلا پیوست ها سفید است و پیوست را در قالب یک فایل ارسال می کنند که توسط دفتر دادگاه قابل رویت نیست. لذا استدعای دیگرم این است که در ارسال نظریات هم این مهم رعایت شود که نظریه خوانا باشد و به نحو مطلوبی ارسال شود و قابلیت بهره برداری داشته باشد.

بحث دیگر در مورد قانون کارشناسان که باز در ماده ۳ دستورالعمل ساماندهی کارشناسی پیش بینی شده، این است که قانون اطلاعات کارشناسانی را که در ایام مرخصی یا محروم از کارشناسی هستند و نیز افرادی که به علت کهولت سن قادر به انجام کار کارشناسی نیستند، استخراج کند تا در جریان کار مشکلی ایجاد نشود. به طور نمونه اخیرا در یک پرونده تقسیم ترکه، که پرونده سنگینی شامل املاک متعدد و با ارزش بالا بود، یک کارشناس را به قید قرعه و از طریق سامانه انتخاب کردیم. وکیل پرونده به طور مکرر به ما مراجعه می کرد که این کارشناسی که شما انتخاب کرده اید، توان راه رفتن و کارشناسی ندارد. ابتدا تصور می کردم که شاید چون امر کارشناسی باب میل وکیل پیش نمی رود، این مطالب را عنوان می کند. تا اینکه کارشناس نظریه اش را ارائه داد و وقتی برای وصول فیش از هزینه کارشناسی مراجعه کرد، مشاهده کردم که واقعا حتی توان راه رفتن هم ندارد. لذا استدعای من این است که نظارت صورت بگیرد تا بعد از اینکه کارشناسان دارای پروانه، اگر به هر دلیلی اعم از کهولت سن و بیماری، توانایی کار کارشناسی را نداشته باشند، برای ما محرز شود. چون وقتی کارشناس را به صورت

سیستمی انتخاب می کنیم، طبیعتا شناختی از او نداریم و انتخابش صرفا توسط سیستم انجام می شود.

چه عوامل و چالش هایی در اطاله دادرسی اثرگذار هستند و چه راهکارهایی را می توان در این حوزه ارائه داد؟

احمد علیجانی، مدیر امور حقوقی کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران: اگرچه بحث اطاله دادرسی به شخص کارشناس نسبت داده می شود، اما همه استحضار دارند که اطاله دادرسی هیچ گاه یک عاملی نیست. اینکه بگوییم همه عوامل مفقود هستند، به جز کارشناس؛ صحت ندارد. عوامل متعددی بر بحث دادرسی موثر هستند. ما اعتقاد داریم که در بحث اطاله دادرسی، ما با موضوع چندعاملی مواجهیم؛ مانند اصحاب پرونده، وکلای دادگستری، عدم ارائه مستندات در مهلت قانونی و... حال سوال این است که در این میان کارشناس چه تقصیری دارد؟ در شرایطی که قاضی از او نظریه می خواهد و از طرف دیگر، اصحاب پرونده در ارائه اسناد تأخیر دارند، آیا کارشناس باید به قاضی بگوید که «چون مستندات را نداده اند، من اظهار نظر نمی کنم؟!» چنین امری ممکن نیست. درواقع، استمهال وقت را هم خود کارشناس معمولا از قضات می گیرد.

یکی از اقداماتی که قضات انجام می دهند، تعیین اوقات نظارت است. آیا در اینجا ما باید این موضوع را نادیده بگیریم که رئیس شعبه در وقت نظارت، پرونده به نظرشان می رسد تا درواقع پی ببرد که آیا کارشناسی به موقع انجام شده است یا خیر؛ آیا لازم است تذکر دهد و احضار کند. یعنی می خواهیم بگوییم که درحقیقت کارشناس آنقدر مبسوط الید نیست که رها باشد و مرجع قضایی توجه به این مسئله نداشته باشد.

لذا ما بعضی وقت ها چه در بحث هزینه که می گوییم هزینه ها خیلی کلان است یا در بحث اطاله دادرسی وقتی از کارشناسی می گوییم، برای این است که این را جا بیندازیم؛ وگرنه در واقعیت، عمده مسائل مشمول این مسئله نیستند.

طبق نظرخواهی ای که در بحث اطاله دادرسی انجام دادیم، مسائل بسیار زیاد هستند. اگرچه اشاره شد که پرداختن به مطالب تکراری ضرورتی



علیجانی: یکی از مشکلات در بحث قرارهای کارشناسی این است که قرارها بعضاً هیچ انطباقی با موضوع پرونده ندارد و یا اگر انطباق دارد، فاقد جزئیات کامل است؛ یعنی کارشناس کار را انجام می‌دهد، ولی ممکن است قاضی ایراد بگیرد که فرضاً اظهار نظر نشده است و دستور دهد که کارشناسی باید دوباره انجام شود

هم نیاز باشد. اگر مرجع قضایی درباره این مسائل و راجع به موضوع تعمق نکند، تعیین کارشناس در سه رشته کار ساده‌ای است و چنین روندی از اطاله دادرسی جلوگیری می‌کند.

نکته دیگر در هیئت‌های کارشناسی، ناهماهنگی بین اعضای هیئت کارشناسی است. فرضاً سه نفر به عنوان هیئت کارشناسی تعیین می‌شوند، اما سرگروه و سرکارشناس ندارند و خودشان برحسب تجربه، فرد پیشکسوت‌تر و توانمندتر را تعیین می‌کنند تا کار انجام شود و به عقیده من، این نقصی است که باید مرتفع شود. باز در بحث هیئت کارشناسی، یک کارشناس از مرکز مشاوران تعیین می‌شود، دو کارشناس از کانون کارشناسان، یا بالعکس؛ این روند نیز به دلایلی که همه ما می‌دانیم، در هماهنگی و اظهار نظر تاخیر ایجاد می‌کند. حتی در بحث تخصص، می‌بینیم که بعضاً تخصص‌ها مقداری متفاوت هستند که این موضوع هم در نظریه کارشناسی تأثیر می‌گذارد. مسئله بعدی «عدم ایداع هزینه کارشناسی» است.

در اینجا کارشناس چه تقصیری دارد؟! کارشناس نظریه خود را روی پرونده بارگذاری می‌کند و به اصحاب پرونده ابلاغ می‌شود تا هزینه را پرداخت کنند. حال ممکن است که وکیل پرونده یا عضوی از اصحاب پرونده، به هر نحوی از نظریه کارشناسی اطلاع پیدا کند و متوجه شود که نظریه به ضرر او است و هزینه کارشناسی هم سنگین است؛ در چنین مواردی اگر فرد این هزینه را پرداخت نکند و نیاید و پرونده هم معطل بماند؛ ما باید برای حفظ حقوق طرف دعوا، یک راهکاری اتخاذ کنیم. در سال ۹۹ دستورالعمل «ساماندهی زمان و فرآیند کارشناسی رسمی دادگستری» به تصویب ریاست قوه قضاییه وقت رسید که در دوره شهید رئیسی، مصوب و ابلاغ شده است. اگرچه این دستورالعمل نواقص و ابهامات بسیار زیادی دارد؛ ولی حتی اگر ما بتوانیم همین دستورالعمل را اجرا کنیم، مفید و مؤثر خواهد بود. به نظر می‌رسد در جلسات آینده باید محوریت را بر تکمیل این دستورالعمل‌ها قرار دهیم تا به تصویب ریاست قضایی برسد؛ یا اینکه برای جلسات خود هیئت‌های تخصصی، رویه عملی بشود.



ندارد، اما به شخصه معتقدم مسائل به قدری متنوع هستند که می‌توانیم بیان کنیم و در جلسات تخصصی این موضوعات را دنبال کنیم تا به جایی برسیم که خلأهای موجود در نحوه انجام کارشناسی را با توجه به دستورالعمل‌های موجود در مجتمع‌های قضایی، و با همکاری ریاست مجتمع قضایی و رؤسای مجتمع‌های قضایی رفع کنیم و به نتیجه برسانیم.

یکی از مسائل و دغدغه‌های همکاران ما در بحث کارشناسی «عدم تناسب مدت زمان مندرج در ابلاغیه‌ها» است. به صورت روتین، زمان مشخصی بدون توجه به حجم پرونده به همه ابلاغ می‌شود. به طور نمونه ما یک پرونده پروژه سدسازی در دادگاه کیفری یک تهران داریم که طی ۷ سال گذشته در حال رسیدگی بوده، ولی کارشناسی تنها در دو سال اخیر ورود پیدا کرده است. این پرونده ۲۲ متهم دارد و بدیهی است که این کارشناسی با این حجم پرونده سنگین، زمان می‌برد. من اعتقاد دارم که در چنین مواردی، اطاله در شرایط

پرونده شاید به معنای واقعی اطاله نباشد. ضرورت کارشناسی دقیق و حتی طولانی، لازمه اتقان تصمیمات قضایی خواهد بود.

یکی از مشکلات در بحث قرارهای کارشناسی این است که قرارها بعضاً هیچ انطباقی با موضوع پرونده ندارد و یا اگر انطباق دارد، فاقد جزئیات کامل است؛ یعنی کارشناس کار را انجام می‌دهد، ولی ممکن است قاضی ایراد بگیرد که فرضاً

درباره یک قسمتی اظهار نظر نشده است و دستور دهد که کارشناسی باید دوباره انجام شود. در این شرایط کارشناس مجبور است این کار را انجام بدهد؛ یا اینکه خواسته‌ای که اصحاب پرونده دارند، با قرار کارشناسی که صورت گرفته است، باز همیوشانی ندارد.

یکی دیگر از مشکلات ما مربوط به بحث هیئت‌های کارشناسی است. به طور نمونه، یک هیئت کارشناسی در پرونده‌ای که موضوعات مختلفی دارد، تعیین می‌شود. گاهی همه کارشناس‌ها از رشته ساختمان هستند؛ درحالی که گاهی ممکن است تنها یک نفر از رشته ساختمان نیاز باشد و در کنار آن، به یک کارشناس مالی و یک کارشناس ماشین‌آلات



سرپرست مجتمع قضایی شهید بهشتی بررسی کرد:

نقش بی‌شبهه کارشناسان در صدور آرای عادلانه آثار مخرب ابهام در نظریه‌های کارشناسی

سرپرست مجتمع قضایی شهید بهشتی، کارشناسی را یک ابزار حیاتی در کشف حقیقت و یاری‌رسان قاضی در موضوعات تخصصی دانست و ضمن بررسی علل و مصادیق ابهامات در نظرات کارشناسی، به بیان آثار ابهام بر فرآیند دادرسی و تأثیرات اجتماعی و حقوقی آن پرداخت.

دکتر امیررضا دهقانی‌نیا در همایش «رئیس کل، معاونان، مدیران و روسای مجتمع‌های قضایی دادگستری استان تهران با اعضای هیئت مدیره و هیئت رئیسه گروه‌های تخصصی قانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران» با بررسی موضوع «آسیب‌شناسی ابهام در نظریه کارشناسی دادگاه‌ها و تأثیر آن بر عدالت و امنیت قضایی» اظهار داشت: به عنوان یک قاضی در هیچ پرونده‌ای بدون نظر کارشناسی قلم نزنم و ارزش و نظر کارشناسی به ویژه کارشناسان رسمی باتجربه، برای من فوق العاده‌ای قیمت بوده است.

وی ادامه داد: کارشناسی یک ابزار حیاتی در کشف حقیقت و یاری‌رسان قاضی در موضوعات تخصصی است. با این حال امروز ابهام در نظرات کارشناسی، معضلات شایعی را در پرونده‌های قضایی ایجاد کرده و زمینه‌ساز اختلال در فرآیند دادرسی، تضعیف اعتماد عمومی و خدشه‌دار شدن اصول دادرسی منصفانه شده است.

دهقانی‌نیا اضافه کرد: از همین رو به صورت گذرا به بررسی علل و مصادیق ابهامات در نظرات کارشناسی، تحلیل آثار ابهام بر فرآیند دادرسی، ارزیابی تأثیرات اجتماعی، حقوقی و دکتینال ابهام در بحث نظریات کارشناسی می‌پردازم و ضمن ارائه پیشنهادهای در این زمینه، به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهم که ابهام در نظریه کارشناسی چه انواع و مصادیقی دارد؛ این ابهام چه تأثیری در دادرسی عادلانه دارد و چه راهکارهایی را می‌توانیم در راستای بهبود نظرات کارشناسی پیشنهاد بدهیم.



کارشناسان در حوزه «موضوعی» اظهارنظر می‌کنند، اما مرز میان «موضوع» و «حکم»، مرز بسیار باریکی است که گاهی شناخت حکم و تفکیک آن از موضوع، حتی برای قاضی و کارشناس امر بسیار دشواری است

تبعات ابهام در نظریه کارشناسی

وی با تأکید بر اینکه ابهام در نظریه کارشناسی، موجب تزلزل در صدور رأی قضایی و کاهش اعتماد عمومی به عدالت می‌شود؛ فقدان دستورالعمل‌های نگارشی و نظارت موثر بر کارشناسان رسمی، به لحاظ ضعف تقنینی را از علل مهم بروز ابهام دانست و گفت: امروز ابهام در نظریه کارشناسی، یک چالش چندلایه در نظام قضایی کشور است، که از سطح فردی کارشناسان، تا ساختارهای نظارتی و قانون‌گذاری کشور را درگیر خود کرده است.

دهقانی‌نیا با یادآوری این موضوع که این پدیده نه تنها دادرسی عادلانه را تهدید می‌کند، بلکه اعتماد عمومی به عدالت را نیز مخدوش می‌کند، اظهار داشت: مقابله با آن نیازمند اصلاح ساختاری، آموزش محوری، نظارت محوری و اصلاح تقنینی است.

مفهوم ابهام در نظریه کارشناسی

سرپرست مجتمع قضایی شهید بهشتی درخصوص مفهوم ابهام بیان کرد: ابهام در نظریه کارشناسی، اساساً به معنای نبود شفافیت، نبود استدلال کافی، یا وجود تناقض است. این مسئله اطلاع دادرسی را به همراه دارد. هرچند به شخصه به واژه «اطاله دادرسی» تاحدودی منتقد هستم. در مقدمه آیین دادرسی فرانسه می‌خوانیم: «آیین دادرسی وضع شد تا قاضی بتواند در پرتو فرصت کافی، به کشف گوهر ناب عدالت بپردازد. اطراف را صدا کند، صحبت‌ها را بشنود.» از همین رو به یک معنایی، اطلاع دادرسی اگر مستند به قواعد دادرسی باشد، درواقع اطلاع نیست. آنچه که خطرناک است، «اطاله در اجرا» است، ولی در میان ما به «اطاله در دادرسی» باب شده که این نکته مهمی است.

دهقانی‌نیا تأکید کرد: اما اطلاع در دادرسی را حتی در قواعد حقوقی دنیا و نظام‌های شکلی هم، درخصوص تأخیر در ارائه نظرات کارشناسی به کار می‌برند، به شرط اینکه بدون استمحال و بدون موافقت دادگاه باشد.

راهکارهای مقابله با ابهام

وی درباره راهکارهای مقابله با این ابهام و مصادیق آن برای تقویت عدالت قضایی بیان کرد: لازم است به این نکته توجه کنیم که

کارشناسان در حوزه «موضوعی» اظهارنظر می‌کنند، اما مرز میان «موضوع» و «حکم»، مرز بسیار باریکی است که گاهی شناخت حکم و تفکیک آن از موضوع، حتی برای قاضی و کارشناس امر بسیار دشواری است. به همین دلیل، در بسیاری از موارد نقش یک کارشناس و تجربه و نظریه او در حکم عادلانه تأثیر دارد. هرچند کارشناس نباید حکم بدهد، اما همه ما قضات می‌دانیم، گاهی اوقات موضوعی که تبیین می‌شود، تنه به تنه حکم در تعیین خواسته دارد.

این مسئول قضایی اضافه کرد: همانطور که اشاره شد، درخصوص مصادیق ابهام، مواردی همچون استفاده از اصطلاحات مبهم؛ ضعف در ارائه دلیل علمی؛ تناقض در بخش‌های مختلف نظریه و نیز عدم استناد به منابع تخصصی مطرح است.

علل بروز ابهام و آثار آن

دهقانی‌نیا درباره علل بروز ابهام گفت: ضعف دانش تخصصی به‌ویژه در کارشناسان جوان؛ بی‌توجهی به اصول نگارش حقوقی؛ نبود یک دستورالعمل ساختاریافته و جامع و همچنین مداخلات یا نفوذ بیرونی، از علل بروز ابهام است.

وی در ادامه با اشاره به آثار ابهام بر فرآیند قضایی تصریح کرد: آثار ابهام بر فرآیند قضایی شامل تزلزل در رأی دادگاه؛ افزایش تجدیدنظرخواهی؛ اطلاع دادرسی به این معنا؛ و کاهش کیفیت رسیدگی است.

به گفته دهقانی‌نیا، نکته دردناک‌تر و عمیق‌تر، تأثیر ابهام بر عدالت و امنیت قضایی است. وقتی این ابهامات رخ می‌دهد، عدالت ادراکی در نگاه مردم ضعیف می‌شود. یعنی احساس عدالت در بین اصحاب دعوا از بین می‌رود؛ بر اعتماد عمومی تأثیر می‌گذارد؛ همچنین امنیت حقوقی و پیش‌بینی‌پذیری را از بین می‌برد.

مصادیق ابهام در نظریات کارشناسی

وی همچنین به برخی از مصادیق ابهام در نظریات اشاره کرد و توضیح داد: ابهام در واژگان از مصادیق ابهام است. از آنجایی که ما با متن مکتوب مواجهیم، ابهام در واژگان زمانی پدید می‌آید که اصطلاحات یا عبارت‌های به کار رفته در نظریه کارشناسی، فاقد تعریف روشن و یا

کند؛ چون ممکن است تجربیات شخصی یک کارشناس با تجربیات شخصی کارشناس دیگر متفاوت باشد.

آثار سوء کلی‌گویی در نظریه‌های کارشناسی

دهقانی‌نیا همچنین با اشاره به کلی‌گویی و اجتناب از بیان جزئیات فنی در نظریه کارشناسی گفت: به طور مثال، عباراتی مانند «ملک در شرایط نامناسبی قرار دارد» یا «خسارت وارده زیاد است» کلی‌گویی است. وقتی نوشته شده «خسارت وارده زیاد است»، درواقع به میزان آسیب، برآورد مالی، مقایسه (حداقل با املاک مشابه) و... توجه نشده و عبارات اینچنینی از اعتبار کارشناسی به جهت ابهام کم می‌کنند. در عین حال «ارجاع مبهم به اسناد و مقررات» موجب ابهام در نظریه می‌شود. یعنی کارشناس بدون ذکر دقیق ماده قانونی نوشته: «مطابق مقررات مربوطه» یا «براساس ضوابط شهرسازی»، اما به طور دقیق مشخص نیست منظور کدام مقررات و ضوابط است.

سرپرست مجتمع قضایی شهید بهشتی تأکید کرد: از همین رو برای جلوگیری از سوءبرداشت و افزایش شفافیت در نظریات کارشناسی باید از واژگان دقیق، استاندارد، تعریف‌شده و با معیارهای قابل اندازه‌گیری صحبت شود. کارشناس درصورت استفاده از اصطلاحات تخصصی برای قاضی و اطراف پرونده، مستندات علمی خود را باید کاملاً روشن و واضح تعریف کند.

پیش‌شرط صدور آرای عادلانه

دهقانی‌نیا با بیان اینکه در حال حاضر ما زیربار فشار سنگین پرونده‌ها و تعداد بالای پرونده‌های تهران هستیم، تشریح کرد: این حجم کثیر پرونده‌ها، حتی دامنگیر دیوان عالی کشور شده است. به طور نمونه، استناد به نظریه کارشناسی یک پرونده دیگر، اشکالاتی را در آرا به وجود می‌آورد. همچنین استناد به نظریه کارشناسی قدیمی در شرایط اقتصادی متغیر، مشکل‌ساز است. به عبارتی در طول مدت اعتبار ۶ ماهه، ما هم احتیاج به تقنین جدید و هم احتیاج به نظارت جدی داریم. یعنی لازم است در تقنین و یا دادستانی، خود کارشناسان ورود کنند و فارغ از اصحاب دعوا از تفسیرهایی که ما را به سمت اعتبار نظریات قدیمی در وضعیت

نسبی هستند، تفسیربردار یا گنگ هستند. این ابهام، فهم نظریه را برای قاضی و طرفین دشوار می‌کند.

دهقانی‌نیا بیان کرد: ابهام در نظریات کارشناسی، برداشت‌های مختلفی از یک متن واحد را به وجود می‌آورد. به طور مثال، کارشناس در نظریه خود از اصطلاحات نسبی یا ارزشی بدون معیار مشخص استفاده می‌کند. فرض کنید، کارشناس در نظرات خود عبارات «به مقدار قابل توجهی آسیب دیده»، یا «قیمت در حدود متعارف»، یا «کار فاقد کیفیت لازم» را به کار برده است. درحالی‌که این عبارات بدون تعیین معیار کمی (از قبیل درصد آسیب، قیمت منطقه‌ای، استاندارد کیفی مرجع) فاقد دقت حقوقی است و اشکال ایجاد می‌کند.

وی افزود: یا اینکه کارشناس، اصطلاحات فنی بدون تعریف را در نظریه به کار می‌برد. درحالی‌که ممکن است ما قضات در بسیاری از موضوعات، تخصص کافی نداشته باشیم. به همین دلیل اگر یک کارشناس اصطلاح فنی و تخصصی به کار می‌برد، لازم است در مواردی این اصطلاحات را تعریف کند. به عنوان مثال کارشناس در یکی از نظرات نوشته بود که «اتصالات جوشی دچار گسیختگی نرم شده‌اند.» یا «سازه دچار پیچش غیرالاستیک شده است.» برای ارباب رجوع معنی این جمله نامفهوم بود و سوال می‌کرد که آیا این نظریه به نفع یا ضرر من است و هر کدام یک تفسیری می‌کردند.

دهقانی‌نیا با انتقاد از اینکه اصحاب دعوا و وکلا برای ایجاد حق برای خودشان، به این کلمات لغزنده و مبهم دست می‌زنند، گفت: به این ترتیب قاضی را در جریان رسیدگی و فرآیند دادرسی دچار اشکال می‌کنند، خود شما [کارشناسان] را هم دچار اشکال می‌کنند.

وی در ادامه توضیح داد: «عباراتی با بار تفسیر ذهنی» نیز جزو ابهامات است. به این معنا که کارشناس در نظریه خود از عبارات «به نظر این جانب» یا «براساس تجربه شخصی» استفاده می‌کند، اما درواقع وقتی شما به دنیای کارشناسی در حوزه علوم مدرن مراجعه می‌کنید، اجازه نوشتن چنین عباراتی را نمی‌دهند. چون این به معنای نظریه سلیقه‌ای است و کارشناس باید براساس مستندات علمی یا کاملاً فنی اظهار نظر کند. کارشناس حق ندارد در نظریه از عبارت «براساس تجربیات شخصی من» استفاده



امروز ابهام در نظریه کارشناسی، یک چالش چندلایه در نظام قضایی کشور است که از سطح فردی کارشناسان، تا ساختارهای نظارتی و قانون‌گذاری کشور را درگیر خود کرده است



اقتصادی متغیر و بحرانی کشور سوق می‌دهد، دوری کنیم.

وی با ارائه مثالی دیگر ادامه داد: یادری یکی از آرای دیوان عالی کشور، دادگاه به نظریه کارشناسی ارائه شده در تعیین اجرت‌المثل استناد می‌کند، درحالی‌که این نظریه مربوط به گذشته بوده و تغییرات سریع اقتصادی در این حوزه کاملاً تغییر کرده است. لذا این رأی به نظر من رأی معیوب است و هیچ‌کس را راضی نخواهد کرد. این مقام قضایی با بیان اینکه بعضاً در آرای دیوان عالی کشور به نظرات کارشناسی فاقد مستندات و جزئیات استناد می‌شود، تأکید کرد: واقعیت این است که کارشناس نقش غیرقابل انکاری در صدور یک رأی عادلانه دارد. در برخی موارد شاهدیم که نظریه کارشناسی از ارقام، مشخصات و جزئیات برخوردار نیست. در یکی از آرا، استناد دادگاه به چنین نظری بدون بررسی صحت و سقم، یک رأی ناعادلانه را در دیوان عالی کشور رقم زد و پس از بررسی متوجه شدند که منشأ این رأی ناعادلانه، نظریه کارشناسی بدون

دقت بود.

دهقانی‌نیا استناد به نظریه کارشناسی منطبق با «اوضاع و احوال مسلم قضیه» را هم ازجمله عبارات لغزنده و مبهم برشمرد و تصریح کرد: برای اشاره به اوضاع و احوال قضیه در نظریه کارشناسی، باید حتماً اسناد رسمی، تاریخ‌های دقیق، اوضاع و شرایط به صورت ریز و جزئی گفته شود و به طور قطع احتیاج به نظارت مراجع نظارتی دارد.

سرپرست مجتمع قضایی شهید بهشتی درپایان خاطرنشان کرد: استناد و نظرات کارشناسی مبهم، فاقد مستندات، منطبق با شرایط گذشته، بدون توجه به تغییرات فعلی، بدون اطلاع و حق اعتراض طرفین، منجر به صدور آرای معیوب و ناعادلانه به‌ویژه در وضعیت فعلی محاکم که هم با کمبود قاضی و هم با حجم کثیر پرونده‌ها مواجهیم، می‌شود. از همین رو باید نظرات کارشناسی شفاف، مستند، به‌روز، با حق دفاع و اعتراض و غیرقابل تفسیر و برداشت‌های چندگانه ارائه شود.



سرپرست مجتمع قضایی ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی تشریح کرد:

سازوکار استفاده از نظریه‌های تخصصی کارشناسان مسامحه؛ پیش‌تاز تخلفات کارشناسی

سرپرست مجتمع قضایی ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی، ضمن بیان اظهاراتی درخصوص ابهامات در صدور قرار ارجاع امر به کارشناسی و تخلفات در این حوزه، تأکید کرد: در تلاطم کسب و پی بردن به واقعیت، یکی از بسترهای قانونی موجود، استفاده از نظریه‌های تخصصی کارشناسان رسمی دادگستری است.

تشریح این سه مرحله بیان کرد: مرحله اول، صدور قرار ارجاع امر به کارشناس است. مرحله دوم، انجام هماهنگی و مرحله سوم، انجام کارشناسی است. یعنی اگر این سه مرحله را به طور جداگانه مورد بررسی قرار دهیم، نقاط ضعف اطلاع دادرسی یا ابهامات هم خودش را نشان می‌دهد.

مرحله اول؛ صدور قرار ارجاع امر به کارشناس
فرخ‌نیا با بیان اینکه در مرحله صدور قرار ارجاع

سه مرحله استفاده از نظرات کارشناسی

دکتر محمد فرخ‌نیا در همایش «رئیس کل، معاونان، مدیران و روسای مجتمع‌های قضایی دادگستری استان تهران با اعضای هیئت مدیره و هیئت رئیسه گروه‌های تخصصی قانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران» با بیان اینکه فرآیند استفاده از نظریه‌های تخصصی کارشناسان در سه مرحله قابل تعریف است، افزود: برای رسیدن به یک نتیجه مطلوب باید از سه مرحله گذر کنیم. وی در



فرآیند استفاده
از نظریه‌های
تخصصی
کارشناسان در سه
مرحله قابل تعریف
است. مرحله اول،
صدور قرار ارجاع
امر به کارشناس
است. مرحله دوم،
انجام هماهنگی و
مرحله سوم، انجام
کارشناسی است

مرحله دوم؛ ایجاد هماهنگی

وی مرحله دوم در فرآیند استفاده از نظریه‌های تخصصی کارشناسان را مرحله ایجاد هماهنگی عنوان کرد و گفت: بعد از اینکه قرار کارشناسی وزین با آن مشخصه‌ها صادر شد، ایجاد هماهنگی، در مرحله دوم است. یعنی هدایت کارشناس به سمت اصحاب پرونده را باید مدیریت و مراقبت کنیم. چون در بعضی موارد، بستر یکسری از حواشی، رفتارهایی است که شأن کارشناس هم رعایت نمی‌شود.

فرخ‌نیا در ادامه با اشاره به حواشی قضیه و راهکار پیشنهادی برای مقابله با این حواشی، تصریح کرد: ما قضات به طور مکرر این گلایه را از کارشناسان می‌شنویم که اصحاب پرونده به تماس تلفنی آنها پاسخ نمی‌دهند و یا مدارک را تحویل نمی‌دهند. یا اصحاب پرونده عنوان می‌کنند که کارشناس مدارک را از آنها تحویل نگرفته است. لذا تجربه شخصی من این است که برای ایجاد هماهنگی و پرهیز از بروز حاشیه و تسریع در فرآیند کارشناسی، در پرونده‌های مهم ابلاغیه‌ای را برای اصحاب پرونده می‌فرستم که در تاریخ و ساعت مشخصی در دفتر شعبه برای تحویل مدارک و مستندات به شعبه یا به کارشناس پرونده، حضور پیدا کنند. این روند باعث می‌شود که مستندات، مدارک و لواایح خود را در دفتر شعبه تحویل دهند و در همان جا هماهنگی لازم را بدون هیچ گونه دخالتی انجام می‌دهیم.

وی افزود: همچنین این امکان وجود دارد که هماهنگی در محل صورت بگیرد؛ یعنی در تاریخ و ساعت مشخصی در محل حاضر شوند. این به معنی ایجاد هماهنگی است و مقام قضایی علاوه بر این موارد، باید از کارشناس حمایت و او را به ارگان‌های مختلف معرفی کند تا بتوانند مدارک را در اختیارش قرار بدهند. پس ایجاد هماهنگی مرحله دوم است. چون یکی از موارد اطاله دادرسی این است که کارشناس نباید رها بشود و درگیر بحث و مقابله با اصحاب پرونده برای تحویل مدارک شود.

مرحله سوم؛ انجام کارشناسی

سرپرست مجتمع قضایی ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی، درباره مرحله سوم در فرآیند

امر به کارشناس، می‌توانیم سه محور را که شاکله صدور قرار کارشناسی است، مورد بررسی قرار دهیم، توضیح داد: محور اول، ضرورت ارجاع امر به کارشناس است.

وی افزود: در قانون آیین دادرسی کیفری، از «ضرورت» و در آیین دادرسی مدنی، از «لزوم» یاد شده است. باید مشخص شود که چرا پرونده به کارشناس ارجاع می‌شود و هدف نهایی این رویکرد چیست. فرضاً عنوان می‌شود که هدف، بررسی یک مدرک در گمرک، یا میزان تصرف همسایه به ملک همسایه است. پس باید یک هدف غایی و یک ضرورتی معین شود که کارشناس درباره آن نظر بدهد.

این مقام قضایی درباره محور دوم اظهار داشت: محور دوم، محور ارائه طریق است و منظور از ارائه طریق، تبیین معیارهای سنجش و ارزیابی است؛ یعنی مشخص شود که کارشناس باید در چه مسیری حرکت کند و این سنجش را انجام دهد. آیا بناست به یک اداره خاص یا دفترخانه مراجعه کند؟ یا سند مسلم الصدوری را باید ببیند؟ درواقع کارشناس باید هدایت شود. پس ارائه طریق و تعیین معیار سنجش، از اهمیت بالایی برخوردار است.

وی ادامه داد: حال ممکن است گفته شود که قاضی تخصص ندارد. اتفاقاً قضات در امور خاص تخصص دارند، اما در اینجا منظور، تخصص در ارجاع و طریقه هدایت است. پس قاضی می‌تواند از کارشناس و یا حتی از طرفین و اصحاب پرونده بپرسد که موضوع مدنظرشان چیست و در این پرونده چه خواسته‌ای دارند. پس ارائه طریق از اهمیت برخوردار است.

فرخ‌نیا در ادامه بیان کرد: محور سوم در بحث ارجاع امر به کارشناس، چالشی است که باید مورد توجه قرار بگیرد و این موضوع می‌تواند در قالب سوالات مطرح شود. پس با نامشخص بودن ضرورت، با نامشخص بودن معیارهای سنجش و با نامشخص بودن سوالات و چالش‌ها، ابهام ایجاد می‌شود که موجب می‌شود اتفاقات و حواشی ناخوشایندی در پرونده رخ دهد؛ از اظهارنظر کارشناسی خارج از صلاحیت گرفته، تا تاخیر و اطاله‌ای که بعضاً در این موارد صورت می‌گیرد و حواشی دیگر.



خصوص وجود دارد. بخشی از آن ناشی از بی‌تفاوتی است که ممکن است گاهی کارشناسان دچار آن شوند. یعنی تصور می‌کنند که اگر تاخیری در ارائه نظریه کارشناسی داشته باشند، قاضی تخلفی را برای آنها اعلام نمی‌کند. از طرفی، کارشناسان پیشکسوت و متخصص کمتر علاقه‌مند به مراجعه به سامانه هستند و این موضوع باعث بروز مشکلاتی در این حوزه می‌شود.

فروخ‌نیا درباره سایر علل احتمالی تاخیر در ارائه نظریه کارشناسی گفت: یکی دیگر از دلایل این است که ممکن است قضات، مهلت کافی به کارشناسان نداده باشند. همچنین ممکن است موضوع کارشناسی پیچیده یا زمانبر باشد. یا اینکه طرفین مدارک را تحویل نداده باشند که به راهکار آن اشاره شد.

وی درباره اینکه چرا کارشناسان دچار تخلف می‌شوند، پاسخ داد: کارشناسان آشنایی با مقرره قانونی ندارند. یعنی در جایی که باید عذر موجه خود را به صورت کتبی اعلام و علت تاخیر در ارائه نظریه کارشناسی را بیان کنند، تا قاضی پی ببرد که کارشناس بر موضوع مسلط است،

استفاده از نظریه‌های تخصصی کارشناسان گفت: مرحله سوم که مرحله پایانی است و متولی آن کارشناسان هستند، ارائه نظریه کارشناسی است.

آمار تخلفات کارشناسی در سال گذشته

وی با ارائه آماری از تخلفات کارشناسی در سال گذشته تصریح کرد: طی بررسی اجمالی که در سال ۱۴۰۳ به عمل آوردیم، مشخص شد از ۵۲ رأی محکومیتی که برای کارشناسان صادر شده است، ۲۷ پرونده به خاطر مسامحه و سهل‌انگاری کارشناسان است. یعنی بیش از نیمی از تخلفات کارشناسان، به خاطر مسامحه و سهل‌انگاری است. یک چهارم تخلفات به خاطر عدم ارائه به موقع نظریه کارشناسی و تاخیر در آن است. یک چهارم باقی‌مانده نیز مربوط به سایر تخلفاتی است که در حوزه کارشناسی وجود دارد.

علل تاخیر در ارائه نظریه کارشناسی

وی در مورد علل عدم ارائه به موقع نظریه کارشناسی گفت: عوامل مختلفی در این

د

از ۵۲ رأی محکومیتی که برای کارشناسان صادر شده، ۲۷ پرونده به خاطر مسامحه و سهل‌انگاری کارشناسان است. یعنی بیش از نیمی از تخلفات کارشناسان، به خاطر مسامحه و سهل‌انگاری است

اثرگذار باشد و چه نباشد، باز هم سهل انگاری و مسامحه محرز است.

یعنی قانون گذار، یک خطای غیرعمدی را که به دلیل غفلت و بی احتیاطی صورت می گیرد، به عنوان تخلف قرار داده است.

وی با اشاره به مصادیقی در حوزه مسامحه کارشناسان اظهار داشت: مصداق اول این است که گاهی به خاطر عدم تخصص این اتفاق رخ می دهد، یعنی اینکه توانایی علمی کافی نیست و مشورت هم گرفته نمی شود و در نهایت مسامحه صورت می گیرد. دومین مصداق، عدم مراجعه به مراجع مربوطه و ذی صلاح است، در حالی که باید به این مراجع مراجعه شود. فرضاً در مواردی شاهد بودیم که کارشناس رسمی دادگستری درباره حسابرسی نظر داده، از او سوال پرسیده شده که این مبلغ را چگونه به دست آورده و پاسخ داده از طریق پرینتی که اصحاب پرونده به او داده است! سوال این است؛ کارشناس به چه علت به اصحاب پرونده اعتماد می کند و چرا خودش به بانک مراجعه نکرده است؟

اما به خاطر پیچیدگی پرونده این تعلل صورت گرفته است، از اعلام عذر موجه خودداری می کنند. به این ترتیب به خاطر عدم اعلام عذر موجه، تخلف خودشان را ثابت می کنند. پس این موضوع باید مورد توجه کارشناسان قرار بگیرد.

نکاتی درخصوص مسامحه کارشناسان

این مقام قضایی با بیان چند نکته درخصوص مسامحه کارشناسان گفت: در مورد مسامحه و سهل انگاری، نکته اول آن است که این تخلف نیازی به سوءنیت مجرمانه ندارد. نکته دوم آن است که نیازی به نقض مقررات نیست. یعنی کارشناس بیان می کند که مقرراتی را نقض نکرده است.

در حالی که اصلاً به نقض مقررات نیاز ندارد، چون نقض مقررات خود تخلفی جداگانه در سایر تخلفات است و اصلاً موضوع مسامحه نیست. همین که در سایر تخلفات آمده، یعنی مسامحه نیاز به نقض مقررات ندارد. نکته سوم این است که چه در تصمیم قضایی

مسئله مبتلا به هیئت های کارشناسی

فرخ نیا در بخش پایانی اظهارات خود، با اشاره به یک رویه اشتباه در هیئت های کارشناسی گفت: متأسفانه یک روند اشتباه، مبتلا به هیئت های کارشناسی است. یعنی فرضاً اگر پرونده به هیئت سه نفره کارشناسی ارجاع می شود، بنا بر این است که سه نگاه و توجه به آن پرونده صورت بگیرد، یا در هیئت پنج نفره کارشناسی، پنج نگاه و توجه به موضوع پرونده صورت بگیرد. در حالی که شاهدیم در هیئت ها به تعداد نفرات، کارها را بین خود تقسیم می کنند! یعنی فرضاً در هیئت سه نفره کارشناسی، یک کارشناس مسئول مراجعه به دفترخانه می شود، کارشناس دیگر به شهرداری مراجعه می کند و کارشناس سوم به اداره ثبت می رود. در اینجا بحث بی اعتمادی به اعضای هیئت کارشناسی مطرح نیست که نکند کار خود را به درستی انجام ندهند؛ بحث این است که اگر هر کدام از کارشناسان به صورت جداگانه مسیر صحیح و درست کارشناسی را طی کنند، ممکن است نگاه دقیق تری به پرونده صورت بگیرد و به این ترتیب، مسائل پشت پرده با نگاه های تیزبین کارشناسان کشف شود. بر این اساس، بنا نیست در هیئت های کارشناسی سه یا پنج نفره، کارها به یک سوم و یک پنجم تبدیل شود. بنا بر این است که نگاه و توجه کارشناسان به موضوع پرونده سه برابر و پنج برابر شود.

وی خاطرنشان کرد: موضوع دیگر این است که فرضاً کارشناس به نهادهای موردنیاز مراجعه و کارها را به درستی انجام می دهد، اما دقت کافی در پرونده اعمال نمی کند.



معاون دادستان انتظامی کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران تاکید کرد:

رفع اطاله دادرسی در گرو اصلاح شیوه قرارنویسی

معاون دادستان انتظامی کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران با تاکید بر اینکه بخش عمده‌ای از موارد مربوط به اطاله دادرسی با اصلاح شیوه قرارنویسی مرتفع خواهد شد، خواستار تخصصی شدن قرارنویسی از سوی قضات دادگستری شد. پدram بهین‌شاد در همایش «رئیس کل، معاونان، مدیران و روسای مجتمع‌های قضایی دادگستری استان تهران با اعضای هیئت مدیره و هیئت رئیسه گروه‌های تخصصی کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران» بیان کرد: ما در فرآیند رسیدگی به تخلفات کارشناسان، چه بخواهیم و چه نخواهیم، آرای دادگاه حقوقی و کیفری را هم پالایش می‌کنیم. هرچند این امر جزو وظایف ما نیست، ولی ناگزیر باید این کار را انجام دهیم و در غیر این صورت، در تصمیمی که می‌گیریم، عدالت را رعایت نخواهیم کرد.

در مورد کارشناسی یک صلاحیت متوازن و برابر بین قاضی و کارشناس داریم. یعنی در اینجا قانون‌گذار به طور استثنا دادگاه را به صورت ضمنی مکلف کرده که باید صلاحیت کارشناس را خودش مورد پالایش قرار دهد. در قانون آیین دادرسی مدنی، هم تاکید می‌کند که دادگاه، کارشناس مورد وثوق را از بین کارشناسان دارای صلاحیت انتخاب می‌کند؛ یعنی دادگاه مکلف است در اینجا صلاحیت را رعایت کند. از آن طرف در قانون کارشناسان می‌گوید که کارشناس باید در امر صاحب صلاحیت خودش اظهارنظر کند.

تبعات انتخاب کارشناسان فاقد صلاحیت

وی تاکید کرد: با این حال، در بحث تشخیص صلاحیت، در بسیاری از موارد می‌بینیم که کارشناس به اشتباه انتخاب می‌شود و وقتی کارشناس به دادگاه مراجعه می‌کند، بعضی از قضات نمی‌پذیرند و اگر کارشناس اظهارنظر نکند، تخلف محسوب می‌کنند.

بهین‌شاد با ارائه چند مصداق عینی در این زمینه بیان کرد: به طور نمونه قاضی دادگاه ما در دعوای تصرف عدوانی حقوقی، می‌نویسد: «قرار کارشناسی صادر می‌شود تا کارشناس با مراجعه به محل در مورد تصرف عدوانی اظهارنظر کند.» این پرونده دو سال طول کشید، فرجام‌خواهی کردند، تجدیدنظرخواهی نکردند. دیوان عالی کشور نقض کرد، به اعتبار عدم صلاحیت کارشناس در امری که اظهارنظر کرده و به جای قاضی تصرف را احراز کرده بود.

وی ادامه داد: یا اینکه در مجتمع قضایی شهید بهشتی در مورد دعوای تعدیل اجاره‌بها، موضوع قانون روابط موجر و مستاجر سال ۵۶ که یک

عمده تخلفات انتظامی به شیوه قرارنویسی برمی‌گردد

بهین‌شاد، علت العلل بروز تخلفات انتظامی توسط کارشناسان را در نحوه صدور قرار دانست و اظهار داشت: از نظر دادرسی انتظامی، علت عمده تخلفات به شیوه قرارنویسی برمی‌گردد. بنابراین اگر این مسئله حل شود، چالش اطاله دادرسی تا ۷۰ درصد مرتفع خواهد شد.

وی با بیان این مطلب افزود: طی یک سال گذشته با بررسی آماری پرونده‌ها پی برده‌ایم، از هر ده قرار که قضات دادگاه صادر کردند، هفت قرار قرار تپ است. یعنی فرضاً قاضی کارشناس راه و ساختمان انتخاب می‌کند. کارشناس اظهارنظر می‌کند، سپس هیئت سه نفره رسیدگی می‌کند، در نهایت رأی صادر و در تجدیدنظر قطعی می‌شود، اما شاکی شکایت می‌کند و پس از رسیدگی پی می‌بریم که موضوع، اظهارنظر خارج از صلاحیت است و کارشناس خارج از صلاحیت اظهارنظر کرده است. در نهایت برای کارشناس کیفرخواست صادر می‌کنیم؛ دادگاه انتظامی محکوم می‌کند، رأی قطعی می‌شود، اعاده دادرسی می‌کند، فرآیند دادرسی که دو سال در دستگاه قضایی طول کشیده، مجدداً فقط به خاطر همین موضوع به حالت اول اعاده می‌شود. متأسفانه بسیاری از افراد این قسمت از کار را نمی‌بینند.

بهین‌شاد ادامه داد: ما در قانون آیین دادرسی مدنی یا اساساً قانون آیین دادرسی کیفری، یک اصل داریم که به طور ضمنی می‌گوید: «تشخیص صلاحیت در هر دادگاه با دعوایی که به آن رسیدگی می‌کند، برعهده خودش است. یعنی خود دادگاه صلاحیت را تشخیص می‌دهد.» ما به طور استثنا

د

از نظر دادرسی انتظامی، علت عمده تخلفات به شیوه قرارنویسی برمی‌گردد. بنابراین اگر این مسئله حل شود، چالش اطاله دادرسی تا ۷۰ درصد مرتفع خواهد شد



قرارنویسی یک هنر
است و دست کمی
از صدور یک حکم
ندارد. هرچند
قضات ما بسیار
باسواد هستند،
اما متأسفانه
توانایی نوشتن قرار
تخصصی را ندارند

یکی از بازیگران معروف سینما و تئاتر کشورمان بود، دادگاه پس از صدور قرار کارشناسی از کارشناس می‌خواهد که براساس خواسته خواهان اظهارنظر کند. خواسته خواهان، مطالبه وجه قرارداد در تاریخ مشخصی بود. در نگاه اول تصورمان این است که این یک اختلاف مالی است و باید کارشناس حسابداری و حسابرسی تعیین شود؛ اما پس از بررسی متوجه می‌شویم که اصلاً در صلاحیت کارشناس حسابداری نبوده، یا اگر بوده کارشناس حسابداری فقط در یک مقطع از زمان می‌توانسته در نقش کارشناسی معین باشد. رأی صادر و به ما ارجاع شد، ما کفرخواست زدیم، رأی قطعی شد و دوباره اعاده دادرسی کرد.

ناتوانی قضات در نوشتن قرار تخصصی

معاون دادستان انتظامی کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران در پایان با تأکید بر اینکه قرارنویسی یک هنر است و دست کمی از صدور یک حکم ندارد، خاطرنشان کرد: هرچند قضات ما بسیار توانمند و باسواد هستند و در دوره تصدی دکتر قربانی و القاصی مهر، یک تحول اساسی در دادگستری ایجاد شده است، اما با توجه به بیش از دودهمه تجربه حرفه‌ای و مراجعات مکرر به دادگستری، دریافته‌ام که متأسفانه قضات ما توانایی نوشتن قرار تخصصی را ندارند.

وی افزود: فرضاً ما چگونه باید به یک قاضی بگوییم که مثلاً وقتی اختلاف راجع به سازه یک ساختمان است، بر اساس موضوع خواسته، قرار را تطبیق دهد با آنچه که منجر به نتیجه شود؟ بدیهی است که نمی‌تواند.

قانون استثنایی است، دادگاه به کارشناس یک نفره، سه نفره، ۵ نفره و ۹ نفره دعوی تعدیل اجاره بها را ارجاع داد و این فرآیند ۲۱ ماه طول کشید. وقتی که قاضی جدید، جایگزین قاضی قبلی شد، قرار عدم صلاحیت به صلاحیت شورای حل اختلاف (محاکم صلح کنونی) صادر کرد. یعنی بعد از ارجاع به این همه کارشناس، پرونده تعدیل اجاره بها عدم صلاحیت خورد، به شورای حل اختلاف رفت و جالب اینکه در شورا به هیئت ۱۱ نفره، ارجاع شد. جالب است در این پرونده شاکی از تمام کارشناسان یعنی بیش از ۲۵ کارشناس شکایت کرد، چون هر کدام یک نظری داده بودند. به دادگاه انتظامی ارجاع شد، تجدیدنظر تأیید کرد. در این پرونده ما اعتقاد به منع تعقیب داشتیم. مستندمان هم منطبق با قانون بود، دلایلش هم موجود بود.

بهین‌شاد با اشاره به یک نمونه دیگر اطاله دادرسی اظهار داشت: دادگاه در دعوی الزام به تنظیم سند، که ماهیت ورود به امر مالکیتی دارد، کارشناس امور ثبتی انتخاب کرده و از او خواسته تا «با بررسی مبیعه‌نامه اصحاب دعوا، تسلسل ایادی را احراز کند و بگوید کدام خریدار مقدم است، سپس با وضعیت طبیعت تطبیق دهد و اظهارنظر کند.» در این پرونده کارشناس ۱۱ صفحه گزارش نوشته و در نظریه به جای قاضی رأی داده، استدلال و نتیجه‌گیری کرده که این انتقال درست نبوده است.

وی با بیان اینکه ما به قاضی نمی‌توانیم بگوییم قرار تخصصی صادر کند، به یک نمونه پرونده دیگر در ارتباط با تعیین کارشناس فاقد صلاحیت اشاره کرد و گفت: در یک پرونده هزار میلیاردی که مربوط به



در پنل «عوامل موثر بر بروز تخلفات کارشناسان و راهکارهای کاهش آن» بررسی شد:

زوایای پنهان مسامحات کارشناسی خطر تصمیم‌گیری نهادهای موازی برای کانون کارشناسان

پنل «بررسی عوامل موثر بر بروز مسامحات و تخلفات پرتکرار در امور مربوط به کارشناسی و راهکارهای کاهش آن» در همایش «رئیس کل، معاونان، مدیران و روسای مجتمع‌های قضایی دادگستری استان تهران با اعضای هیئت مدیره و هیئت رئیسه گروه‌های تخصصی کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران» برگزار شد. در این پنل تخصصی دکتر امیررضا دهقانی‌نیا، سرپرست مجتمع شهید بهشتی؛ دکتر محمد فرخ‌نیا، سرپرست مجتمع قضایی ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی و قاضی دادگاه انتظامی کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران؛ و پدرام بهین‌شاد، معاون دادستان انتظامی کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران به ایراد سخنرانی پرداختند. اعضای پنل دوم آقایان دکتر کریم ملانوروزی، سرپرست مجتمع قضایی صلح ۱۰؛ مهندس فریبرز قاسمی، دادستان کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران؛ دکتر سید حمیدرضا حسینی، سرپرست مجتمع قضایی قدس؛ و مهندس شهریار سعادت، رئیس کمیسیون امور شکایات کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران بودند که در این پنل تخصصی حضور یافتند و به بررسی عوامل موثر بر تخلفات کارشناسی و راهکارهای مقابله با آنها پرداختند. مشروح این پنل را در ادامه این مطلب می‌خوانید:

را مینیمالی می‌بینیم. چون فکر می‌کنیم با یک اسم یا با یک پدیده به اسم کانون کارشناسان مواجهیم که یک جامعه همگن و هم‌شکل است؛ در حالی که واقعا اینطور نیست. کانون کارشناسان رسمی دادگستری رشته‌ها و مسائل متفاوتی دارد. به طور مثال، از نظر مسائل و مشکلاتی که وجود دارد، به هیچ عنوان نمی‌توانیم کارشناس نفقه را با کارشناس رشته حسابداری مقایسه کنیم؛ یا کارشناس تصادفات

لطفا درخصوص عوامل موثر بر بروز مسامحات و تخلفات پرتکرار کارشناسی و راهکارهای کاهش آن توضیح دهید.



دکتر کریم ملانوروزی، سرپرست مجتمع قضایی صلح ۱۰: اجازه بدهید چند نکته را به عنوان سرفصل بیان کنم. نکته اول اینکه ما در دستگاه قضایی، مباحث کارشناسی را تا حدودی مینیمالی می‌بینیم. خود کانون کارشناسان



ملانوروزی: اگر کانون کارشناسان اقدامات صریح و روشنی در مورد مسائل انجام ندهد، به زودی دستگاه‌های دیگر برای کانون تصمیم‌گیری می‌کنند. باید وارد این حوزه شوید و اجازه ندهید که دستگاه‌های دیگر ورود پیدا کنند



را نمی‌توانیم با کارشناس ساختمان، یا با کارشناس تاسیسات مقایسه کنیم. تصور می‌کنم که خود کانون کارشناسان هم به نوعی این نگاه مینیمالی را پذیرفته و در این کانون، همه خودشان را یک شکل می‌بینند، در حالی که معتقدم این تفاوت‌ها باید دیده شود و کانون کارشناسان به طور جدی‌تر از حیثیت خودش دفاع کند و بسیار تخصصی‌تر به مباحث بپردازد.

چه اشکالی دارد که رشته‌های مختلف برای خود مرام‌نامه، بخشنامه، اصول اخلاقی و اصول حرفه‌ای داشته باشند. شاید هم دارند، ولی به هر حال پررنگ نشده است. چه اشکالی دارد که کانون کارشناسان در رشته‌های مختلف، برای کادر اداری و حتی کادر قضایی و کارآموزان قضایی دوره‌های آموزشی برگزار کند. چه اشکالی دارد که درس کانون کارشناسان یا کارشناسی در نظام آموزشی ما گنجانده شود. ما واقعا در مسائل آموزشی خود ضعف داریم و به نظر می‌رسد که بسیار به راحتی از این مسائل پایه می‌گذریم. بسیاری از کارشناسان و مسئولان دستگاه عدلیه بیش از ۳۰ سال تجربه فعالیت در این حوزه را دارند و سوال این است که چرا باید این تجارب به نحو صحیح انتقال پیدا نکند؟ متأسفانه ما در انتقال تجربیات مان الکن هستیم و فقط به ذکر خاطره می‌پردازیم، ولی اجازه بدهید خاطره گفتن را کنار بگذاریم. بحث انتقال تجربیات بسیار مهم است. فرضاً وقتی که کارشناس یا هیئت سه نفره کارشناسی انتخاب می‌کنم، می‌بینم کارشناسانی انتخاب شده‌اند که اصلاً آنها را نمی‌شناسم. وقتی این کارشناسان را دعوت می‌کنیم و حاضر می‌شوند، می‌بینیم هر کدام‌شان یک یا دو

سال سابقه کار دارند. این ایرادی که در سیستم قرعه‌کشی وجود دارد، باید برطرف شود. این مسائل را کی می‌خواهیم بیان بکنیم؟ چرا خود کانون کارشناسان این مسائل را بیان نمی‌کند؛ مخصوصاً در دوره جدید که آقای دکتر قربانی حضور دارند. کانون باید از این ظرفیت‌پذیری و شنوایی که در دوره جدید وجود دارد، استفاده کند. چه اشکالی دارد که کانون کارشناسان در رشته‌های متفاوت و با نگاه دقیق، کتابچه‌های راهنما تنظیم کند. عنوان شد که کارشناسان از برخورد کادر اداری محاکم و دادسراها بسیار گله‌مند هستند. یعنی از همکاران قضایی گله ندارند، ولی از دفاتر گله دارند. چه اشکالی دارد دفاتری که نیروهای آنها به خوبی برخورد می‌کنند، شناسایی و با کمک محاکم تشویق شوند؟ با کمک محاکم تشویق کنید و یک درصدی از بودجه‌تان را به این امر اختصاص بدهید. نیروهای کارآمد را شناسایی و با حمایت محاکم تشویق کنید. به نظر من می‌توان کارهای بسیار روشن و صحیحی انجام داد. واقعا نیاز است کارشناسانی که ده‌ها سال تجربه دارند، تجربیات خودشان را در داخل کانون، به کارشناسان جوان‌تر انتقال بدهند.

اگر کانون کارشناسان اقدامات صریح و روشنی در مورد مسائل انجام ندهد، به زودی دستگاه‌های دیگر برای کانون تصمیم‌گیری می‌کنند. باید وارد این حوزه شوید و اجازه ندهید که دستگاه‌های دیگر ورود پیدا کنند. شما شایسته‌ترین‌ها هستید. نیروی نخبگانی که در کارشناسان وجود دارد، در هیچ سازمانی، در هیچ اداره‌ای و در هیچ NGO وجود ندارد. از این نیروها استفاده کنید.

مهندس فریبرز قاسمی، دادستان کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران: یکی از موضوعات بسیار مهمی که در این جلسه مطرح شد و اتفاقاً مهم‌ترین چالش است، «صدر قرارهای کلی، مبهم و فاقد جزئیات» است. در دادسرای انتظامی، ما معمولاً صرفاً پرونده را به عنوان یک مورد معمولی نمی‌بینیم. بلکه به عنوان یک مطالعه موردی (case study) می‌بینیم و نگاه‌مان نگاه جامعی است تا بتوانیم از تکرار چنین موضوعات و تخلفاتی جلوگیری کنیم. به عبارتی، در حد بضاعت خودمان آسیب‌شناسی کنیم. چون آسیب‌شناسی برای چنین موضوعی، احتیاج به یک تیم و سازوکاری دارد و به این راحتی میسر نیست. صدور قرارهای کلی، عموماً از این نگاه چالش‌برانگیز است که اگر یکی از طرفین دعوی، که به طور قطع بازنده خواهند شد، از



حسینی: تکلیف دادگاه در تشخیص صلاحیت کارشناس، منافاتی با تکلیف کارشناس برای تایید و تعیین صلاحیت خودش ندارد. اگر کارشناس صلاحیتش را احراز نکرد، می‌تواند با دادگاه مکاتبه کند. یا اگر در قرار کارشناسی، مواردی به صورت مبهم و به اجمال برگزار شده، تقاضای تفصیلش را بکنند. کار پیچیده‌ای نیست

این قرار استفاده کرده و در دادسراهای انتظامی استان‌ها ورود پیدا می‌کنند. به طور قطع وقتی قرار، کلی است؛ در یک جایی کارشناس از روی غفلت، به مسائلی ورود پیدا می‌کند که حکمی است.

چه باید بکنیم؟ آیا این روند را ادامه دهیم و بگذاریم به همین شکل پیش برود؟ ما می‌توانیم یک راه حل سریع، مثل یک مُسکن را در نظر بگیریم. به نظر می‌رسد که می‌توان از این اجتماع بیشترین بهره را برد. می‌خواهم در همین جا خواهش کنم که حداقل برای یک مورد یعنی همین قرارها، یک تدبیری بیندیشیم و راه حلی پیدا کنیم. ما اگر بتوانیم از خبرگانی که در دادگستری حضور دارند، نمایندگانی را انتخاب کنیم و معرفی شوند و همچنین از خبرگان کارشناس، یک تیم یا گروهی را تشکیل دهیم که این تیم، در گروه کارشناسی، به عنوان بازوی خدام بررسی کند و بر اساس صلاحیت‌هایی که ما داریم، پیشنهاد بدهد برای صدور دستور قرار موضوع صلاحیت رشته‌ها (فرضا در رشته کشاورزی که شامل چندین زیررشته است) و به شیوه‌ای که لازم است، برای آن قرار پییشنهاد شود. به همین ترتیب، برای رشته‌های مختلف هم تسری پیدا کند.

نگاه کوتاه مدت این است که اینها به صورت یک اوراقی است که شاید بهره‌برداری از آن چندان ساده نباشد و کمی دشوار باشد؛ اما سیستم مکانیزه به راحتی بعد از اینکه این موضوع جا افتاد، باعث می‌شود همکاران قضایی احساس بکنند که تسریع شد و اطلاع دادرسی، حداقل از این سو کاهش پیدا کرد.

یک پرونده‌ای که با قرار ناکافی صادر می‌شود، گردونه‌ای را به وجود می‌آورد که به کارشناس برمی‌گردد.

یعنی دوباره قاضی مجبور می‌شود قرار قطعی و قرار تکمیلی صادر کند، کارشناس هم مجدداً گزارش تکمیلی تنظیم کند و این پروسه طولانی را خواهد داشت. در این بین، بسیاری گرفتار می‌شوند و آسیب می‌بینند.

لذا پیشنهادم این است که در قالب یک کمیته از اکنون شروع کنیم. بنده حاضر به هر کمکی در این زمینه هستم تا در قبال این تیم، آرایش آن و نفراتی که برای هر گروه و هر رشته کارشناسی لازم است، سازوکار لازم را فراهم کنیم و این اقدام را انجام دهیم.

مسئله دیگر که در دادسرای انتظامی تهران، به کرات رخ می‌دهد و به طور قطع در استان‌های دیگر هم به میزان کمتر پیش می‌آید، «کسب نکردن موافقت روسای دادگاه‌ها در مورد استعفا کارشناسان» است. اتفاق بسیار عجیبی در این موضوع می‌افتد و شاید همکاران قضایی ما به این اندازه که ما در دادسرا مطلع می‌شویم، استحضار پیدا نکنند. یعنی یک قرار صادر و به کارشناس ابلاغ می‌شود؛ کارشناس هم به دلایلی از جمله کثرت مشغله کاری، مرخصی یا هر موضوع دیگری که «موجه» است، اعلام انصراف می‌کند. مقامات قضایی پاسخی نمی‌دهند، نه در تایید و نه در رد آن. کارشناس دیگری بعد از مدتی می‌آید و کارشناسی را انجام می‌دهد. قرار بر این بوده که در عرض یک هفته یا ۲۰ روز کاری را انجام دهد و این کار انجام نشده است. اما در کنارش، کارشناس اولیه به طور رسمی در سیستم، اعلام انصراف کرده است. کارشناسی ادامه پیدا می‌کند، گزارش تنظیم می‌شود، به استحضار مقامات قضایی می‌رسد و تصمیم هم گرفته می‌شود. اما در نهایت می‌بینیم یک نامه‌ای اعلام می‌شود که کارشناس تخلف کرده است؛ درحالی که کارشناس هم از همه جایی اطلاع است.

سازوکار این بسیار راحت است، ما احتمال می‌دهیم که سیستم ما دچار اشکال است؛ یعنی در اختیار ما و شما نیست. فقط کافی است به اپراتور بگوییم تا در مواقعی که کارشناس مراتبش را اعلام و عنوان می‌کند که «من معذورم» حداقل، پاسخگویی مرجع تصمیم‌گیرنده برای رد یا تاییدش را اعلام بکند. اختیار به عهده مقام قضایی است. پس در زمان مکفی این را اعلام کند تا هم اطلاع دادرسی نداشته باشیم و هم از صدور موضوعات انتظامی، که واقعا منشأ صحیحی ندارد، پرهیز کنیم.

مورد آخر اینکه کارشناس در مهلت مقرر مراجعه نمی‌کند. در سال ۱۴۰۳ ما درباره این موضوع خاص، از یکی از شعبات قضایی، تعداد ۷۸ مکاتبه داشتیم. این موضوع برای ما بسیار مهم بود و احتمالاً واحدهای شکایات، بیشتر از این اندازه هم به این موضوع رسیدگی کرده‌اند. از همکاران خواهش کردیم که حتماً مراجعه کنند. ما دویا سه جلسه برای آن شعبه خاص جلسه برگزار کردیم. صرفنظر از اینکه مقام قضایی نپذیرفت که با اعلام رسیدگی پرونده کارشناسی در مهلت سه یا هفت روزه، امکان اینکه یک کارشناس





سعادت: قرار
شده از قضات
دعوت شود تا به
ارائه آموزش به
همکاران مادر
واحد آموزش
کانون بپردازند.
همچنین بحث
آموزش متقابل به
قضات مطرح است

آقای دکتر ملانوروزی فرمودند، با خاطره بازی واقعا نمی‌شود. اگر به طور موردی و مصداقی بخواهیم صحبت کنیم، حرف از جانب ما نیز بسیار است. ماده ۲۶ قانون کارشناسان و ۱۳ بند تخلفات را همه شما می‌دانید. همه ما قضات در طول عمر فعالیت قضایی خود، به تعداد کارشناسی‌هایی که ارجاع داده‌ایم، می‌توانیم این بندها را احصا کنیم، ولی وارد این فضا نمی‌شویم و نخواهیم شد. استدعایی که از دوستان دارم، این است که مقداری بیشتر، خویشتن‌دارانه در این قضیه اقدام کنیم و فرصت را مغتنم بدانیم. امیدوارم برپایی این جلسات مستمر باشد و خروجی داشته باشد. بناس است که برگزاری این جلسه، یک نتیجه اجرایی در کار ما چه کار قضات و چه کار کارشناسان داشته باشد.

در سند تحول و تعالی، این راهبرد کلان و درواقع این مانع بزرگ در جهت تحقق مأموریت اول قوه قضاییه شناسایی شده است که یکی، بحث «کمبود اتقان آرا یا فقدان اتقان آرا در بعضی از موارد»، «اطاله رسیدگی» و «موانع اجرا» است. این هر سه با کارشناسان کاملاً مرتبط است. یعنی در هر سه فرآیند، کارشناسان درگیر، دخیل و ذی‌تأثیر هستند.

در این پنل، آقایان دکتر فرخ‌نیا و دهقانی‌نیا به صورت مشخص، دقیق، علمی و تخصصی مطالبی را مطرح کردند که کاملاً در حدود این موضوع بود؛ ولی چون مبتنی بر مبحث محوری جلسه یعنی «کارشناس و قاضی» است، تکرار نمی‌کنم. من در اینجا می‌خواهم دو نکته را مطرح کنم بر آن تقابلی کارشناس و قاضی دوگانه‌ای که ما ساختیم، که واقعا در این قضیه مؤثر است، ولی چندان به آن پرداخته نمی‌شود. یکی بحث اشکالات ساختاری و یکی بحث مسائلی است که محیط بر کارشناس و فرآیندهای قضایی تحمیل می‌کند.

در بحث ساختار، من چون در خانه صنفی کانون کارشناسان حضور دارم، از هیئت مدیره یک خواهشی دارم و آن اینکه دستگاه‌های نظارتی‌تان را تقویت کنید. من رویکرد معاون دادستان را که دیدم، دلم لرزید. وقتی ما درباره مسامحه کارشناس صحبت می‌کنیم، اگر علت را به ابهام در قرار کارشناسی احاله بدهیم، یعنی هنوز مقداری در درک مسئله مشکل داریم. تردیدی نیست که ممکن است قرارهای کارشناسی ابهام

یا کارشناسان بتوانند پاسخ بدهند، کم است. اما بحث این است؛ با توجه به کثرت تعداد کارشناسانی که داریم، اصرار به اینکه کارشناسان حتماً باید از این امر اطاعت بکنند، علتش چیست. البته وقتی با این مقام قضایی صحبت کردیم، با انسان بسیار قانون‌مدار، فرهیخته و اندیشمندی مواجه شدیم، منتها اصرارش این بود که «کارشناس حتماً باید قراری را که ما اعلام می‌کنیم، انجام بدهد و عذر را نمی‌پذیریم». لذا به عنوان یک همکار، خواهش می‌کنم که در قالب دستورالعمل و در قالب مجامعی که تشکیل می‌شود، اگر لازم می‌بینید، نماینده‌های ما حضور پیدا کنند. چون همه ما می‌خواهیم کاری بکنیم که مردم از این اطاله‌رهایی پیدا نکنند. در پایان امیدوارم که این جلسات استمرار پیدا کند، چون ما با صحبت رودررو می‌توانیم بسیاری از مشکلات را حل بکنیم، چرا که مکاتبات این امکان را به ما نمی‌دهد.

دکتر سید حمیدرضا حسینی، سرپرست مجتمع قضایی قدس: در وزن بودن این جلسه همین

نکته کفایت می‌کند که رئیس کل دادگستری استان تهران و رئیس کل محاکم شخصاً در آن حاضر شدند. موضوع جلسه به گونه‌ای انتخاب شده، تحت دو عنوان فروعی، که ناظر بر یکی از راهبردهای اصلی قوه قضاییه در سند تحول و تعالی برای تحقق اهدافش است. مخصوصاً مأموریت اولش در سند تحول و تعالی که درواقع همان رسالت کلی قوه قضاییه در رسیدگی به تظلمات است. به طور ویژه دو پنل تشکیل شد، ولی متأسفانه مباحث بسیار متداخل شد؛ مخصوصاً از جانب سخنرانان کانون کارشناسان. همکاران قضایی بسیار منجز، دقیق و به صراحت در حدود موضوع، در هر پنل بیانات خود را مطرح کردند.

پیش از جلسه هم جلسه‌ای منعقد شد و طی مذاکره با هیئت مدیره و هیئت اجرایی، بنا شد که وارد فاز تقابل و مواجهه نشویم. ولی متأسفانه بخش اعظم جلسه از سوی کارشناسان به مواجهه سپری شد و تاحدودی آن هدف کلی منقض شد. یعنی هدف ما این بود که بحث به صورت تخصصی و با یک رویکرد علمی و حرفه‌ای، ناظر به دو بخش کلی و ناظر بر آن راه‌حل‌هایی که می‌توانیم در این بستر آسیب‌شناسانه به آن برسیم، مورد بحث و بررسی قرار گیرد. همانطور که





حسینی: تردیدی نیست که پیچیدگی پرونده قضایی، چه از حیث ماهیت و چه از حیث حواشی، بر امر کارشناسی تأثیر می‌گذارد و این نیازمند برگزاری جلسات تخصصی با قوه قضاییه است که هم یک پوشش صیانتی برای کارشناس در نظر گرفته شود و هم غموض و پیچیدگی‌های کارشناسی در تعامل با مقامات قضایی، تشریح و تبیین شود

داشته باشد؛ تردیدی نیست که باید به سمت استانداردسازی قرارها برویم؛ تردیدی نیست که در سند تحول و تعالی، این مهم دیده شده است. اما اگر دوستان سند تحول و تعالی را مطالعه کنند، راهکارها شناسایی شده است. به طور مثال در فرآیند ارجاع، هوشمندسازی ارجاع به طور کامل دیده شده است و مداخلات انسانی حذف خواهد شد و به طور قطع، بخشی از گلایه‌های کارشناسان مرتفع می‌شود، چه از حیث ارجاع (یعنی عدالت در تنوع ارجاع رعایت شود) و چه از حیث تعیین حق الزحمه.

به طور قطع، این سازوکارها دیده و حل خواهد شد. ولی اینکه ما علت العلل را به صورت کلی و بدون آمار و داده، صرفاً به ابهام در قرار نسبت دهیم، کمی بی‌انصافی است. آقای دکتر فرخ‌نیا به دقت و با داده آماری، علت تخلفات را در دادگاه عالی انتظامی تحلیل کردند. فکر می‌کنم تعریف مسامحه کاملاً مشخص است. تکلیف دادگاه در تشخیص صلاحیت کارشناس، منافاتی با تکلیف کارشناس برای تأیید و تعیین صلاحیت خودش ندارد. اگر کارشناس صلاحیتش را احراز نکرد، می‌تواند با دادگاه مکاتبه کند؛ به‌ویژه که اکنون همه مکاتبات به صورت مکانیزه و الکترونیکی انجام می‌شود. یا اگر احیاناً قاضی خوش خلق نیست، نیازی به مراجعه به قاضی نیست و کارشناس می‌تواند از طریق سامانه، موضوع را ارسال و اعلام کند. یا اگر در قرار کارشناسی، مواردی به صورت مبهم و به اجمال برگزار شده، تقاضای تفصیلش را بکنند. کار پیچیده‌ای نیست، بنابراین این عامل موجهی برای آن عنوان مسامحه، که حدود مشخصی دارد، نخواهد بود. همانطور که اشاره کردم، می‌خواهم ناظر بر اشکالات ساختاری و محیطی صحبت کنم. مورد بعدی این است که از آقای دکتر تیموری استدعا دارم، یک وضعیت مشخص و یک سامانه معلومی برای بحث نظارت در نظر بگیرید. چه ایرادی دارد همچنان که اکنون سامانه‌هایی برای ارزیابی آرای قضایی در نظر گرفته شده، سامانه‌هایی هم برای ارزیابی نظرات کارشناسی و ارزیابی آرای صادره از دادسرای انتظامی و دادگاه انتظامی در نظر گرفته شود. خود این، یک محکی است برای پالایش آن نحوه و رفتاری که شما با تخلفات در کانون اتخاذ می‌کنید.

مورد بعدی این است که خواهش می‌کنم از شما که در کانون هستید، در هماهنگی با قوه قضاییه یک سامانه بین‌سازمانی را تعریف کنید که قاضی بداند چند قرار کارشناسی به یک نفر

کارشناس معین، ارجاع شده است. این سامانه می‌تواند به صورت هوشمند پالایش کند؛ اوقات کارشناس را در نظر بگیرد. همچنین که ما برای دادرسی، در سند تحول یک مهلت معینی در نظر می‌گیریم، که اگر از آن مدت عدول و تجاوز کند، به عنوان پرونده مسن یا معوق در نظر می‌گیریم؛ برای نظریه کارشناسی هم خود شما این را در نظر بگیرید. یعنی فقط لازم نباشد قاضی در وقت احتیاطی ببیند که نظریه برای او ارسال و واصل نشده است. در کانون این موضوع را کنترل و بررسی کنید که آیا کارشناس واقعا واجد امتیازات و شرایطی است که پروانه کارشناسی او مستمر باشد؟ آیا هنوز صلاحیت آن را دارد؟ شما قبلاً یک احراز صلاحیتی انجام داده‌اید، اما آیا این صلاحیت استمرار داشته است؟ همچنان که صلاحیت قضات به طور مداوم در طول خدمت‌شان ارزیابی می‌شود.

همچنین این موضوع را به صورت بین‌سازمانی هم حل کنید. یعنی این اطلاعات مورد نیاز، برای قضات هم قابل دسترس باشد تا قضات بدانند، وقتی به یک کارشناس ارجاع می‌دهند و او استعفا می‌دهد، علتش چیست.

در تبصره ماده ۱۵۸ قانون آیین دادرسی کیفری و همچنین در ماده ۲۶۱ قانون آیین دادرسی مدنی، این موضوع به تصریح و دقیق ذکر شده است که کارشناس تکلیف دارد بعد از ارجاع، کارشناسی را انجام دهد و این تکلیف، مُسقط آن صلاحیت نیست. کارشناس نمی‌تواند استعفا بدهد، مگر به عذر موجه. عذر موجه هم جهات عذر دادرسی است.

همچنین راجع به مهلت ناکافی کارشناسی، نمی‌خواهم وارد فاز محاجه شوم، اما بسیاری از موارد مشخص است. ماده ۱۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۲۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی، تعیین تکلیف کرده که کارشناس استمهال کند. استمهال هم با ارسال برگه الکترونیکی است و بدخلقی قاضی در آن موثر نیست.

مورد نهایی که به آن اشاره شد، بحث پیچیدگی پرونده‌های قضایی است. تردیدی نیست که پیچیدگی پرونده قضایی، چه از حیث ماهیت و چه از حیث حواشی، بر امر کارشناسی تأثیر می‌گذارد و این نیازمند برگزاری جلسات تخصصی با قوه قضاییه است که هم یک پوشش صیانتی برای کارشناس در نظر گرفته شود و هم غموض و پیچیدگی‌های کارشناسی در تعامل با مقامات قضایی، تشریح و تبیین شود.

ما نسلی از قضات هستیم که وقتی قرار



سعادت:
هدف همه
ما این است
که به عدالت
نزدیک شویم،
اطاله دادرسی
را کوتاه کنیم و
هزینه‌ها (زمان یا
هزینه‌های مالی)
را پایین بیاوریم

درباره بحث شکایت و بازرسی که به آن اشاره شد، باید تاکید کنم که چنین امری به لحاظ اجرایی برای ما مقدور نیست. حال، بر اساس نظر کارشناسی که کارشناس ارائه می‌کند، شما می‌توانید یک امتیازی را قائل شوید که این نظریه کارشناسی چقدر کامل بوده، چه کیفیتی داشته و نکات مورد اشاره آقای دکتر دهقانی نیا در آن رعایت شده یا خیر، ولی همه ما از باب موضوع شکایت، یک آماری داریم که فرضاً از یک فرد چقدر در مراجع قضایی یا جاهای مختلف شکایت شده است؛ موضوع شکایت چه بوده و آیا همیشه این مورد ناشی از مسامحه بوده یا به عدم ارسال بموقع نظریه کارشناسی یا حضور در دادگاه برمی‌گردد. ما در حال پالایش این موارد هستیم، یعنی آمارگیری انجام می‌دهیم و به طور قطع روی آن تاکید داریم.

مورد بعدی، لزوم توجه به راهکار پیشنهادی درباره بحث آموزش است. یعنی قرار شده از قضات محترم دعوت شود تا به ارائه آموزش به همکاران مادر واحد آموزش بپردازند. در این راستا موضوعات حقوقی که همکاران باید در نگارش حقوقی رعایت کنند و همچنین شفاف‌سازی فرضاً درباره کلماتی که بار کیفی و توصیفی دارد و باعث ابهام می‌شود، نیاز به آموزش دارد.

همچنین بحث آموزش متقابل به قضات مطرح است. بعضاً قضات شاید به طور کامل به تخصص‌ها و صلاحیت‌های کارشناسان، واقف نباشند. هدف همه ما این است که به عدالت نزدیک شویم، اطاله دادرسی را کوتاه کنیم و هزینه‌ها (زمان یا هزینه‌های مالی) را پایین بیاوریم. بنابراین گاهی اوقات اگر مادر همان ابتدای کار، از دو یاسه کارشناسی که صلاحیت شان همپوشانی دارد، استفاده کنیم، هم مسیر مامسیر درستی خواهد بود و

هم اطاله دادرسی صورت نمی‌گیرد و هم به مراحل بعدی نمی‌کشد. لذا اگر این آموزش برای قضات نیز به صورت دوستانه ارائه شود و قضات متوجه شوند که برای امور خاص نیاز است از کارشناسان مربوطه در رشته‌های مرتبط استفاده شود، در همان پرونده اول با همان هیئت کارشناسی موضوع خاتمه پیدامی‌کند. ولی بعضاً می‌بینیم که یک قسمتی ناقص است، موجب اعتراض می‌شود و در نهایت باعث اطاله دادرسی می‌شود.



کارشناسی یا قرار معاینه محل یا تحقیقات محلی را صادر می‌کنیم، وقت اجرای قرار تعیین می‌کنیم؛ در وقت اجرای قرار، اصحاب و کارشناسان را دعوت می‌کنیم تا حاضر شوند و در آنجا هم برای کارشناس تبیین می‌کنیم که منظورمان از قرار کارشناسی چیست و هم به اصحاب تذکر می‌دهیم که آنچه مورد نیاز کارشناسی است، به کارشناسان تقدیم کند. این سلیقه قضایی است. شاید رویکرد بعضی‌ها متفاوت باشد، ولی کانون می‌تواند برای این امر یک سازوکاری تعریف کند که در موارد ارجاع کارشناسی به کارشناس، مهلت معینی برای کارشناس تعیین شود که مثلاً در محل کانون یا در محل دفتر حاضر شود و اصحاب هم حاضر شوند. این مورد را از طریق سامانه‌های کانون نظارت و پیگیری کنید که اگر این نشد، قاضی ملتفت باشد که علت عدم اقدام در مهلت معین، همکاری نکردن اصحاب پرونده بوده است.

شه‌ریار سعادت، رئیس کمیسیون امور شکایات کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران: اظهارات آقای دکتر حسینی درباره روند جلسه درست است. قصد بر این نبود که در این جلسه نخست به طور مصداقی صحبت و موارد را اعلام کنیم. اما به هر حال، بعد از مدت‌ها یک فضایی باز شده بود و همکاران ما تصور کردند که این فضا فرصت مغتنمی است و می‌توانند یکسری مسائل مبتلابه را مطرح کنند. موارد متعددی هم به صورت پیامکی برای ما ارسال شد، ولی واقعیت این است که این جلسه به عنوان فتح البابی هست و قرار نیست موارد به صورت مصداقی گفته شود و صرفاً با برگزاری یک جلسه تمامی این مشکلات حل شود. همانطور که اشاره شد، ریشه

این مسائل مقداری ساختاری است، ولی من می‌خواهم به چند مطلب اشاره کنم. در مورد رتبه‌بندی کارشناسان ما هم به عنوان هیئت مدیره یا به عنوان کمیسیون شکایت، به این مسئله واقفیم که فرضاً توانایی یک کارشناس با دود دهه سابقه کار و تجربه کارشناسی در امور مختلف، با یک کارشناس تازه‌کار متفاوت است. در این راستا، یک گروهی از طریق هیئت مدیره از طرف شورای عالی و با همگی ایشان تشکیل شده و در حال تهیه سامانه‌ای هستند که این موارد در آن دیده شود.



بسمه تعالی



نشت رئیس کل، معاونین، مدیران و روسای مجتمع های قضایی دادگستری استان تهران

کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران

با حیات مدیره و حیات رنیه های گروه های تخصصی کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران

موضوع: بررسی چالش های امور کارشناسی و راهکارهای ارتقای کیفیت آن

تهران ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۴ - سالن اجتماعات ساختمان شماره ۲ کانون - از ساعت ۱۴:۰۰ الی ۱۷:۳۰

عناوین	مدت زمان (دقیقه)	موعد برنامه
سرود ملی و تلاوت قرآن مجید	۵	۱۴:۰۰ - ۱۴:۰۵
خیر مقدم جناب آقای دکتر تیموری ریاست کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران	۵	۱۴:۰۵ - ۱۴:۱۰
سخنرانی جناب آقای دکتر القاصی رئیس کل دادگستری استان تهران	۳۰	۱۴:۱۰ - ۱۴:۴۰
سخنرانی جناب آقای دکتر قربانی رئیس کل دادگاههای عمومی و انقلاب تهران	۱۵	۱۴:۴۰ - ۱۴:۵۵

بخش اول

"پنل اول با موضوع: عوامل مؤثر بر اطلاع دادرسی و راهکارهای کاهش آن با تأکید بر نقش قاضی و کارشناس"			
سخنران ۱: دکتر احمد قاسمی - قاضی دادگاه انتظامی کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران	۱۰	۱۴:۵۵ - ۱۵:۰۵	
سخنران ۲: دکتر مهدی خسروشاهی - سرپرست مجتمع دعاوی تجاری و شرکتهای دانش بنیان و دعاوی داوری	۱۰	۱۵:۰۵ - ۱۵:۱۵	
سخنران ۳: مهندس غلامعلی شهرکی - رئیس اسبق شورای عالی کارشناسان دادگستری	۱۰	۱۵:۱۵ - ۱۵:۲۵	
۱- دکتر سیدرضا ملجاء - معاون مجتمع عدالت ۲- مهندس غلامرضا شافعی - عضو اسبق هیئت مدیره کانون کارشناسان تهران	۳۰	۱۵:۲۵ - ۱۵:۵۵	۳- دکتر علی حمزه شریفی - سرپرست مجتمع قضایی شهید صدر ۴- احمد علیجانی - مدیر امور حقوقی کانون کارشناسان استان تهران و دبیر پنل

۱۵:۵۵ - ۱۶:۲۰

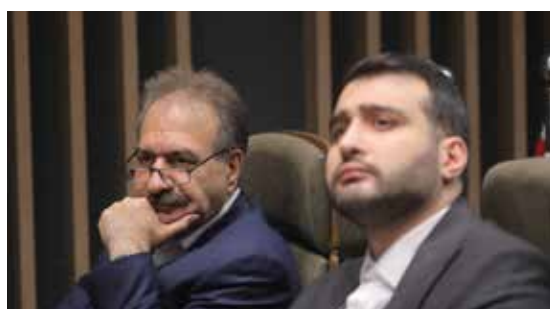
پذیرایی

بخش دوم

"پنل دوم با موضوع: بررسی عوامل مؤثر بر بروز مسامحات و تخلفات پر تکرار در امور مربوط به کارشناسی و راهکارهای کاهش آن"			
سخنران ۱: دکتر امیر رضا دهقانی نیا - سرپرست مجتمع شهید بهشتی	۱۰	۱۶:۲۰ - ۱۶:۳۰	
سخنران ۲: دکتر محمد فرخ نیا - قاضی دادگاه انتظامی کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران	۱۰	۱۶:۳۰ - ۱۶:۴۰	
سخنران ۳: پدram بهین شاد - معاون دادستان انتظامی کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران	۱۰	۱۶:۴۰ - ۱۶:۵۰	
۱- دکتر کریم ملانوروزی - سرپرست مجتمع صلح ۲- مهندس فریبرز قاسمی - دادستان کانون کارشناسان استان تهران	۳۰	۱۶:۵۰ - ۱۷:۲۰	۳- دکتر سید حمیدرضا حسینی - سرپرست مجتمع قدس ۴- مهندس شهریار سعادت - رئیس کمیسیون امور شکایات کانون کارشناسان استان تهران و دبیر پنل
سخنرانی اختتامیه آقای دکتر تیموری ریاست کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران	۱۰	۱۷:۲۰ - ۱۷:۳۰	

* از ساعت ۱۲:۳۰ الی ۱۳:۴۵ جهت ادای فریضه نماز ظهر و ناهار در خدمت مدعوین گرامی خواهیم بود.

* از ساعت ۱۳:۴۵ الی ۱۴:۰۰ پخش کلیپ معرفی کانون کارشناسان





رئیس کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران اعلام کرد:

تحول نظام کارشناسی در گرو همکاری های مشترک

رئیس کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران با اشاره به اصلاح و ارتقای رویکردها در کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران گفت: ما به دنبال همکاری و تعامل هستیم و این جلسه یکی از مصادیق بارز شروع جدی تحول است. دکتر محمدجواد تیموری در اختتامیه «همایش رئیس کل، معاونان، مدیران و روسای مجتمع های قضایی دادگستری استان تهران با اعضای هیئت مدیره و هیئت رئیسه گروه های تخصصی کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران» گفت: برگزاری این جلسه نشان داد که ما تا چه اندازه به برگزاری این گونه همایش ها نیاز داریم. وی ادامه داد: در این فرصت کوتاه، ترجیح می دهیم به جمع بندی مطالب ارائه شده در این همایش نپردازیم و اظهاراتم ناظر بر این باشد که در ادامه راه باید به چه سمت و سویی حرکت کنیم.

قضات و سرپرستان مجتمع های قضایی به ویژه آقای دکتر القامی مهر که همت والا و توجه ویژه ای به این جلسه داشتند و فرصت ارزشمند خود را برای حضور و سخنرانی در این جلسه تخصیص دادند، تقدیر و تشکر کنم. این حضور نشان دهنده جایگاه اثر بخش کانون کارشناسان در نزد مقامات قضایی است.

تغییر رویکردها و تحول در کانون کارشناسان

وی همچنین با اشاره به تغییر رویکردها در کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران، گفت: همچنان که در دادگستری استان تهران، رویکردها عوض شده است؛ در کانون کارشناسان استان تهران

تیموری همچنین با اعلام خبر برگزاری همایش ملی توسعه نظام کارشناسی در نیمه سال جاری اظهار داشت: در نیمه امسال ما «همایش ملی توسعه نظام کارشناسی» را برگزار خواهیم کرد که این همایش به صورت ملی برگزار می شود و در این همایش فرصت موسع تری وجود دارد که از جنبه های مختلف به مقولات بپردازیم. این مقام مسئول در ادامه تصریح کرد: در موقعیتی که اکنون قرار داریم، تصور نمی کردیم این جلسه تا این اندازه بار فضیلتی، بار معنوی، بار حرفه ای و بار مسئولیتی برای ما به همراه داشته باشد. بر این اساس، وظیفه خود می دانم که به عنوان نماینده کانون، از همه مهمانان، مقامات قضایی،

د

مطالبی که در این همایش مطرح شد، دریچه هایی را در زمینه تدوین استراتژی جدید، اصلاح ساختار، تهیه دستورالعمل ها و به کارگیری رویه های جدید، برگزاری دوره های آموزشی و پژوهشی جدید، به روی ما گشود



نگاه ما در کانون،
نگاه علمی
و پژوهشی
به مسائل
است؛ نگاه
تعملی مکی
بر گفت و گوی
چهره به چهره
است. با این
رویکرد، وظیفه
خود می دانیم
که در راستای
تحقق عدالت
با راهبردها و
سیاست های
دادگستری استان
تهران همراه
باشیم

تحقق عدالت با راهبردها و سیاست هایی که در دادگستری استان تهران حاکم است، همراه باشیم و یقین می دانیم که این نگاه در آن سازمان معظم نیز برقرار است.

ضرورت تعامل دادگستری و کانون کارشناسان

تیموری با اشاره به ضرورت تعامل دادگستری و کانون کارشناسان در ایجاد سامانه های مرتبط تاکید کرد: درخصوص بحث ایجاد سامانه ها که در این همایش مطرح شد، باید تاکید کنم با توجه به اینکه یکی از ذی نفعان اصلی این موضوع، دادگستری استان تهران است، اصلاً امکان ندارد ما سامانه ای را در کانون طراحی و پیاده کنیم و در این راستا از مسئولان و دست اندرکاران دادگستری نظرخواهی نکنیم. بنابراین ایجاد چنین سامانه هایی نیازمند تعامل بیشتر، تشکیل کمیته های تخصصی و بررسی آن و ارزیابی و کنترل کارآمدی و اثربخشی این سامانه ها است.

وی در پایان خاطرنشان کرد: این جلسه اولین جلسه بود و همانطور که در بخش آغازین، به ویژگی های این جلسه اشاره کردم، یکی از ویژگی های این جلسه می تواند «تکرارپذیری» آن باشد. تکرارپذیری این جلسه از بطن جلسه خودش نشان داد. به نظر می رسد با توجه به اظهارات مطرح شده در این همایش، باید جلسات را با نگرش تخصصی، در حوزه های تخصصی و با توجه به موضوعات تخصصی در محافل مختلف ادامه دهیم و ارتباطات خود را با نهادهای ذی ربط تقویت کنیم.

هم رویکردها عوض شده است. رئیس کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران با تاکید بر اینکه رویکرد تقابلی، دیگر به هیچ وجه محلی از اعراب ندارد، اظهار داشت: ما به دنبال تعامل هستیم و این جلسه یکی از مصادیق بارز شروع جدی این تحول است. لذا ما به عنوان مأمور در نظام قضایی، و مقامات قضایی به عنوان آمر در نظام قضایی، باید با کمک هم این بار را به منزل مقصود برسانیم. تیموری اضافه کرد: بنابراین مطالبی که حداقل در حوزه کانون کارشناسان، در این همایش مطرح شد، دریچه هایی را در زمینه های مختلف از جمله تدوین استراتژی جدید، اصلاح ساختار، تهیه دستورالعمل ها و به کارگیری رویه های جدید، برگزاری دوره های آموزشی و پژوهشی جدید، به روی ما گشود.

این مقام مسئول خطاب به حضار تاکید کرد: ولی نکته این است که این امر به صورت یکطرفه امکان پذیر نیست. من یقین دارم و همه سروران گرامی هم به این اذعان دارند که کار مشترک است و تحول، تحول مشترک است و همکاری و مساعدت مشترک را برای ارتقای نظام کارشناسی می طلبد؛ بنابراین ما از این نوع نگاه استقبال می کنیم. وی افزود: در حال حاضر نگاه ما در کانون، نگاه علمی و پژوهشی به مسائل است؛ نگاه تعاملی مکی بر گفت و گوی چهره به چهره است. با این رویکرد و به تاسی از دادگستری استان تهران، وظیفه خود می دانیم که ما هم در راستای



گروه‌های دوازده گانه کارشناسی

امور پزشکی دارویی و غذایی

گروه ۳

- رشته پزشکی
- رشته داروسازی و سم شناسی
- رشته مواد غذایی و مسمومیت‌های ناشی از آن

ارزشیابی اموال منقول

گروه ۲

- رشته آثار هنری و اشیاء نفیسه
- رشته اشیاء عتیقه و احجار کریمه و کتب خطی
- رشته ساعت و جواهرات
- رشته فرش
- رشته لوازم خانگی و اداری

منابع آب و معادن

گروه ۱

- رشته معادن
- رشته مواد (شامل: فلزات-سرامیک-کامپوزیت)
- رشته مهندسی آب

کشاورزی و منابع طبیعی

گروه ۹

- رشته آبزیان و شیلات
- رشته دامپروری و دامپزشکی
- رشته صنایع چوب
- رشته کشاورزی و منابع طبیعی
- رشته گیاه پزشکی
- رشته محصولات دامی (پوست و چرم- سالامبور و روده)
- رشته محیط زیست طبیعی

فنون هنری

گروه ۸

- رشته امور ورزشی
- رشته تألیفات
- رشته هنرهای نمایشی، امور سینمایی و عکاسی
- رشته تشخیص اصالت خط، امضاء و اثر انگشت
- رشته تمبر
- رشته چاپ و چاپخانه
- رشته شعر و سرود
- رشته صنایع دستی
- رشته طراحی و گرافیک

صنعت و فن

گروه ۷

- رشته الکتروشیمی و پتروشیمی و فرآورده‌های شیمیایی
- رشته امور انرژی هسته‌ای
- رشته برق، الکترونیک و مخابرات
- رشته برق، ماشین و تأسیسات کارخانجات
- رشته تأسیسات ساختمان
- رشته کامپیوتر (رایانه) و فناوری اطلاعات (ICT, IT)
- رشته صنایع گاز و گازرسانی
- رشته صنایع نفت
- رشته مهندسی پزشکی- لوازم و تجهیزات پزشکی
- رشته صنایع هوایی و فضائی
- رشته نساجی و رنگرزی

راه و ساختمان ونقشه برداری

گروه ۶

- رشته ابنیه و آثار باستانی
- رشته امور ثبتی
- رشته برنامه ریزی شهری
- رشته راه و ساختمان
- رشته معماری داخلی و تزئینات
- رشته مهندسی ترافیک
- رشته مهندسی محیط زیست
- رشته نقشه برداری و اطلاعات مکانی

امور وسایل نقلیه

گروه ۵

- رشته امور حمل و نقل (ترابری)
- رشته امور وسایط نقلیه دریایی و غواصی
- رشته امور وسایط نقلیه ریلی
- رشته امور وسایط نقلیه
- موتور زمینی

امور مالی

گروه ۴

- رشته آمار
- رشته امور بازرگانی
- رشته بیمه
- رشته تعیین نفقه
- رشته حسابداری و حسابرسی
- رشته امور سرمایه گذاری، بانک و بورس

بیو و نانو تکنولوژی

گروه ۱۲

- رشته بیو تکنولوژی (انسانی)

ایمنی و حوادث

گروه ۱۱

- رشته امور آتش سوزی و آتش نشانی
- رشته امور اسلحه و مهمات
- رشته امنیت عمومی
- رشته حوادث ناشی از کار
- رشته مواد محترقه منفجره (ناریه)

خدمات اداری و عمومی

گروه ۱۰

- رشته امور آموزشی
- رشته امور اداری و استخدامی
- رشته امور خبرنگاری و روزنامه نگاری
- رشته امور گمرکی
- رشته ایرانگردی و جهانگردی
- رشته ثبت شرکت ها، علائم تجاری و اختراعات
- رشته زبان های خارجی (انگلیسی - آلمانی - فرانسه - عربی)
- رشته کتاب و کتابداری



مروری بر ساختار قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران

قوه قضائیه: بر اساس اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی، قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت است. بر اساس بند ب اصل یکصد و دهم قانون اساسی، ریاست قوه قضائیه به عنوان عالی‌ترین مقام قوه، از سوی مقام رهبری منصوب می‌شود. اصل ۱۵۷ قانون اساسی: مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به عنوان رئیس قوه قضائیه تعیین می‌نماید که عالی‌ترین مقام قوه قضائیه است. اصل ۱۵۹ قانون اساسی: دادگستری مرجع رسمی تظلمات و شکایات است.

تشکیلات اداری قوه قضائیه

شورای عالی قضایی، متشکل از معاونت‌ها، سازمان‌ها و برخی از مراکز وابسته است که بر اساس اصل ۱۵۸ قانون اساسی تشکیل شده و این شورا به ریاست رئیس قوه قضائیه به صورت هفتگی تحت عنوان شورای عالی قوه قضائیه، برای هماهنگی بیشتر و صدور دستورهای لازم برگزار می‌گردد.

وزیر دادگستری: وزیر دادگستری در جلسات شورای عالی قضایی شرکت می‌کند و نقش رابط و هماهنگ‌کننده قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را بر عهده دارد. مطابق اصل ۱۶۰ قانون اساسی، وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را بر عهده دارد و از میان کسانی که رئیس قوه قضائیه به رئیس جمهور پیشنهاد می‌کند، انتخاب می‌شود. همچنین رئیس قوه قضائیه می‌تواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیر قضات را به وزیر دادگستری تفویض کند.

واحدهای قضایی

- ۱- دیوان عالی کشور
- ۲- دادستانی کل
- ۳- دادگاه عالی انتظامی قضات

۴- دادسرای انتظامی قضات

۵- دیوان عدالت اداری

رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور توسط رئیس قوه قضائیه و با مشورت قضات دیوان عالی کشور، به مدت پنج سال به این سمت منصوب می‌شود. همچنین رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور باید مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی باشند.

سازمان‌های تابعه قوه قضائیه

- ۱- سازمان قضایی نیروهای مسلح
 - ۲- سازمان پزشکی قانونی کشور
 - ۳- سازمان بازرسی کل کشور
 - ۴- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
 - ۵- سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور
- اصل ۱۷۴ قانون اساسی: به منظور نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری، سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌گردد. مطابق ماده ۲ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور، حدود اختیارات و وظایف این سازمان عبارت است از:
- ۱- بازرسی و نظارت مستمر کلیه وزارتخانه‌ها و ادارات و امور اداری و مالی دادگستری، سازمان‌ها و

دادگاه انقلاب دادگاه نظامی

محاكم تجديد نظر

مرجع رسیدگی به تجدیدنظرخواهی از آرای دادگاه های عمومی و انقلاب، شامل شعب حقوقی و کیفری است. در هر استان شهرستان ها دارای دادگستری مستقل (تابع رئیس کل استان) هستند که شامل دادگاه ها و دادرهای عمومی و انقلاب می شود.

ساختار دادرهای عمومی و انقلاب

در نظام قضایی ایران، دادر بر اساس قانون اساسی و قانون آیین دادرسی کیفری طراحی شده است. دادر نهادی است که زیر نظر دادستان فعالیت می کند و مسئولیت اصلی آن تعقیب مجرمین و نظارت بر ضابطان دادگستری و اجرای احکام کیفری است. دادستان بالاترین مقام قضایی دادر و وظایف او عبارت است از:

۱. نظارت بر حسن اجرای قوانین در تعقیب مجرمین و متهمان؛
۲. صدور دستور تعقیب یا منع تعقیب؛
۳. ریاست بر ضابطان دادگستری؛
۴. نظارت بر زندان ها و اجرای احکام کیفری.

دادیاران: بازوی اجرایی دادستان در امور کیفری محسوب می شوند و وظایف آنها عبارتند از:

۱. انجام تحقیقات مقدماتی؛
۲. استماع اظهارات شاکی و متهم؛
۳. صدور قرارهای لازم.

دادیاران به دادیاران اظهار نظر اجرای احکام و تحقیق تقسیم می شوند.

بازپرسان: در جرایم مهم مثل قتل، جرایم سنگین و جرائم اقتصادی کلان، بازپرسان تحقیقات مقدماتی را انجام می دهند.

تفاوت دادیاران و بازپرسان

دادیاران و بازپرسان، هر دو از مقامات دادر هستند و وظیفه آنها انجام تحقیقات مقدماتی است؛ لیکن از حیث جایگاه اختیارات و استقلال قضایی، تفاوت های مهمی دارند:

دادیاران: تصمیمات شان باید با موافقت یا تایید دادستان باشد که در واقع این وظیفه بر عهده دادیاران اظهار نظر است.

بازپرسان: مقامات قضایی مستقل تر در دادر هستند؛ لیکن همچنان تحت نظارت کلی دادستان هستند.

در بسیاری از موارد، بازپرس از استقلال لازم برخوردار است؛ مثل صدور قرار جلب، بازداشت موقت، بازرسی منزل که راساً اتخاذ تصمیم می کند و فقط در موارد محدود نیازمند تایید دادستان یا دادگاه است.

در پایان، با توجه به مراتب فوق، مرور مختصری شد بر ساختار قوه قضاییه و بعضی از زیرمجموعه های آن. لیکن امیدواریم در آینده نیز درخصوص زیرمجموعه های قوه قضاییه به جزئیات بیشتری پرداخته شود.

دستگاه های تابعه قوه قضاییه و نیروهای نظامی و انتظامی و موسسات و شرکت های دولتی و شهرداری ها و موسسات وابسته به آنها و دفاتر اسناد رسمی و موسسات عام المنفعه و نهادهای انقلابی و سازمان هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه یا سهام آنان متعلق به دولت است، یا دولت به نحوی از انحاء بر آنها نظارت یا کمک می نماید؛

۲- انجام بازرسی های فوق العاده حسب الامر مقام معظم رهبری و یا به دستور رئیس قوه قضاییه و یا درخواست رئیس جمهور و یا کمیسیون اصل نود (۹۰) قانون اساسی مجلس شورای اسلامی و یا بنا به تقاضای وزیر یا مسئول دستگاه های اجرایی ذی ربط و یا هر موردی که به نظر رئیس سازمان، ضروری تشخیص داده شود؛

۳- اعلام موارد تخلف و نارسایی ها و سوء جریان های اداری و مالی درخصوص وزارتخانه ها و نهادهای انقلاب اسلامی و بنیادها به رئیس جمهور و درخصوص موسسات و شرکت های دولتی و وابسته به دولت به وزیر ذی ربط و در مورد شهرداری ها و موسسات وابسته به وزیر کشور و درخصوص موسسات غیردولتی کمک بگیر از دولت به وزیر ذی ربط و درخصوص سوء جریان های اداری و مالی مراجع قضایی و واحدهای تابعه دادگستری به رئیس قوه قضاییه و در موارد ارجاعی کمیسیون اصل نود (۹۰) قانون اساسی، نتیجه بازرسی به آن کمیسیون اعلام خواهد شد؛

۴- یکی از وظایف دیگر سازمان بازرسی، به موجب ماده ۶ قانون موصوف، اعلام وقوع جرم است. چنانچه جرم دارای حیثیت عمومی باشد، رئیس سازمان یا مقامات مأذون از طرف وی، یک نسخه از گزارش را با دلایل و مدارک مربوط برای تعقیب و مجازات مرتکب به دادستان محل، تسلیم و موضوع راتا حصول نتیجه نهایی پیگیری نمایند؛

۵- گزارش موارد تخلف از آیین نامه ها و مدیران دولتی.

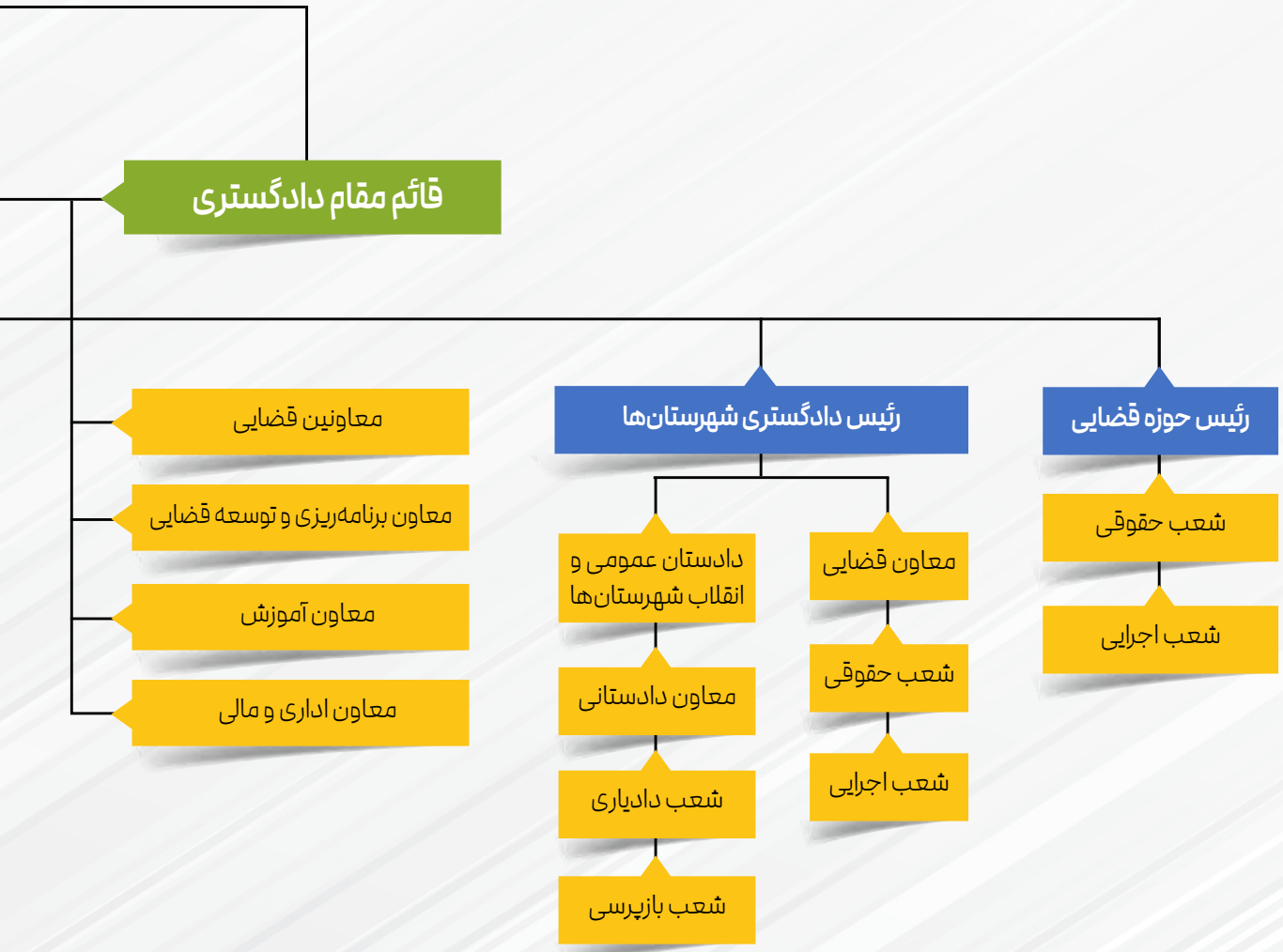
توضیح: رئیس سازمان از سوی رئیس قوه قضاییه و از میان قضات شرع و قضاتی تعیین می شود که دارای رتبه ۱۰ یا ۱۱ قضایی باشند.

ساختار دادگستری استان ها

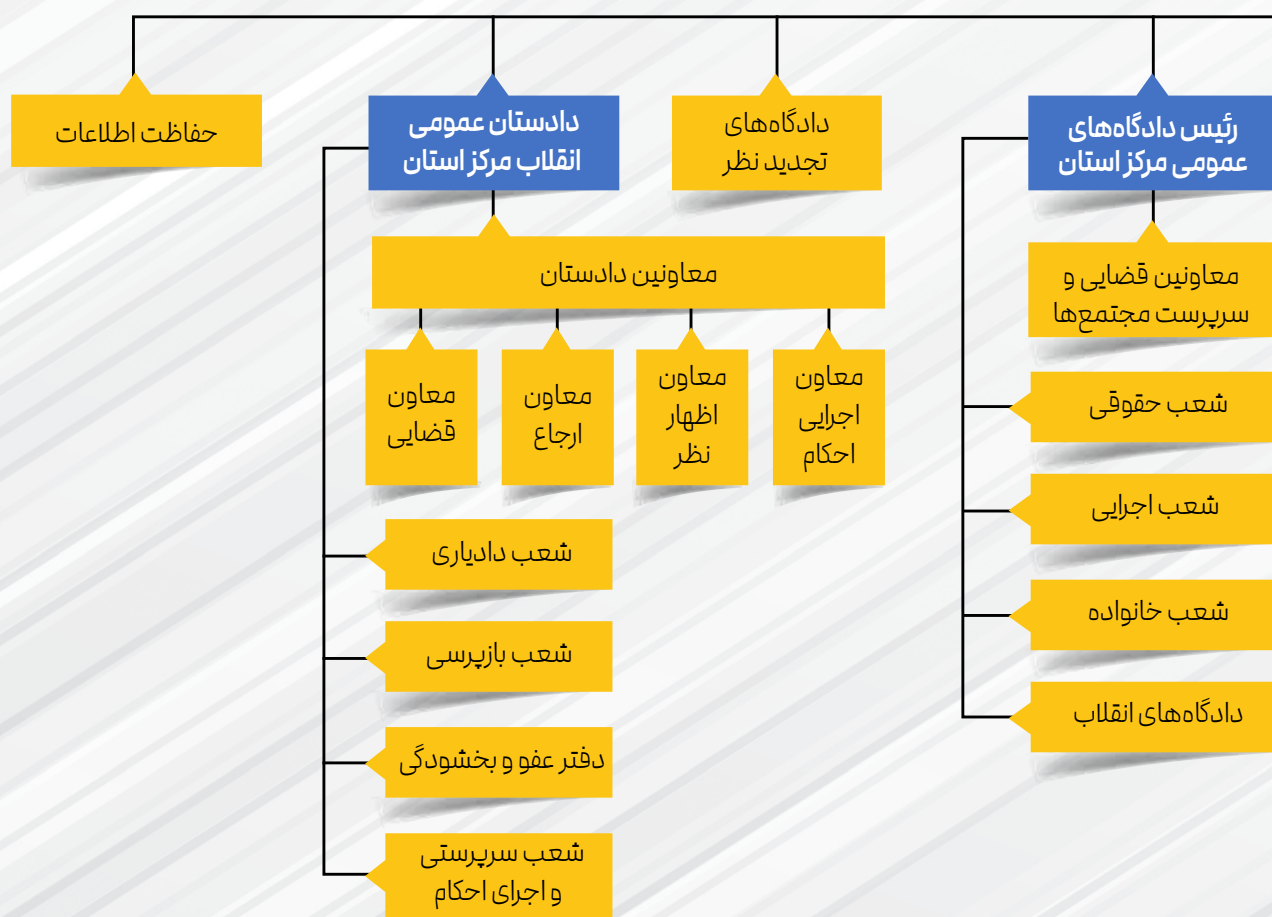
بر اساس قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب و آیین نامه ابلاغی قوه قضاییه در هر استان، تشکیلات دادگستری زیر نظر رئیس کل دادگستری فعالیت می کند. **ریاست کل دادگستری:** بالاترین مقام قضایی استان محسوب می گردد که از سوی رئیس قوه قضاییه منصوب می شود.

محاكم بدوی دادگاه های عمومی و انقلاب شامل:

- شورای حل اختلاف
- دادگاه صلح
- دادگاه عمومی حقوقی
- دادگاه کیفری یک
- دادگاه کیفری دو
- دادگاه خانواده
- دادگاه اطفال و نوجوانان



رئیس کل دادگستری استان





همایش ملی توسعه نظام کارشناسی

همایش ملی توسعه نظام کارشناسی

با ارائه مقالات تخصصی

برگزارکننده: کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران

زمان: ۲۵ و ۲۶ بهمن ماه ۱۴۰۴

مکان: مرکز همایش‌های بین‌المللی رازی دانشگاه علوم پزشکی ایران

اهداف برگزاری همایش

- توسعه نظام کارشناسی
- ارتقای دانش کارشناسی
- تقویت انسجام داخلی جامعه کارشناسی
- رشد کیفی و کمی خدمات کارشناسی
- افزایش اعتبار بیرونی کارشناسی
- توسعه همکاری‌های سازمانی و نهادی، مرتبط به کارشناسی

محورهای همایش

۵ مرور آموزه‌های تجارب کارشناسی

- تحلیل مسائل مرتبط با صلاحیت‌های کارشناسی
- شناسایی عوامل موثر در اختلاف نظرهای کارشناسی
- ریشه‌یابی شکایات انتظامی از کارشناسان

۶ شناسایی عوامل موثر در ارتقای کیفیت خدمات کارشناسی

- تبیین نقش اخلاق حرفه‌ای در اعتلای کارشناسی رسمی
- طراحی ساز و کار ارزشیابی خدمات کارشناسی
- به کارگیری ابزارهای هوشمند در امور کارشناسی
- ترسیم فرآیند ارتقای جایگاه کارشناسی رسمی

۷ بررسی تجارب بین‌المللی در نظام کارشناسی

- بررسی نقش سازمانهای بین‌المللی نظام کارشناسی
- مرور استانداردهای بین‌المللی در امور کارشناسی
- بررسی ساختار و نظام کارشناسی در کشورهای مختلف
- معرفی جایگاه کارشناسی در نظام قضایی کشورهای منتخب
- بررسی نظام‌های تعرفه دستمزد کارشناسی در کشورهای دیگر
- تحلیل فرصت‌ها و تهدیدها در تعاملات و استفاده از استانداردهای بین‌المللی

۱ تبیین جایگاه کارشناسی از منظر قانونی و حرفه‌ای

- تبیین نقش کارشناسان رسمی دادگستری در توسعه عدالت
- تبیین نقش اجتماعی کانون کارشناسان به عنوان شکل حرفه‌ای
- صیانت از استقلال کانون کارشناسان رسمی دادگستری
- ارتقاء شأن کارشناسی و کانون کارشناسان رسمی دادگستری در جامعه
- معرفی ظرفیتهای متنوع کارشناسی در ارائه خدمات فنی و تخصصی

۲ بررسی ساختار نظام کارشناسی رسمی

- تبیین جایگاه نظام کارشناسی در نظام قضایی
- تحلیل ساختاری وجود نهادهای موازی در امر کارشناسی رسمی
- آسیب‌شناسی ساختار درونی و بیرونی نهادهای مرتبط به کارشناسی
- تبیین مراودات و تعاملات مراجع قضایی با کانونهای کارشناسی
- تحلیل وضعیت و راهکارهای اصلاح ساختار امور کارشناسی غیرقضایی

۳ تحلیل نقش نهادهای سیاستگذار، ناظر و تنظیم‌گر در امور کارشناسی

- تبیین جایگاه و نقش نهادهای محیط بیرونی کارشناسی
- بررسی نقش و جایگاه نهادهای محیط درونی کارشناسی

۴ تحلیل چالش‌های نظام کارشناسی

- تشریح ضرورت و چگونگی بازنگری قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری
- آسیب‌شناسی اجرای قانون تسهیل و نحوه اخذ پروانه کارشناسی
- تحلیل آثار چگونگی تدوین، تصویب و اجرای تعرفه دستمزد کارشناسی
- بررسی مسائل نظام ارجاع کار کارشناسی در حوزه قضایی و غیرقضایی

تارنمای ارسال مقالات:

hamayesh.karshenasan.ir



کانون کارشناسان رسمی داورتری
Official Expert Organization, Tehran

فرازی از نامه ۵۳ نهج البلاغه

آنجا که امام علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر، در مورد اعطای منصب قضاوت و انتخاب قاضی می‌فرماید:

سپس برترین و فاضل‌ترین افراد جامعه را نزد خود برای قضاوت در میان مردم برگزین. کسی که امور مختلف وی را در تنگنا قرار ندهد و برخورد طرفین نزاع با یکدیگر او را به خشم و لجابت وا ندارد، در لغزش و اشتباهاتش پافشاری نکند و هنگامی که حق را شناخت بازگشت از خطا به سوی حق بر او مشکل نباشد و نفس او به طمع تمایل نداشته باشد، در فهم مطالب به تحقیق اندک اکتفا نکند و تا پایان پیش رود و در شبهات از همه محتاط‌تر باشد، در تمسک به حجت و دلیل از همه بیشتر پافشاری کند و با مراجعه مکرر اطراف دعوا کمتر خسته شود، در کشف حقیقت امور شکیباتر و به هنگام آشکار شدن حق در انشای حکم از همه قاطع‌تر باشد. از کسانی که ستایش فراوان، او را مغرور نسازد و فریب ندهد و مدح و ثنای بسیار او را به ثناخوان و مدح‌کننده متمایل نکند، البته قضاتی این گونه کم‌اند.

